



مدیر اچ‌اس‌ای شرکت ملی پتروشیمی ایران
تنها تولید و فروش را نباید
به بخش خصوصی واگذار کند آنها باید
مسئول همه چیز باشند

مهدی شریفی نیک نفس، رئیس اتاق بازرگانی
با تامین خوراک پتروشیمی‌ها می‌توان
به حضور پررنگ ایران در بازارهای جهانی
امیدوار بود

E N E R G Y W O R L D

۱۷ دنیای انرژی

فصلنامه بین‌المللی خبری، آموزشی، تحلیلی و پژوهشی - پاییز ۹۵ - قیمت: ۱۲ هزار تومان

وزیر اقتصاد پرتغال
در گفت‌وگو با دنیای انرژی
فضای پسابرجام
فرصت همکاری‌های
بخش خصوصی را
فراهم کرده است

چرا بخش خصوصی به انتخاب
شرکت‌های E&P معترض است؟

فریدون حسنوند، رئیس کمیسیون انرژی مجلس:
باید تکلیف خصوصی
یادآوری بودن پتروشیمی‌ها
مشخص شود





روان کارهای خودرویی و صنعتی کراپ

CROP IRAN ADVANCED LUBRICANTS



با محصولات کراپ:

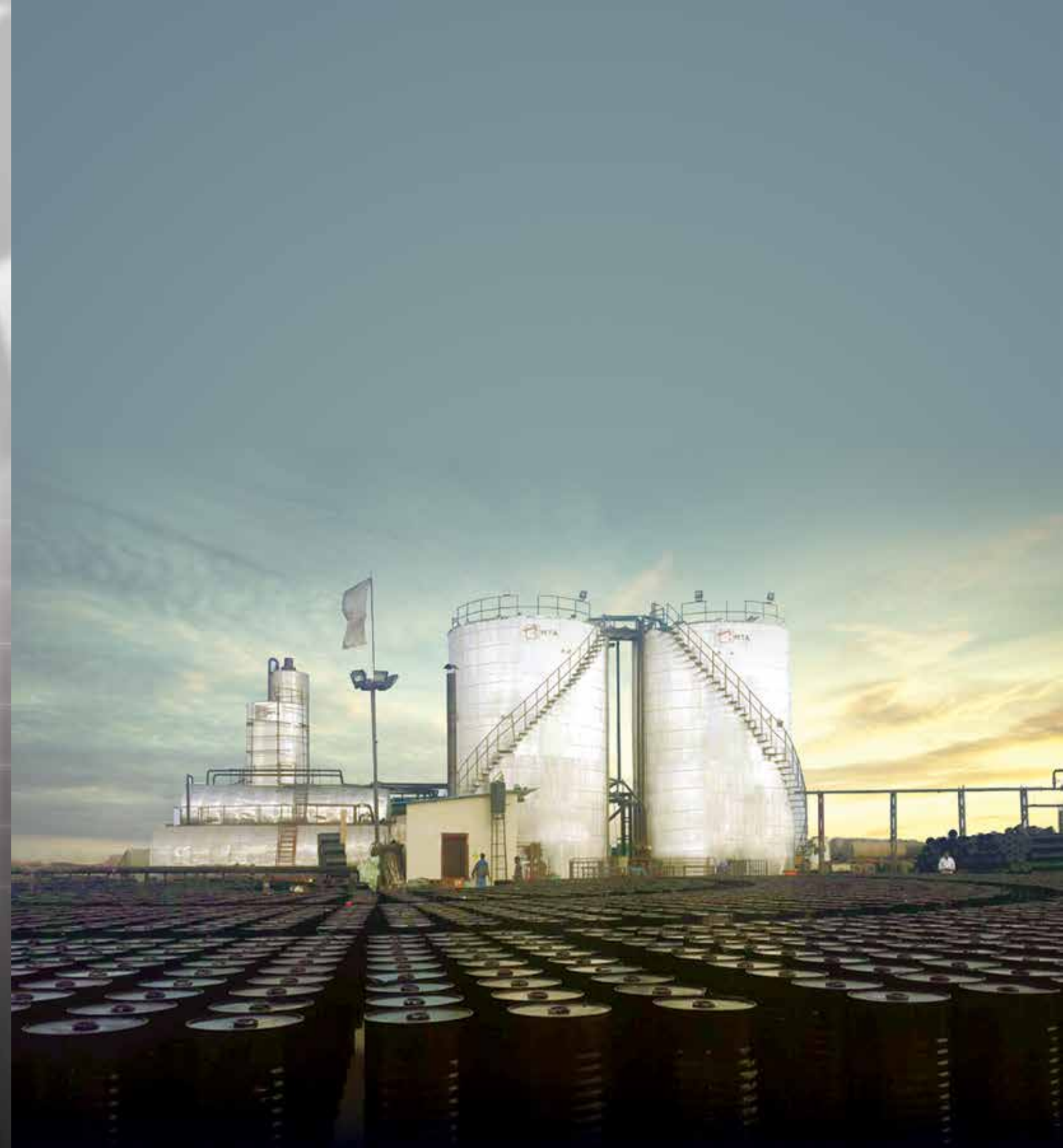
در لحظه رانندگی کن...!



روغن ترمز | ضد یخ و ضد جوش | روغن موتور | روغن دنده (واسکارین) | روغن فرمان (هیدرولیک) | آب رادیاتور | شیشه شوی خودرو | مکمل بنزین

نشانی: تهران سهروردی شمالی خیابان توپچی شماره ۲۲ طبقه چهارم تلفن: ۸۸۷۶۸۴۱۶ - ۸۸۷۶۹۲۵۱ فاکس: ۸۸۷۳۸۲۷۶

WWW.CROP.IR



تجارت آفتاب
Tejarat Aftab MTA
www.mtaholding.com
Tel : 021-26203100

سومین تولیدکننده و صادرکننده قیر در ایران



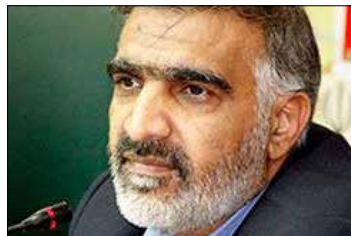
آفت‌های افزایش درآمد‌های نفتی و نقش بخش خصوصی در تعادل آن



بخش خصوصی منجی سوآپ



سید حمید حسینی: بیمه‌ها شانه خالی می‌کنند و تجارت محصولات نفتی کماکان پر ریسک است



فریدون حسنونند: باید تکلیف خصوصی یادولتی بودن پتروشیمی‌ها مشخص شود



نابودی قریب‌الوقوع تولید کنندگان پارافین کشور



احمد صرامی: بابیمه‌های توان ریسک تجارت را کاهش داد

سید فرهاد اخلاقی: واردات خوراک پتروشیمی‌ها از عراق راه حل کوتاه مدت است



صادر کنندگان روغن نمی‌توانند یادولتی‌ها و خصولتی‌ها رقابت کنند



فهرست

دنیای انرژی ENERGY WORLD



فصل نامه بین‌المللی خبری، آموزشی، تحلیلی و پژوهشی

صاحب امتیاز: اتحادیه صادر کنندگان
فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی
مدیر مسئول: سید حمید حسینی

شورای سیاست گذاری: فرزاد گلچین، مهدی اسپندیاری، احمد صرامی، نیما اسلامی و محسن طارمیان
سر دبیر: رضا رضی
دبیر تحریریه: سید بهزاد اخلاقی
همکاران تحریریه: وحید وثابی، سعید بهمنی، پدram سلطانی، پیام پرنده، سیامک تیمورپور، احمد جانی پزندی، الهه ابراهیمی، روزبه پارسا زاد، علی رضا جلالی فراهانی، شکوفه حبیب زاده، علیرضا سلطانی، نرسی قربان، محمد ابراهیم شفیعی، حمید رضا شکوهی، مرتضی ایمانی راد، سید امیر طالبیان، همایون دارابی و مجید کیومرثی

عکس: سیده‌هاپا هوشمند ضیافی و مهسا معیری
مدیر هنری: آرژ روشنگر
ویراستار: محمد ابراهیم خلیلی

چاپ: سپهرخ، خیابان دماوند - روبه روی بیمارستان بوعلی
خیابان بخشی قر، پاساژ دماوند، پلاک ۱ - تلفن: ۷۷۵۹۶۰۷۹
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

آدرس نشریه: خیابان دکتر بهشتی
خیابان مفتاح شمالی، خیابان نقدی، پلاک ۱۰ طبقه اول
تلفن: ۸۸۵۱۱۶۱۱ فاکس: ۸۸۵۰۸۲۵۰

پست الکترونیک: world-energy@opex.ir
پایگاه اینترنتی: www.opex.ir

سفیر ایران در اسلام‌آباد: پاکستان متقاضی
فرآورده‌های نفتی ایران است



نرسی قربان، تحلیل‌گر ارشد مسائل انرژی

قراردادهای جدید نفتی، نیاز روز

نداشته باشد و پیش‌بینی اینکه چه تحولاتی در حوزه قراردادی و سرمایه‌گذاری در پیش داریم چندان دقیق نیست. قراردادهای جدید نفتی (IPC) در زمره قراردادهای خدماتی محسوب می‌شود و متفاوت از قراردادهای انحصاری و یا مشارکتی مرسوم است. این نوع قراردادهای با توجه به شرایط خاص ایران و برخی کشورهای همسایه، در کشورهایی چون ایران، عراق، قطر و... اجرایی می‌شود. همچنین ذکر این نکته هم لازم است که قراردادهای حوزه نفت در یک شکل عرضه نخواهند شد و IPC تنها شکل خاصی است که در خصوص نحوه همکاری با شرکت‌های خارجی بزرگ به کار می‌رود. بنا به گفته متولیان حوزه انرژی در خصوص توسعه میادین داخلی و کوچک از همان قراردادهای قبلی مانند بیع متقابل استفاده خواهد شد. نتیجتاً باید گفت که بررسی‌های کارشناسی انجام شده در خصوص مدل جدید قراردادهای نفتی به اندازه کافی زمینه مطالعاتی این قراردادهای را غنی کرده است و آنچه اکنون نیازمند آنیم ورود به مرحله عملیاتی است تا هم در جذب سرمایه‌گذاری و تکنولوژی عقب‌نمانیم و هم زمینه برای آشکار ساختن برخی ایرادات احتمالی آنها فراهم شود.

کند، ایران راه‌درازی برای توسعه برداشت از این میدان مشترک پیش‌رو دارد. ما برای آنکه بتوانیم این لایه‌های نفتی را توسعه ببخشیم نیازمند جذب سرمایه و تکنولوژی هستیم که در داخل کشور وجود ندارد. این مسائل به اندازه کافی توجه به شکل جدیدی از قراردادهای را برای واردات سرمایه و تکنولوژی توجیه می‌کند. روند اجرایی بررسی و تدوین قراردادهای جدید نفتی در دو سال گذشته نشان داد که به اندازه کافی در خصوص مسائل و مفاد مربوط به این قراردادهای بحث و بررسی صورت پذیرفته است و آنچه اکنون نیاز داریم ورود به مرحله اجرایی و عملیاتی این قراردادهای است. طبیعی است که هیچ‌گونه قراردادی در سطح دنیا بی‌ایراد و یا کاملاً مطلوب نیست و همواره نقصان یک قرارداد در مرحله اجرا بیشتر پدیدار می‌شود. عملیاتی شدن این قراردادهای زمینه را برای پیدا شدن نقاط ضعف آن فراهم می‌کند و اگر اصرار داریم روند بررسی کارشناسی این قراردادهای کامل شود، باید گفت که آنچه انجام شد کافی است و باید ادامه این روند در مقام اجرا حاصل شود. البته باید در نظر داشت که همین مدل قراردادهای در صحنه عمل ممکن است از نظر شرکت‌های خارجی جذابیتی

صنعت نفت ایران امروزه به دو مؤلفه تکنولوژی و سرمایه‌گذاری، نیاز مبرمی دارد. در فقدان سرمایه‌گذاری مؤثر ما در حوزه میادین مشترک، فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری کشورهای همسایه، موجب تغییر بالانس مالی به نفع آنها شده است. این تغییر بالانس مالی ضرورتاً در حوزه صرف درآمدی محصور نمی‌ماند و منجر به تغییر بالانس استراتژیک نیز خواهد شد. کشور ما در حالی که یکی از بزرگ‌ترین کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز دنیا محسوب می‌شود که در حوزه جذب سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای ازدیاد برداشت از حوزه‌های مشترک چندان موفق نبوده است. ما نباید صرفاً ناظر فعالیت‌های کشورهای دیگر باشیم و خودمان باید ورود جدی به این عرصه داشته باشیم. قراردادهای بیع متقابل در زمان خود بسیار کارآمد بودند اما الان در شرایط جدید جذب سرمایه‌گذاری و بویژه در همکاری با شرکت‌های بزرگ، کارآیی چندانی ندارد. از طرف دیگر در میدان‌های پارس جنوبی بحث توسعه لایه‌های نفتی جدی است. در حالی که قطر در این میدان نفتی سرمایه‌گذاری زیادی انجام داده و هم‌اکنون بیش از ۳۲۰ هزار بشکه نفت در روز استحصال می‌کند،

انرژی مثبت از الجزایر، نبض بخش خصوصی رامی زند



کشورهای نفتی عضو و غیر عضو اوپک برای دومین بار در شش ماه اخیر، بار دیگر شانس خود را برای رسیدن به توافقی غیررسمی به منظور تثبیت تولید نفت و به دنبال آن کمک به بهبود قیمت آن امتحان کردند.

تلاش برای افزایش قیمت نفت و معکوس کردن روند کاهشی قیمت‌ها، از یک سال پیش آغاز شد. قیمت نفت از اواسط سال ۲۰۱۴ با سرعت بالایی از متوسط قیمت ۹۰ دلار در هر بشکه تا ۳۰ دلار در اوایل سال ۲۰۱۶ سقوط کرد و از آن زمان با افزایش اندک در حد ۴۵ تا ۵۰ دلار تثبیت شده است. ترس و نگرانی از کاهش بیشتر قیمت نفت در اوایل سال میلادی جاری، برخی از کشورهای نفتی را به تلاش برای افزایش قیمت وادار کرد. این اجبار کشورهایی مانند عربستان سعودی را نیز شامل شد اما این کشور برخلاف دیگر کشورهای نفتی، سیاست فریز نفتی را با دو هدف دنبال کرد: افزایش قیمت نفت و جبران کاهش درآمدهای نفتی و دیگری اعمال فشار بر ایران و جلوگیری از افزایش تولید این کشور هم‌زمان با اجرای برجام و عملیاتی شدن سیاست افزایش تولید. عربستان سعودی و حامیان منطقه‌ای آن پس از امضای توافق هسته‌ای و به دلیل نارضایتی از به نتیجه رسیدن دیپلماسی هسته‌ای، تلاش جدیدی را برای اعمال فشار بر ایران و نگه داشتن آن در شرایط تحریمی و ضعف آغاز کردند. هدف اول و اصلی آنها نیز، جلوگیری از افزایش تولید و صادرات نفت ایران بود که در حد کمتر از یک میلیون بشکه در اثر اجرای تحریم‌ها تثبیت شده بود. اعلام سیاست نفتی ایران هم‌زمان با مذاکرات هسته‌ای مبنی بر بازگشت سریع و مقتدرانه به بازار نفت پس از اجرای برجام، نگرانی کشورهای عربی به رهبری عربستان را هم به لحاظ بازگشت دوباره ایران به معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی و هم کاهش بیشتر قیمت نفت افزون‌تر کرده بود. بنابراین در آستانه اجرای برجام، این کشورها تلاش مضاعفی را برای وادار کردن ایران به افزایش ندادن تولید آغاز کردند که عملاً با مقاومت ایران بر سیاست بحق خود مبنی بر بازپس‌گیری سریع سهم خود از بازار به نتیجه نرسید. در این میان، طرح فریز نفتی در قالب برگزاری نشست در دوحه قطر مورد توجه قرار گرفت. عربستان سعودی شرط خود را برای مشارکت در این طرح، حضور ایران در این نشست و متعهد شدن این کشور به افزایش ندادن تولید اعلام کرد. در واقع عربستان و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن تلاش می‌کردند با برگزاری نشست با حضور همه کشورهای نفتی اعم از اوپک و غیر اوپک، ایران را در مقابل دیگر کشورها وادار به دادن تعهد برای افزایش ندادن تولید کنند؛ تلاشی که در قالب نشست‌های دوجانبه و

چندجانبه به نتیجه نرسیده بود. اعلام سیاست ایران در قبال نشست دوحه مبنی بر شرکت نکردن در این نشست و نپذیرفتن تعهدی برای افزایش ندادن تولید خود و در عین حال حمایت از اجرای سیاست فریز نفتی از سوی دیگر کشورهای به‌ویژه کشورهای که با اعمال تحریم‌های اقتصادی، سهم ایران را از بازار نفت تسخیر کردند، سیاست و نقشه عربستان و هم‌پیمانان وی را نقش بر آب کرد. به‌طور طبیعی نشست فریز نفتی در اواخر فروردین ماه با کارشکنی عربستان به نتیجه نرسید. این کشور در همان زمان اعلام کرد مسئولیت شکست نشست دوحه و کاهش بیشتر قیمت نفت بر عهده ایران است. با وجود به نتیجه نرسیدن نشست مشورتی فریز نفتی دوحه و تداوم افزایش تولید نفت ایران، قیمت نفت نه تنها کاهش بیشتری پیدا نکرد بلکه از همان زمان از ۳۴ دلار در هر بشکه تا سطح ۵۰ دلار نیز افزایش یافت. برای این افزایش دو دلیل می‌توان ذکر کرد: پیام مثبتی که نشست دوحه با وجود به نتیجه نرسیدن به بازار نفت داد. در نشست دوحه برای اولین بار کشورهای نفتی عضو اوپک با غیر اوپک برای کمک به بهبود قیمت نفت گرد هم آمدند. این گردهمایی آغاز روندی برای گسترش همکاری بین کشورهای نفتی اوپک و غیر اوپک به شمار می‌آید که خود می‌تواند هم به تقویت اوپک کمک کند و هم زمینه افزایش نسبی قیمت را فراهم آورد. دلیل دوم، پذیرش واقعیت بازگشت ایران به بازارهای نفت بود. واقعیتی که برخی کشورها مانند عربستان به لحاظ سیاسی آن را درک نمی‌کردند اما بازار نفت آن را درک و از آن استقبال کرد؛ بنابراین بازگشت ایران به بازار نفت نه تنها به کاهش قیمت‌ها منجر نشد بلکه زمینه افزایش قیمت را نیز فراهم کرد. دومین نشست فریز نفتی در الجزایر در امتداد نشست دوحه اما متفاوت از آن برگزار شد. این تفاوت به طور محسوس به ملاحظات و حواشی سیاسی آن مربوط می‌شد. در واقع می‌توان گفت در دومین گام برای بهبود قیمت نفت با مشارکت کشورهای نفتی، حواشی و ملاحظات سیاسی به مراتب نسبت به اولین گام کمتر بود. عربستان و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن بازگشت ایران به بازار نفت، این واقعیت را پذیرفتند و در حال حاضر بیشتر با نگاه اقتصادی، به دنبال اجرای طرح فریز نفتی هستند. هر چند این کشور همچنان بر ضرورت مشارکت ایران در این طرح تأکید داشت و در این میان تلاش‌های خود را

برای همراه کردن ایران به صورت واسطه در هفته‌های اخیر تشدید کرده اما عملاً حساسیت‌ها و ملاحظات سیاسی حول دو کشور ایران و عربستان با میانجی‌گری دیگر کشورها مانند روسیه، عراق و الجزایر در اجلاس الجزیره کاهش یافت. این مسئله امکان موفقیت و اثربخشی مثبت اجلاس را در بازار نفت به نفع کشورهای نفتی افزایش داد. موفقیت نشست فریز نفتی الجزایر الزاماً به معنای توافق کشورهای شرکت‌کننده درباره اجرای طرح فریز نفتی نیست؛ زیرا توافق مشخصی در این زمینه به دست نیامد. اما نفس برگزاری این نشست و تداوم روند همکاری میان کشورهای نفتی اوپک و غیر اوپک، برای بازار نفت حاوی پیام‌های مستقیم و مشخصی است. به این مهم باید کاهش چالش میان ایران و عربستان و امکان نزدیکی سیاست‌های نفتی دو کشور را نیز اضافه کرد. این پیام‌ها به‌طور طبیعی موجب بهبود قیمت نفت در هفته‌های آینده و تثبیت آن در حد متوسط ۵۵ دلار در هر بشکه می‌شود. کشورهای تولیدکننده نفت مانند ایران و عربستان نیز با توجه به نفع اقتصادی خود تلاش می‌کنند با اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه و با تثبیت تولید خود به این طرح کمک کنند. در حال حاضر ایران تقریباً به سطح قبیل از تحریم‌های تولید نفت رسیده است و از این بابت نگرانی ندارد؛ بنابراین با اطمینان خاطر بیشتری گام در همکاری بین‌المللی خواهد گذاشت. عربستان سعودی نیز به‌طور محسوس با تغییر وز بر نفت خود، از لجاجت‌ها و سوگیری‌های منفی سیاسی علیه ایران و دیگر کشورها دست برداشته است. این شرایط به‌طور قطع به نفع کشورهای تولیدکننده نفت در ماه‌های آینده است و زمینه افزایش نسبی قیمت‌ها را در محدوده ۵۵ دلار در هر بشکه فراهم می‌کند. نشست الجزایر می‌تواند انرژی جدیدی برای بهبود قیمت‌های نفت در بازار فراهم کند. نکته پایانی در مورد نشست مشورتی الجزایر، تداوم روند افزایش اقتدار ایران در اوپک و در میان کشورهای تولیدکننده نفت بود. موقعیتی که سال‌ها در پرتو تحریم‌های نفتی و همچنین کارشکنی دیگر کشورهای نفتی به رهبری عربستان و البته برخی ضعیف‌ها و کاستی‌های داخلی، دچار ضعف شده بود اما در نتیجه دیپلماسی فعال دولت، توافق هسته‌ای و اجرای برجام و مهم‌تر از آن سیاست مقتدرانه نفتی مبنی بر بازگشت سریع به بازار جهانی نفت و عدم افعال در برابر رقبای نفتی دوباره احیاء شد.

شرکت کارگزاری مفید
Mofid Securities Co.



هوشمند و کارا در صنعت کارگزاری

➤ کارگزار برتر از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰

➤ کارگزار مؤسس بورس کالای ایران

➤ کارگزار مؤسس بورس انرژی

➤ ۱۰ میلیارد دلار ارزش معاملات سه سال اخیر

Head Office in IME
No 45, Jahan Koodak Cross, Africa Main Str. Tehran - IRAN
Tel: +9821- 87222 / Fax: +9821- 87227
www.mofidkala.com / info@emofid.com
دفتر مرکزی شعبه بورس کالا
تهران، خیابان آفریقا، بالاتر از جهان کودک، پلاک ۴۵
تلفن: ۸۷۲۲۲-۰۲۱ / شماره: ۸۷۲۲۷-۰۲۱

فریز نفتی منه‌های ایران

حمیدرضا شکوهی | فریز نفتی طرحی بود که از زمستان سال گذشته به وسیله عربستان و قطر کلید خورد؛ طرحی که بر مبنای آن به منظور جلوگیری از کاهش هرچه بیشتر قیمت نفت و به تبع آن، ایجاد روند صعودی برای قیمت نفت، میزان تولید نفت کشورهای عضو اوپک ثابت می‌ماند تا از افزایش عرضه به بازار که عامل اصلی کاهش قیمت نفت در دو سال اخیر شناخته می‌شود، جلوگیری به عمل آید. البته این طرح عربستان سعودی مغایر با رویکرد قبلی این کشور به بازار نفت بود، چراکه یک سال پیش از آن – اوایل سال ۲۰۱۵ میلادی – عربستان این استدلال را مطرح کرده بود که افزایش عرضه نفت به بازار از سوی کشورهای عضو اوپک، هم باعث حفظ سهمیه کشورهای عضو اوپک در بازار نفت در مقابل کشورهای غیر اوپک می‌شود و هم در صورت کاهش قیمت نفت به زیر ۶۰ دلار، تولید نفت شیل و هر نوع نفت که استخراج آن هزینه‌های

بالایی دارد، غیر اقتصادی می‌شود و دوباره با کاهش عرضه از سوی برخی تولیدکنندگان جدید نفت، بار دیگر بازار به تعادل می‌رسد. همان زمان برخی کارشناسان علاوه بر آنکه استدلال عربستان را زیر سؤال بردند، این موضوع را مطرح کردند که اقدام عربستان در راستای تضعیف ایران است. طرح فریز نفتی زمانی مطرح شده بود که ایران و کشورهای ۵+۱ به تازگی به توافق برای لغو تحریم‌ها رسیده بودند و این امر برای عربستان که حتی در مقطعی با گسیل دادن مقامات خود به محل مذاکرات، تمایل خود را برای شکست مذاکرات پنهان نکرده بود، پذیرفتنی نبود. به همین دلیل درست در شرایط پساتحریم که ایران آماده می‌شد تا همان گونه که اعلام کرده بود تولید نفت خود را به دوران پیش از تحریم‌ها برساند، عربستان طرح فریز نفتی را مطرح کرد تا حتی در صورت حمایت نکردن ایران از این طرح، ایران را به عنوان مقصر اصلی کاهش قیمت نفت

در بازارهای جهانی معرفی کند. اما طرح فریز نفتی به دلیل حمایت نکردن برخی تولیدکنندگان نفت که ایران در رأس آن بود شکست خورد و عربستان نیز تمایلی به پیگیری آن نشان نداد. در آن مقطع زمانی، اندک‌اندک تولید نفت ایران افزایش یافت و با تدبیر وزیر نفت ایران که از ماه‌ها قبل از لغو تحریم‌ها، با طرح وعده بازگشت ایران به بازار نفت، بازار را نسبت به این موضوع واکنش‌ناپذیر کرده بود، نه فقط افزایش عرضه نفت ایران به بازارهای جهانی موجب کاهش قیمت نفت نشد، بلکه در بازار هضم شد و مشتریان خود را خیلی زود پیدا کرد تا این طرح عربستان با شکست مواجه شود.

حال ۶ ماه پس از آن روزها، دوباره طرح فریز نفتی کلید خورده تا در آستانه نشست غیررسمی تولیدکنندگان بزرگ نفت – اعم از کشورهای عضو اوپک و خارج از اوپک – که اوایل مهرماه در الجزایر برگزار می‌شود، بار دیگر کشورها برای

رسیدن به سقف تولید واحد به توافق برسند. اما نه فقط ایران، بلکه عربستان به عنوان بانی این طرح نیز هفته‌های اخیر به افزایش صادرات روی آورده و این امر احتمال شکست نشست الجزایر را افزایش داده است. ایران اعلام کرده فقط در صورت رسیدن به سقف تولید چهار میلیون بشکه در روز – که میزان تولید نفت ایران پیش از تحریم‌ها بوده – حاضر به مشارکت در طرح فریز نفتی است و عراق نیز همواره مخالفت خود را با طرح فریز نفتی اعلام کرده، چراکه معتقد است با توجه به برنامه‌های افزایش تولید و ذخایر نفت خام خود، سزاوار تولید نفت بیشتری برای عرضه به بازار است. در این میان، ذکر دو نکته درباره ایران ضروری به نظر می‌رسد؛ نخستین نکته اینکه تولید نفت ایران پیش از تحریم‌ها، در مقطعی از مرز چهار میلیون و ۲۵۰ هزار بشکه در روز نیز فراتر رفت و اگر تحریم‌ها رخ نمی‌داد، تولید نفت ایران در برنامه پنجم توسعه باید به پنج میلیون بشکه در روز می‌رسید. بنابراین

حتی رسیدن به سقف چهار میلیون بشکه در روز نیز نمی‌تواند عدد مناسبی برای مشارکت ایران در طرح فریز نفتی باشد، چراکه ایران می‌تواند تولید نفت خود را باز هم افزایش دهد. به ویژه با توجه به اینکه اندک‌اندک قراردادهای جدید نفتی هم به نتیجه می‌رسند و این امر می‌تواند روند افزایش تولید ایران را تسریع کند و از سوی دیگر، ایران برای افزایش رشد اقتصادی خود، نیاز مبرمی به افزایش صادرات نفت دارد. نکته دوم این است که پافشاری بر حق افزایش تولید نفت ایران، نه یک اصرار دولتی یا سیاسی، بلکه یک آرمان ملی است که همگان باید از آن دفاع کنند. رسیدن به تولید پنج میلیون بشکه نفت در روز، یک حق ملی برای ایرانیان است که اثر مثبت آن در قالب افزایش رشد اقتصادی کشور در زندگی مردم نمایان خواهد شد و دولت و وزارت نفت، همان گونه که تاکنون در قبال این حق بدهی پافشاری کرده‌اند، همچنان لازم است این حق را پیگیری کنند.

فراموش نکنیم کشورهای مقصر وضعیت کنونی و عرضه بیش از حد نفت در بازار هستند که نظام سهمیه‌بندی اوپک را لغو کردند و متأسفانه دولت قبلی ایران نیز در این قصور بزرگ، شریک است. این حق کشور ماست که برای بازگشت به سهمیه قبلی خود و همچنین تداوم روند افزایش تولید، در طرح فریز نفتی مشارکت نکند، چراکه ابتدا لازم است کشورهای تولید خود را فریز کنند که با لغو نظام سهمیه‌بندی، تولید خود را بی‌ضابطه افزایش دادند و در حقیقت آنها مسئول ناپسامانی در بازار نفت هستند.

بنابراین محتوای طرح فریز نفتی باید منه‌های ایران تعریف شود و این موضعی است که ایران، بدون آنکه متهم به تخریب بازار نفت شود، می‌تواند پیگیری کند که آنالینکه در سال گذشته و پس از لغو تحریم‌ها نیز با موضعی هوشمندانه بدون آنکه متهم به تخریب بازار شود، تولید خود را در بازار ناپسامان نفت افزایش داد و بازار نیز آن را جذب کرد.



ضرورت انتقال دانش و بومی سازی فناوری در صنعت نفت

توسعه فناوری، حاصل ترکیب موزون مهارت‌ها، دانش (دانش چرایی و چگونگی) و اطلاعات، سخت‌افزار، نرم‌افزار و مدیریت مربوط به بهینه و تولید کالا و خدمات، کاربرد عملی دستاوردهای علمی و تجربه بشر در پاسخ به نیازهاست. اهمیت این موضوع موجب شده که فناوری به‌عنوان یک «عامل استراتژیک و رقابتی» مطرح شود. براساس آمار نهادها و مؤسسات بین‌المللی حوزه انرژی، در دهه‌های اخیر سرمایه‌گذاری جهانی در بخش نفت و گاز روندی افزایشی داشته و در راستای آن در اسناد بالادستی کشور نیز فناوری‌های پیشرفته از اولویت‌های نخست در توسعه کشور خصوصا در حوزه‌های نفت و گاز بوده است.

در این مقوله نیز نیاز حال و آینده این صنعت راهبردی برای ادامه حیات حرفه‌ای، بهبود ارزش افزوده و کاهش هزینه‌ها و حضور فعال در عرصه ملی و بین‌المللی به فناوری‌های مناسب و جدید ضرورتی انکارناپذیر است. از طرفی براساس اسناد بالادستی کشور (از جمله برنامه چشم‌انداز نظام در افق ۲۰ساله، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، ابلاغیه‌های مقام معظم رهبری در توسعه علم و فناوری، اقتصاد مقاومتی و نقشه جامع علمی

کشور) تأکیدات وافری بر الزام دستگاه‌ها به توسعه فناوری‌های پیشرفته صورت گرفته است. صنعت نفت ایران با قدمتی بیش از یکصد سال؛ به‌عنوان طلایه‌دار و پیشران اقتصاد کشور مطرح بوده است.

طبیعتاً این صنعت مهم به جهت گستردگی فرایندها، تجهیزات و تأسیسات حوزه‌های بالادستی شامل اکتشاف، حفاری، استخراج و بهره‌برداری نفت و گاز تا حوزه‌های پایین‌دستی انتقال پالایش نفت و گاز و پتروشیمی، مواجهه بی‌وقفه‌ای با تنوع فناوری‌ها داشته و دارد. از این رو با توجه به رشد فناوری‌های جدید در این حوزه‌ها، مباحث برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و نظارت بر انتقال و جذب فناوری و سرمایه‌گذاری‌های لازم و مباحث کلیدی (از جمله شناسایی فناوری‌های مناسب و ارتباط با صاحبان فناوری و همچنین توسعه‌دهندگان و نقش بازیگران فناوری) از مسئولیت‌های مهم وزارت نفت تعریف شده است. در همین راستا به‌منظور بهبود عملکرد حوزه پژوهش و فناوری و رفع نیازهای شرکت‌های عملیاتی حوزه‌های بالادستی و پایین‌دستی، رویکرد وزارت نفت در قبال دانشگاه‌ها و مراکز

تحقیقاتی، همانا بسترسازی برای جلوگیری از پراکنده‌کاری و نیل به تجمیع توان‌های بالقوه بوده است. در این خصوص و به‌منظور استفاده از توانمندی‌های «فناورانه» در کل کشور، به ضرورت شبکه‌سازی و استفاده از ظرفیت‌های مراکز علمی دانشگاهی، تحقیقاتی و فناوری توجه شده که این مسئله علاوه بر ایجاد یک بسیج عمومی در کشور برای توسعه فناوری‌های موردنیاز صنعت نفت، باعث ایجاد نشاط علمی و تحقیقاتی شده که ثمره آن کشف ظرفیت‌های تولید دانش و فناوری در اقصی نقاط کشور، افزایش دانش عمومی درخصوص مسائل مختلف صنعت نفت و دانش تخصصی در سطح صنعت و دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در آینده خواهد بود.

علاوه بر فعالیت‌های زیربنایی فوق‌الذکر، در توسعه فناوری برای بهره‌برداری از میادین نفت و گاز در خشکی و دریا، راهبرد همراهی و مشارکت شرکت‌های معتبر بین‌المللی صاحب فناوری با کمک شرکت‌های داخلی (در راستای توسعه فناوری در حوزه‌های مختلف خصوصا میادین مشترک نفت و گاز) تعریف شده است. وزارت نفت با این اقدام، ضمن ایجاد بستر مناسب برای حضور شرکت‌های بین‌المللی و همکاری با شرکت‌های داخلی، اهداف دیگری نظیر جذب، بومی‌سازی فناوری و مدیریت دانش فناورانه مربوط به توسعه و بهره‌برداری میادین نفت و گاز را با اکتساب فناوری‌های پیشرفته در حال و آینده، دنبال می‌کند. بنابراین صنعت نفت از طریق ایجاد یک شبکه بزرگ متشکل از دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و سایر مراکز علمی خصوصا مراکز فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان، قادر به تولید و توسعه دانش و فناوری‌های بومی و حتی صدور فناوری و همچنین مشارکت در توسعه بخش‌های مختلف نفت و گاز کشور خواهد بود.

قطعا با به‌کارگیری این برنامه‌ها و اقدامات، چشم‌انداز تبدیل صنعت نفت به صنعتی دانش‌بنیان و فناورانه در افق ۱۴۰۴ تسهیل خواهد شد.



در کنفرانس نفت ۲۰۱۶ چه گذشت؟



بیانیه کنفرانس نفت ۲۰۱۶ و اعلام آمادگی برای برگزاری کنفرانس ۲۰۱۷ توسط دبیر کنفرانس قرائت شد. این در حالی است که در کنفرانس امسال فرزانه گلچین و تنی چند از اعضای اتحادیه اوپکس در پانل ریاست سخنرانی‌هایی را ایراد کردند.

بیانیه پایانی کنفرانس نفت ۲۰۱۶ در حالی به پایان رسید که در آن تلاش برای در انداختن راهکارهای جدید در صنعت نفت قانون تمرکز شرکت کنندگان و متن بیانیه بود. متن راهکارهای ارائه شده در بیانیه پایانی به شرح زیر است:

۱) تبیین و تدقیق جایگاه بخش خصوصی با نگاه به قوانین بالادستی کشور به عنوان چهارمین بخش فعال (در کنار قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضاییه) به ویژه در حوزه اقتصادی کشور یا (پیگیری و تثبیت جایگاه بخش خصوصی) — آنچنان که در قوانین و برنامه های کلان و استراتژیک کشور تبیین شده است — به منظور عمل و دخالت سازنده در تصمیم گیری ها به عنوان قوه چهارم؛

۲) دسترسی به منابع مالی داخلی و بین‌المللی از طریق اهرم کردن منابع ارزی و ریالی ظرفیت های

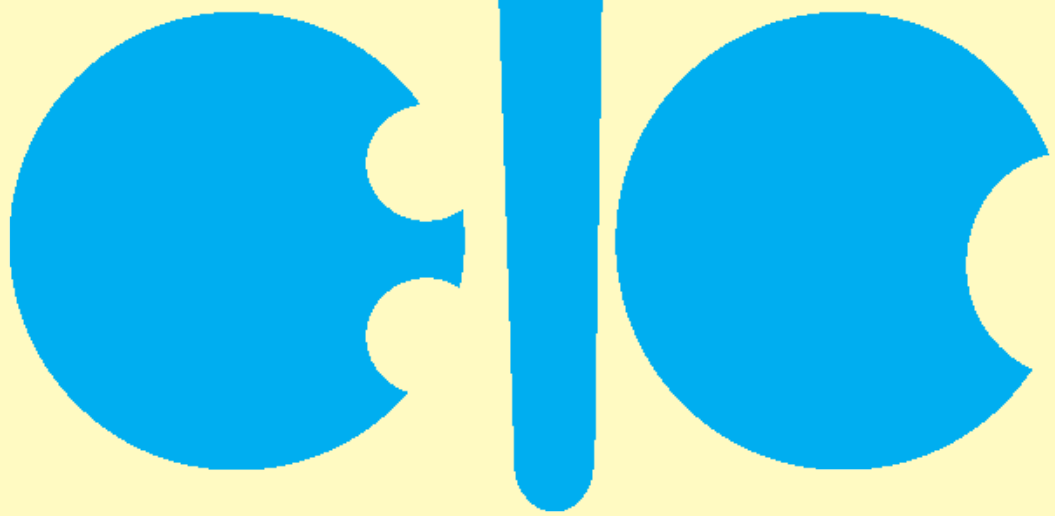
۵) استفاده از ظرفیت های خالی بخش خصوصی در پیمانکاری و ساخت از طریق واسطه‌پاری پروژه های پایین دستی و میان دستی به بخش خصوصی (واقعی) و هدایت خرید پروژه های تامین مالی شده از منابع ملی از طریق دیده‌بانی (رصد) اجرای موثر و انتشار گزارش عمومی پروژه های پایین دستی و میان دستی صنعت نفت و طراحی آن ها توسط مشاوران مهندسی معتبر و آشنا به توانمندی های داخلی؛ و استفاده از ظرفیت های خالی بخش خصوصی در صدور خدمات فنی و مهندسی و تجارت بین الملل از طریق حمایت های حاکمیتی و تشویق های صادراتی که رقابت پذیری شرکت های ایرانی را در مصاف با شرکت های بین المللی تجهیز کند از جمله: نرخ های ترجیحی تامین مالی، ضمانت و ... و معافیت هایی گمرکی و مالیات و ...؛

۶) شفاف و ساده سازی قوانین اجرایی حاکم از جمله قوانین و مقررات ارز خارجی از جمله مقررات نرخ ارز، قوانین مالیاتی و مالیات ارزش افزوده و پذیرش اظهارنامه های مالیاتی سال های ۹۳ تا ۹۵، قوانین بیمه و بیمه تامین اجتماعی، قوانین و تعرفه های گمرکی برای بخش خصوصی صنعت نفت؛

۷) توسعه زیرساختها در حوزه های نرم افزاری و سخت افزاری صنعت نفت از جمله تسهیل و ارتقاء سطح بروکراسی حاکم بر فضای کسب و کار از طریق اجرایی کردن قوانین حاکم بر صنعت نفت از جمله قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و قانون رفع موانع تولید رقابتی، راه اندازی دادگاه های تخصصی تجاری و توسعه فعالیت های شورای حل اختلاف از طریق افزایش شعب خاص آن. بخش خصوصی با الهام از قوانین و برنامه های مترقی کشور از جمله سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، چشم انداز ایران ۱۴۰۴، برنامه ششم توسعه، قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، ابلاغ سیاست های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون رفع موانع تولید رقابتی و تامین مالی و ... بر آن است تا از طریق قالب های قانونی چون شورای گفت و گو دولت و بخش خصوصی و شورای رقابت، مجلس شورای اسلامی و بخش های مرتبط در وزارتخانه های نفت، امور اقتصادی و دارایی، صمت و ... و پیگیری مسیر قانونی تا حصول نتیجه نهایی اقدام کند.

در کنار گشایش هایی که طی همین مدت کوتاه اتفاق افتاده است: از نهایی شدن رگولاتوری نفت در شورای رقابت و ارسال طرح آن به هیات وزیران تا اختصاص سهم معین برای تامین مالی بخش خصوصی در پروژه های صنعت نفت از طریق صندوق توسعه ملی، از افزایش اعتبارات مالی و تضمین صندوق ضمانت صادرات گرفته تا اعتبار یک میلیارد دلاری بانک توسعه صادرات برای پروژه های صدور خدمات فنی و مهندسی یا پروژه های با گرایش محصولات صادراتی برای بخش خصوصی و ... ادامه این مسیر را با همراهی همه مسئولان خیر خواه بخش حاکمیتی و همدلی بخش خصوصی برای هموار کردن مسیر توسعه سرمایه گذاری های خارجی و انتقال فناوری و توسعه تجارت بین المللی در پایین دستی و میان دستی صنعت نفت پی می گیریم؛ برای شکل دادن به ایرانی آبادتر. شایان ذکر است کنفرانس نفت ایران ۲۰۱۷ از تاریخ ۱۱ تا ۱۳ بهمن ۱۳۹۵ برگزار می گردد.

تاثیر احیای اوپک بر بازار نفت



پانزدهمین مجمع بین‌المللی انرژی در الجزایر با توجه به پیشنهاد فریز نفتی توسط عربستان، با ابهامات و فراز و نشیب‌های زیادی آغاز شد و در حالی که کمتر کسی انتظار نتیجه مثبت از این مجمع را داشت، اعضای اوپک با تصمیمی غیرمنتظره همه را شگفت‌زده کردند. قبل از برگزاری پانزدهمین مجمع بین‌المللی انرژی در الجزایر، مطرح کردن دوباره پیشنهاد فریز نفتی توسط عربستان عکس‌العمل‌های زیادی را در پی داشت. برخی کشورها از جمله ایران همواره تاکید می‌کردند که این نشست تنها یک نشست مشورتی بوده در حالی که عربستان سعی داشت با انداختن توپ انتظارات بازار نفت به زمین ایران، فشار روانی زیادی را به رقیب دیرین خود وارد کند. مدیریت بازار توسط اوپک، نتیجه نشست مشورتی اوپک بود.

معامله سری سعودی‌ها اکنون بعد از گذشت پنج سال، با تنفس دوباره اوپک در فضای مدیریت بازار، عربستان در نهایت پذیرفت که ایران خارج از طرح فریز نفتی قرار گیرد و سطح تولید خود را تا حد قابل قبولی افزایش دهد. به گفته زنگنه اوپک تصمیم گرفت یک کمیته تخصصی سطح بالایی متشکل از اعضای این سازمان تشکیل شود و این کمیته پیشنهاد خود را درباره سطح تولید کشورهای عضو، برای نشست بعدی اعضای این سازمان ارائه دهد. این در حالی است که وال‌استریت ژورنال به نقل از منابع آگاه خبر داده است که در حاشیه گفتگوهای غیررسمی اعضای اوپک در الجزایر، عربستان سعودی معامله‌ای سری را به اعضای این کارتل پیشنهاد داده است.

طبق گزارش‌ها ریاض براساس این معامله سری پیشنهاد داده است که ۴۰۰ هزار بشکه از محصولات نفتی خود در روز را کاهش دهد به شرطی که ایران نیز میزان خروجی خود را در همین حد فعلی یعنی ۳/۶ میلیون بشکه در روز نگه دارد. با این حال بیژن نامدارزنگنه، وزیر نفت ایران این پیشنهاد را قبول نکرده و اعلام کرده است که تهران برنامه دارد به میزان تولیدات نفتی خود قبل از تحریم‌ها یعنی ۴/۲ میلیون بشکه در روز برسد. براساس گزارش وال‌استریت ژورنال، عربستان سعودی اما به دلیل مشکلات اقتصادی در داخل این کشور مجبور شده است که این پیشنهاد را درباره ایران مورد تجدیدنظر قرار دهد. موقعیت کنونی ریاض در تضاد کامل با وضعیت این کشور در ابتدای سال جاری قرار دارد در ابتدای سال جاری وزیر نفت سابق این کشور، علی النعیمی، ادعا کرده بود که پادشاهی سعودی حتی با نفت بشکه‌ای ۲۰ دلار نیز تا سال ۲۰۱۷ به مشکل برنمی‌خورد. اما براساس گفته افراد نزدیک به مسئولان اوپک، خالد الفالح وزیر نفت فعلی سعودی متوجه شده است که براساس پیش‌بینی اوپک، عرضه بیش از حد محصولات نفتی اوپک تا سال ۲۰۱۷ نیز ادامه پیدا خواهد کرد.

زد و بند نفتی عربستان عربستان سعودی باهدف کاهش میزان هزینه‌ها، حقوق وزرای خود را ۲۰ درصد و میزان هزینه‌های خود در بخش عمومی را نیز به شدت کاهش داده است. علاوه بر این، مقامات درباره ارزیابی شرکت نفت دولتی عربستان (آرامکو) که پیش‌بینی قیمت‌های نفتی پایین‌تر

ایران به سهم از دست رفته‌اش در بازارهای جهانی نفت خام مطرح می‌کردند که تهران مخالف این موضع بود اما خوشبختانه در این نشست پذیرفته شد سقف تولید اوپک محدود باشد نه سهم اعضای مانند ایران، نیجریه و لیبی بنابراین قرار شد کمیته‌ای سطح بالا نتایج بررسی خود را برای سهم هر یک از اعضا در ماه نوامبر تحویل نشست عادی وزیران نفت و انرژی این سازمان در وین دهد. عضو هیئت‌رئیس کمیسیون انرژی، بازسازی نقش اوپک را سومین دستاورد نشست الجزایر ارزیابی کرد و گفت: اوپک حدود دو و نیم سال گذشته نتوانسته بود برای مدیریت عرضه در بازار نفت تصمیم مناسبی بگیرد و این سبب شده بود برخی اعضا به مقدار دلخواه نفت تولید و صادر کنند. از این رو، تصمیم تازه اوپک در نشست الجزایر سبب بهبود و ارتقای جایگاه نقش این سازمان شد و نشان داد اوپک همچنان زنده است و می‌تواند تاثیرگذار باشد. وی تاکید کرد: کشورهای عضو اوپک باید متقاعد شده باشند که ایران باید سهم از دست رفته خود در دوران تحریم‌ها را احیا کند و این اتفاق به‌طور حتم روی خواهد داد. نایب‌رئیس کمیسیون انرژی افزود: ایران در این سفر، دیپلماسی مطلوبی را به کار گرفت و سبب شد این کشور در کانون توجه محافل نفتی قرار گیرد.

افزایش قیمت نفت مدیرعامل شرکت «سانکور انرژی» نیز گفت: توافق اخیر اوپک برای تثبیت تولید نفت، زمینه را برای افزایش قیمت این کالا فراهم می‌کند. استیو ویلیامز، اعلام کرد که اقدام اخیر سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) برای تثبیت تولید نشان می‌دهد که این سازمان به آستانه درد رسیده است و قصد دارد زمینه را برای احیای قیمت‌ها آماده کند. وی گفت: توافق اخیر اعضای اوپک برای کاهش ۷۰۰ هزار بشکه از تولید روزانه خود و تثبیت آن در حد ۳۲ تا ۳۳ میلیون بشکه، بازار نفت را شگفت‌زده کرد، به‌گونه‌ای که پس از این اقدام، قیمت‌های جهانی این کالا نزدیک به شش درصد افزایش یافت. مدیرعامل سانکور گفت: این توافق نشان می‌دهد که تولید نفت در سطح کنونی پایدار نیست؛ در ضمن تولیدکنندگان عمده نیز اعلام کرده‌اند که عجله‌ای برای احیای سرمایه‌گذاری‌ها ندارند و این نشان‌دهنده احتمال کاهش عرضه مازاد در آینده است. از سوی دیگر مارتین کینگ، تحلیلگر موسسه تحقیقات «فرست انرژی کپیتال» واقع در کلگری کانادا گفت: این توافق تغییری در پیش‌بینی‌های ما از قیمت نفت ایجاد نکرد؛ باید منتظر نتیجه ماند.

شرکت‌هایی که موفق به کاهش هزینه‌های خود شده و با افت قیمت نفت کنار آمده‌اند، به فعالیت خود ادامه می‌دهند اما شرکت‌هایی که به قیمت‌های بالاتری نیاز دارند باید منتظر نتیجه این توافق باشند. اد مولرس، تحلیلگر بانک «سیتی‌گروپ» آمریکا هم گفت: رسیدن قیمت نفت به ۵۰ و ۶۰ دلار ممکن است سبب تشویق آمریکا به افزایش تولید نفت شیل و جلوگیری از رشد بیشتر قیمت شود بنابراین کسانی که فکر می‌کنند این به معنای برگشت به اوپک سابق است باید شرایط جدید جهان (افزایش تولید نفت شیل آمریکا و کاهش رشد تقاضا) را جدی‌تر بگیرند.

آفت‌های افزایش درآمدهای نفتی و نقش بخش خصوصی در تعادل آن

بتواند محرک قوی برای رشد سرمایه‌گذاری و تولید درونزا باشد. به نظر می‌رسد به دلیل عوامل یاد شده و انقباض پایدار در تقاضای کل در اقتصاد ایران درآمدهای نفتی نتواند به جایگاه خود به عنوان محرک نرخ رشد اقتصادی دست یابد. حال سوالی که مطرح می‌شود این است که اگر درآمدهای نفتی نتواند نرخ رشد غیر نفتی را تحریک کند، پس درآمدهای نفتی کجا می‌رود؟ در شرایطی که بخش تقاضا قدرت جذب درآمدهای نفتی را نداشته باشد، این درآمدها می‌تواند برای سوداگری و بخش مهمی از آن به منظور تلاش برای حفظ مبلغ واقعی پس‌اندازها وارد بازارهای متفاوتی برای سوداگری شود. این مسئله از آنجا مهم است که نرخ تورم نقطه به نقطه در حال افزایش است و به نرخی می‌رسد که کاهش نرخ تورم متوقف شده است.

از طرف دیگر میزان معاملات مسکن افزایش یافته است و در چند ماه اخیر قیمت مسکن هم کمی بالا رفته است. افزایش محدود دلار و افزایش قابل توجه طلا نیز نشان می‌دهد که بازارهای سرمایه‌گذاری مستعد افزایش قیمت و هجوم درآمدهای جدید خواهند بود. در این شرایط به نظر می‌رسد که افزایش درآمدهای نفتی، اگر درست مدیریت نشود، می‌تواند به جای اینکه درآمدهای مردم را تحریک کند، تقاضای سوداگرانه speculative demand را تحریک کند و موجب شکل‌گیری موج‌های تورمی در این بازارها بشود. این مسأله موقعی جدی‌تر می‌شود که بدانیم حدود ۸۶ درصد پول در گردش در کشور در سپرده‌های غیردپداری نشسته‌اند که در صورت شروع معاملات سوداگرانه به راحتی می‌توانند تغییر جهت داده و روند فزاینده کالاهای سرمایه‌گذاری را شدت دهند. مخصوصاً اینکه روند رو به کاهش نرخ سود بانکها نیز این تغییر جهت را تشویق می‌کند.



در گفت‌وگو با مدیر عامل پتروشیمی اروند بررسی شد

می‌توان امید به صادرات PVC داشت



پتروشیمی اروند یکی از معدود پتروشیمی‌های تولیدکننده PVC در کشور است. همچنین این مجتمع با ظرفیت اسمی ۳۴۰ هزار تن در سال محصول PVC، تنها تولیدکننده E-PVC کشور است. مدیرعامل پتروشیمی اروند ضمن تشریح فعالیت‌های این شرکت گفت: پتروشیمی اروند حدود ۴۵ درصد ظرفیت تولید S-PVC کشور را داشته و سالانه ۳۰۰ هزار تن S-PVC و ۴۰ هزار تن E-PVC تولید می‌کند. حمید فدایی افزود: سال گذشته مجتمع با تولید ۱۹۶ هزار تن S-PVC و ۸ هزار تن E-PVC به ۶۰ درصد ظرفیت تولید اسمی خود دست پیدا کرد.

وی با اشاره به اینکه قبل از راه‌اندازی پتروشیمی اروند میزان واردات PVC به ایران حدود ۱۰۰ هزار تن در سال بود که ۴۰ هزار تن آن به E-PVC تعلق داشت، اضافه کرد: پس از راه‌اندازی مجتمع علاوه بر اینکه کشور از واردات انواع گریدهای PVC بی‌نیاز شد توان صادرات به کشورهای دیگر میسر شد.

فدایی تصریح کرد: در حال حاضر ۴۰ درصد معاملات PVC بورس کالا در اختیار این شرکت است. وی در ادامه افزود: متخصصان پتروشیمی اروند بدون حضور کارشناسان خارجی برای نخستین

وی افزود: از نکات بارز تعمیرات اساسی، انجام تعمیرات پیچیده رآکتورهای کلریناسیون مستقیم بود که سهم زیادی در افزایش ظرفیت تولید مجتمع داشت. فدایی تأکید کرد: در صورت لغو تحریم‌ها و ایجاد شرایط همکاری با شرکت‌های خارجی، زمینه توسعه صنعت پتروشیمی مستعدتر شده و به تبع آن پتروشیمی اروند نیز از این مزیت برخوردار خواهد شد و امکان دسترسی شرکت به تکنولوژی‌های روز جهان فراهم خواهد شد و ماندگاری آن را در بین رقبای قدرتمند خویش تقویت خواهد کرد.

فدایی افزود: تسریع تأمین قطعات یدکی، تجهیزات، کاتالیست‌ها و مواد شیمیایی موردنیاز صنعت، سهولت در انتقال ارز حاصل از صادرات و پرداخت به شرکت‌های تأمین‌کننده خارجی، افزایش فروش صادراتی، افزایش سهم صادرات اروپایی، ایجاد زمینه افزایش رقابت با دیگر شرکت‌های خارجی و کاهش قیمت تمام‌شده تأمین تجهیزات خارجی نیز به دنبال لغو تحریم‌ها و تسهیل ارتباطات و فعالیت‌های بازرگانی شکل خواهد گرفت.

مدیرعامل پتروشیمی اروند در پاسخ به سوالی درباره کاهش قیمت PVC و وضعیت سودآوری شرکت گفت: پیش‌بینی سود این شرکت برای سال مالی ۹۴ با توجه به قیمت‌های S-PVC ابتدای سال ۲۰۱۵ میلادی و قیمت جهانی نفت، مبلغ ۹۲۳ میلیارد ریال (طبق بودجه مصوب) است.

این در حالی است که با توجه به روند کاهشی قیمت S-PVC، دستیابی به سود مزبور کمی دشوار خواهد بود اما با توجه به روند تولید و فروش سه‌ماهه ۹۴ و پیش‌بینی جهانی قیمت خوراک و محصولات و همپوشانی قیمت تمام‌شده زنجیره تولید و همچنین در صورت اصلاح قیمت فروش اتیلن دی‌کلراید، رسیدن به سود بودجه‌ای دور از دسترس نیست. وی درباره فعالیت‌های مالیاتی شرکت افزود: پتروشیمی اروند از سال ۱۳۸۸ از معافیت مالیاتی ماده ۱۳۲ به مدت ۵ سال استفاده کرده است.

با توجه به موقعیت شرکت در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، در حال پیگیری برای اخذ معافیت مالیاتی ۱۰ ساله هستیم. وی در پایان تصریح کرد: استراتژی شرکت اصلاح ساختار مالی از طریق افزایش سرمایه و تولید اقتصادی و اصلاح قیمت فروش EDC بر اساس قیمت تمام‌شده و دستیابی به سطح ظرفیت اسمی در سال‌های ۹۶ و ۹۷ بر مبنای استراتژی بازار است که ایمن امر موجب حرکت به‌سوی برون‌رفت شرکت از زیان‌سنواتی در سال‌های ۹۶ و ۹۷ خواهد شد.

دنیای انرژی | تحریم‌ها پای کالاهای باکیفیت را از مملکت برید و نتیجه، ورود حجم قابل توجهی از بنجل‌های چینی به کشور شد که بخش پتروشیمی هم از آن بی‌نصیب نماند. با این‌پس زمینه ذهنی، دور از انتظار نیست وقوع پیاپی حوادث پتروشیمی را در این سال‌ها شاهد باشیم.

یکی از مهم‌ترین دلایل بروز حوادث نفتی، فرسودگی تجهیزات موجود و تطابق نداشتن آنها مخصوصاً تجهیزات وارداتی جدید با استانداردهای پذیرفته‌شده جهانی است. از نبود دقت و توجه در به‌کارگیری تخصص لازم در تولید داخلی قطعات و تجهیزات که بگذریم، با توجه به اینکه بیشترین سهم به‌کارگیری مربوط به تجهیزات وارداتی است، در سال‌های اخیر و به دنبال تشدید تحریم‌ها ورود چین به‌عنوان تنها گزینه برای واردکردن تجهیزات، سیاست نادرستی بود که از سوی مسئولان و برنامه‌ریزان اتخاذ شد. زیر فشار تحریم‌ها و نبود امکان‌های زمانی، مالی، انسانی، تخصصی و به‌خصوص تکنولوژیکی برای رسیدن به خودکفایی در امر تولید تجهیزات در داخل کشور، استاندارد IPI منطبق با کالای چینی به جای استاندارد API آمریکا تعریف شد و بدون در نظر گرفتن عامل مهم و مؤثر تفاوت اقلیمی چین و ایران و نیز بذل کنترل کیفی لازم، تجهیزات چینی برای به‌کارگیری در صنعت نفت وارد کشور شد که به همه این بی‌توجهی‌ها باید اعمال‌نکردن کنترل تخصصی در مراحل نصب و راه‌اندازی تجهیزات در پروژه‌ها را نیز افزود.

بررسی‌های انجام‌شده در کنار اینکه سر نخ و علت بسیاری از حوادث اخیر را در همین تجهیزات نامناسب و غیرمنطبق با استانداردهای پذیرفته‌شده جهانی و نیز فرسوده می‌یابد، حداقل ضرر ممکن را کاهش تجهیزات فعال در گستره صنعت نفت، برای مثال کاهش تعداد بسیاری از دکل‌های فعال و غیرفعال شدن آنها در اسکله‌ها و سکوها‌ی نفتی در کشور می‌داند.

استانداردهایی که دور زده می‌شود

HSE مجموعه قواعد و استانداردهای ایمنی، بهداشتی و زیست‌محیطی است که ضروری است بر همه مراحل یک پروژه صنعتی و محیطی به‌خصوص پروژه‌های حساس، آسیب‌پذیر و پرریسک مثل پروژه‌های نفت و فراورده‌های آن، قبل، حین و بعد از اجرا به منظور کنترل، تأمین ایمنی و جلوگیری از بروز حوادث احتمالی و نیز مدیریت و مهار حوادث و انجام اقدامات لازم پس از رخداد حادثه، در تمامی اماکن صنعتی به‌طور جدی و دقیق حاکم و ناظر باشد و با وسواس کامل اجرا شود. اما متأسفانه این روزها با وجود اجباری‌شدن رعایت کامل قواعد و اعمال کامل HSE در مجتمع‌ها و ارگان‌ها و تمام مجموعه‌های مرتبط با صنعت نفت عملاً با دورزدن آن مواجهیم کمااینکه اگر در واقع تمام آنچه برعهده



HSE نهاده شده، در مقام عمل نیز با دقت و وسواس و از سوی متخصصان خبره این واحدهای مستقر در مجموعه‌های صنعت نفت اجرا شده بود، قطعاً ما شاهد رخداد بسیاری از حوادثی که پس از بررسی و علت‌یابی معلوم شد در اثر ضعف و فقدان عملکرد درست و به‌موقع و همه‌جانبه واحد HSE مستقر در محل حادثه بوده، نبودیم.

ارتقای سود سهام در بخش خصوصی به قیمت زندگی

در پی اجرای خصوصی‌سازی مجتمع‌های پتروشیمی سراسر کشور براساس قواعد مربوط در اصل ۴۴ در حال حاضر تمامی شرکت‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی کشور به بخش خصوصی واگذار شده است. هرچند ایجاد رقابت در عرصه صنعت می‌تواند گامی مؤثر در ارتقای کیفیت نتایج و محصولات تولیدی داشته باشد، باید گفت دستیابی به این هدف نیز خود در گرو کامل چشم‌اندازهای مسئولان مربوطه در بخش خصوصی است چراکه اگر هدف تنها کسب سودهای کلان اقتصادی و ارتقای شاخص سود سهام‌داران شرکت‌های خصوصی بر پایه رقابت و بدون توجه به ارتقای کیفیت همه‌جانبه تولیدات باشد، این هدف و این چشم‌انداز نادرست نه تنها کمکی به ارتقای صنعت در پی سپردن اداره آن به بخش خصوصی نمی‌کند بلکه با بی‌توجهی مسئولان و متولیان امر به ضروریات واجبالرعایت باعث افت پیش‌ازپیش جوانب کیفی در همه ابعاد از جمله تأمین امنیت و کنترل بر اجرای درست و تخصصی پروژه‌های مربوطه خواهد شد.

متأسفانه در بسیاری از موارد توجه و تمرکز افراطی مسئولان و رؤسا در بخش‌های خصوصی صنعت نفت بر افزایش سود سهام خود و دیگر اعضا، بازار رقابت‌های کیفی را به بازار سود سهام‌های کلان مادی تبدیل کرده و در نتیجه بسیاری موارد بسیار مهم که از دید غیرمسئولانه این رؤسا مواردی پیش‌یافتاده و غیرضروری تلقی می‌شوند که دلیلی برای تخصیص مالی و تخصصی برای آنها وجود

رد پای بنجل‌های چینی در پتروشیمی

ندارد، مثل همین مبحث اعمال دقیق و جدی قواعد HSE، نادیده گرفته شده و بعضاً شاهد عواقب ناگوار آن بوده‌ایم.

در این راستا باید خاطر نشان کرد که دود کسب سود سهام بالاتر به قیمت جان انسان‌ها و سرمایه‌های ملی کشور نه در بلندمدت که در آینده‌ای نزدیک به چشم همه از جمله همین رؤسای غیرمسئول نیز خواهد رفت.

خطای انسانی پایه‌ای سایر علل

نمی‌توان به‌طور قطع و یقین خطای انسانی را دارای بیشترین سهم در وقوع حوادث صنعت نفت دانست چراکه خطای انسانی خود معلول علت‌های زیاد و ریشه‌ای خارج از اراده انسانی و در مسئولیت نهاد‌های مسئول است؛ عللی چون ضعف آموزش و ضعف اعمال روش‌های به‌وجودآورنده حس تعهد و مسئولیت‌پذیری در افراد و نیز بالا بردن سطح دقت و تمرکز نیروی انسانی با ایجاد امنیت شغلی و روانی در محل کار و رسیدگی درست و بجا به مشکلات موجود در زندگی شخصی و اجتماعی فعالان در این عرصه حساس. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد در بیشتر موارد فرد خاطی خود قربانی رده اول و قطعی حادثه است و این امر که هیچ‌کس خواسته و دانسته در پی از بین بردن جان و سلامت خود نیست، امری است بدیهی.

پدری فرسوده

صنعت نفت به منزله پدری است که فرسوده شده اما با وجود شرایط کنونی حاکم بر مقوله انرژی و نقش حیاتی و کلیدی که در اقتصاد و سیاست و باقی مقولات مهم اجتماعی ایفا می‌کند و نبود هیچ رقیب جایگزینی در عرصه انرژی دست‌کم تا امروز، قرار نیست به این زودی‌ها به بازنخستگی برسد؛ حتی با وجود اینکه به دلیل تمام علل ذکرشده سختی کار نیز شامل حالش می‌شود اما این هم نمی‌تواند موجب عدم بقا و ایست یا کاهش فعالیتش را فراهم کند بنابراین لازم است در جهت بهینه‌سازی عملکرد و حفظ اعضا و جوارح گران‌قدرش از هجوم حوادث، آستین همت را بالا زده و در راه ارتقا، بهسازی، اصلاح و تأمین هرچه‌بیشتر آن از هر راه ممکن و میسر بکوشیم و اگر مدعی متمدن‌بودن و جهانی‌شدن هستیم، تنها به شعارهای پرزرق‌وبرق قناعت نکرده و در عمل ادعای خود را پیش چشم جهان و جهانیان به اثبات برسانیم.

برای مثال بهترین و نخبه‌ترین متخصصان و مهندسان نفت و پتروشیمی و حتی ساده‌ترین کارگران صنعت نفتمان را هم سوار فرسوده‌ترین بالگردهای در همه جهان جز ایران از رده خارج، نکنیم و پس از وقوع حوادثی که خود گواه همه چیز است، تقصیر را بر گردن باد و توفان و موج دریا بیندازیم.



بخش خصوصی منجی سوآپ

آیا سوآپ نجات می یابد؟

دنیای انرژی | شرکت نفت، مقدمات اولیه از سرگیری سوآپ نفت خام به کشورهای آسیای میانه را فراهم کرده و قرار است این عملیات از سال آخر دولت یازدهم اجرایی شود و احتمال می رود بخش خصوصی نیز بتواند در زمان کمی عملیات سوآپ خود را از سر گیرد. در همین رابطه گروهی از کارشناسان بر این باورند که سوآپ برای کشور مزایای متعددی دارد و ایران در تحقق این عملیات علاوه بر سود باید به سایر مزایا نیز توجه کند. عملیات سوآپ نفت خام از مردادماه ۱۳۸۹ به بهانه پایین بودن نرخ سود متوقف شد. در آن زمان هزینه معاوضه نفت خام از مسیر ایران حدود ۸ دلار در هر تن متریک یعنی حدود ۱۰،۱ دلار در هر بشکه بود و شرکت ملی نفت ایران خواهان افزایش این رقم به ۴۰ دلار یعنی به میزان ۵/۵ تا ۶ دلار در هر بشکه بود که با مخالفت طرف مقابل این قرارداد به صورت یک طرفه از سوی ایران لغو شد و پرونده ایران راهی دادگاه لاهه شد که این دادگاه در نهایت شرکت نیکو (طرف ایرانی قرارداد) را ۵،۵ میلیون دلار غرامت به کشورهای طرف قرارداد ملزم کرد.

سوآپ نفت خام از زمان دولت سازندگی با مصوبه شورای عالی امنیت ملی و هیئت دولت آغاز شده بود و در دولت دهم در حالی که روزانه ۱۵۰ هزار بشکه نفت خام سوآپ می شد، متوقف شد؛ طرحی که قرار بود به ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد. توقف عملیات سوآپ نفت خام در این دولت در زمان ریاست محمد جواد عاصمی پور در شرکت نیکو بود. وی از موافقان ۱۰۰ درصد سوآپ نفت خام است، اما به دستور وزیر

وقت نفت این عملیات متوقف شد. عاصمی پور به دلیل مخالفت با این دستور، از کار برکنار شد. عاصمی پور درباره راه اندازی مجدد عملیات سوآپ نفت خام با بیان اینکه امیدواریم دولت یازدهم در راه اندازی عملیات سوآپ مصر باشد و با انتخاب مدیران شایسته و کاردان بتواند جایگاه منطقه ای خاصی برای کشور به ارمغان بیاورد، درباره چرایی توقف این عملیات می گوید: به درستی مشخص نشد چرا وزیر نفت وقت با عملیات سوآپ مخالفت کرد تا علاوه بر بی اعتمادی کشورهای آسیای میانه به ایران، دادگاه بین المللی لاهه ما را به پرداخت جریمه برای عدم تعهد به قرارداد سوآپ نفت خام متهم کند. این تصمیم غیر کارشناسی موجب تسریع در اتمام خط BTC شد تا فرصت ترانزیت شدن ایران برای انتقال نفت آسیای میانه به شرق آسیا به فراموشی سپرده شود. این کارشناس مسائل نفت با اشاره به اینکه دغدغه دولت کنونی اجرای عملیات سوآپ نفت خام است، می گوید: آنچه امروز تعیین کننده عملیات سوآپ است، دولت هانیستند، بلکه شرکت هایی هستند که به ایران اعتماد ندارند، از سویی به دلیل تحریم ها کمتر به موضوع سوآپ توجه شد.

عاصمی پور با بیان اینکه با وجود مصوبه شورای امنیت ملی و هیئت دولت، دستگاه های نظارتی از جمله شورای امنیت ملی وقت و مجلس وقت چرایی توقف سوآپ نفت را پیگیری نکردند و این خود نیاز به بررسی دارد، تاکید می کند: این توقف به دلیل سوءمدیریت خسارت زیان باری برای کشور داشت و پروژه بورس

دارد. جلیل سالاری، قائم مقام سابق شرکت ملی پالایش و پخش با بیان اینکه سوآپ با شرایط کنونی امکان پذیر نیست، می گوید: اینکه گفته می شود سوآپ برای ایران ایجاد قدرت در منطقه می کند را قبول نداریم زیرا موارد بسیاری وجود دارد که می توان با تقویت آنها، برای کشور در منطقه شرایط قدرت را فراهم ساخت. برای نمونه اگر در میدین نفتی کشورهای همسایه از جمله قزاقستان شریک شویم یا اینکه پالایشگاه بسازیم تا نفت مان را صادر کنیم در این فضا می توان ادعا کرد برای کشور جایگاه فرمانطقه ای ایجاد کرده ایم.

وی در تشریح مخالفت خود با سوآپ نفت خام، می افزاید: براساس قانون نفت خام با ۵ درصد تخفیف به پالایشگاه های داخلی واگذار می شود و این تخفیف برای نفت خام وارداتی نیست از این رو پالایشگاه های تهران و تبریز که به بخش خصوصی واگذار شده است، هرگز حاضر نمی شوند نفت خام را با قیمت بالاتر دریافت کنند. همچنین ما در شرایط کنونی برای صادرات نفت خام تلاش می کنیم چرا باید خودمان وارد کننده نفت خام باشیم.

از دید این کارشناس سوآپ، نفت خام سوآپی از کشور قزاقستان با نفت خام موجود در کشور مطابقت نمی کند و کیفیت لازم را ندارد از این رو با استانداردهای پالایشگاهی کشور برابری نمی کند. این مسئله در کیفیت محصولات تولیدی پالایشگاه ها نیز اثر گذار خواهد بود. از سویی میزان نفت خام مورد نیاز این پالایشگاه ها هرگز با نفت خام سوآپی قابل تامین نیست و باید نفت خام داخلی نیز به آنها تزریق شود و با توجه به ابلاغیه وزیر نفت برای شاخص کیفی پالایشگاهی، این موضوع برای پالایشگاه ها دردسرساز خواهد شد.



مدیرعامل اسبق شرکت نیکو با بیان

اینکه پرداخت هزینه نفت سوآپی

۹۰ روز پس از دریافت نفت خام صورت

می گرفت که این درآمد صرف پروژه

های عمرانی نفت می شد، می گوید:

عملیات سوآپ نفت خام مزایای

متعددی دارد. در آن زمان به صورت

مستقیم و غیرمستقیم ۱،۵ میلیارد

دلار عملیات سوآپ برای کشور

درآمد داشت و امروز در صورت عقد

قراردادهای تازه برای سوآپ نفت

ایران باید تضمین های متعددی در

اجرای تعهدات خود پرداخت کند تا

بتوانیم مجدد از مزایای سوآپ بهره

مند شویم.

رئیس هیئت داورى انجمن سازندگان صنعت نفت با بیان اینکه با تاسیس بانک انرژی مخالفم، گفت: سازندگان صنعت نفت با استفاده از مزیت های رقابتی در سیستم پولی و بانکی می توانند بهترین را انتخاب و بدون دردسر استفاده کنند. رضا پدیددار در نشست خبری با خبرنگاران ضمن بیان این مطلب گفت: در کشور بانک و موسسات مالی و پولی تخصصی به قدر نیاز وجود دارد و دخالت کردن حوزه نفت در فرآیند بازار سرمایه جز عارضه جدید دستاورد دیگری نخواهد داشت. همچنین یک مطالعه تطبیقی در این خصوص انجام شد که تنها در یک کشور آفریقایی بانک تخصصی برای نفت وجود دارد.

وی ادامه داد: سازندگان صنعت نفت با استفاده از مزیت های رقابتی در سیستم پولی و بانکی می توانند بهترین را انتخاب و بدون دردسر استفاده کنند. اجازه بدهید هر مجموعه ای کار خودش را بکند، نه اینکه در اکثر فعالیت ها همه چندکاره شده اند و از فعالیت اصلی خود باز مانده اند. باید صندوق های مالی و پشتیبانی مثل خیلی از کشور های توسعه یافته درست کنیم و سازندگان و پیمانکاران را مورد حمایت قرار بدهیم. من طرح جامعی در این رابطه دارم.

وی درباره صادرات محصولات تولید شده اعضای استصنا و مقصد نهایی صادرات تجهیزات تولید شده می گوید: در حال حاضر نزدیک به ۵۰ شرکت سازنده در عرصه بین المللی فعالیت دارند و اکثر آنها کالاها و خدمات فنی و مهندسی خود را صادر می کنند. برای این اقدام از لحاظ روابط مالی جهانی و هم از لحاظ منابع مالی و سرمایه ای محدودیت بسیار داریم. با هماهنگی های جدیدی که با مسئولان امر انجام دادیم، قرار شده است از منابع جدید ۱۶ هزار میلیارد در اولویت به سازندگانی که در تولید و صادرات فعالیت دارند اختصاص داده شود. وی ادامه داد:

نه به بانک انرژی!

ما به عراق، ترکیه، آلمان، مالزی، چین، سنگاپور، ترکمنستان، روسیه، اوکراین، سوئد، نروژ، دانمارک، پاکستان، امارات، کشور های شمال آفریقا، و نظایر آن که بیش از ۴۲ کشور را در برمی گیرد صادرات تجهیزات نفتی داریم.

وی درباره اقدامات صورت گرفته برای حضور بخش خصوصی در بخش بالادستی نفت نیز گفت: اقدامات بسیار موثری را برای حمایت از سازندگان، پیمانکاران و مشاوران انجام دادیم و نامه مفصلی برای بهره گیری از توان داخلی و ظرفیت ایجاد شده نوشته شده است و این ظرفیت که نزدیک به ۶۰ هزار نفر متخصص صاحب نام و بیش از ۵۰۰ هزار نفر فعال در این صنعت است را معرفی کرده ایم. این نامه برای وزیر نفت و نیز رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال شده است.

وی درباره میزان سفارش برای ساخت تجهیزات بعد از تحریم نیز گفت: سفارشات ارائه شده پس از برجام رشد داشته است. در کنفرانس قرارداد های نفتی در آذر ماه ۹۴ که با حضور بیش از ۱۳۴ شرکت خارجی برگزار شد دستاورد های سازندگان، پیمانکاران و مشاوران ارائه و تعاملات بعدی و حضور نمایندگان شرکت های خارجی توانمندی های شرکت های ایرانی ارائه و تاکید شد. وی با بیان اینکه توان ساخت بیش از ۷۲ درصد از نیاز های تجهیزاتی در داخل کشور فراهم شده، اعلام کرد: تنها موضوع مهمی که باید در تبادل همکاری ها با خارجیان مدنظر قرار گیرد، بحث صدور گواهینامه کیفیت کالا است که در بخش داخلی سازمان ملی استاندارد و در بخش جهانی و از طریق انجمن نفت با موسسه API است. البته ناگفته نماند که شرکت های خارجی مدل همکاری ۵۱-۴۹ را در ساخت تجهیزات نفتی به عنوان پایه همکاری پذیرا شدند.





سید حمید حسینی :

بیمه‌هاشانه خالی می‌کنند و تجارت محصولات نفتی کماکان پرریسک است

روزانه ۴۰۰ هزار بشکه انواع فرآورده نفتی توسط ایران به بازارهای منطقه ای و جهانی صادر می‌شود و بیمه ابزار موثری برای کاهش ریسک صادرات این فرآورده ها محسوب می‌شود، اما متاسفانه به دلیل مشکلات موجود بیمه ای و بانکی، صادر کنندگان بزرگ فرآورده های نفتی همچنان متضرر می‌شوند. سیدحمید حسینی، عضو هیئت مدیره اتحادیه فرآورده های نفتی با بیان اینکه هنوز تحریم اصلی در کاهش ریسک فرآورده های نفتی رفع نشده است، بر این باور است که اگر چه در زمان تحریم و در شرایط کنونی بخش عمده فرآورده های نفتی تحت حمایت شرکت های بیمه ای داخلی صادر می‌شوند، اما مشکلات بانکی مانع از آن شد که صادر کنندگان بتوانند از نوع پوشش اصلی در معاملات فرآورده های نفتی بزرگ و طولانی مدت استفاده کنند و ضرر مالی کمتری ببینند. وی در تشریح بیشتر این مسئله گفت: بسیاری از محموله های بزرگ فرآورده های نفتی که باید مسیر طولانی را طی کنند، از نوعی پوشش خاص استفاده می‌کنند، بدین معنا که برای کاهش ضرر فرآورده های نفتی که در معرض تغییرات سریع قیمت قرار می‌گیرند، آینده محموله پوشش داده می‌شود و ۱۰ درصد مبلغ کل واریز و محموله به صورت کاغذی به فروش برسد تا پس از رسیدن کالا به مقصد، قیمت محصولات براساس قیمت روز محاسبه و تحویل خریدار شود. لازمه این کار همکاری بانک های معتبر با شرکت های بیمه ای است که هنوز به دلیل رفع نشدن پاره ای از تحریم های بانکی پابرجاست.

این فعال بخش خصوصی با بیان اینکه سوآپ رهای بخش خصوصی به دلیل نبود این نوع بیمه، خسارت های جبران ناپذیری دیدند، می‌گوید: بخش اعظم فرآورده های نفتی که از طریق کشتی حمل می‌شد، با حمایت منابع صندوق توسعه ملی و بیمه معلم منتقل

می‌شود و در این زمینه مشکلی وجود ندارد. البته صادر کنندگان برای کاهش خسارت، تلاش کردند که محصولات شان را به شیوه قوب بفروشند و تاجران ایرانی که شرکت های خارجی دارند از این مشکلات به دور هستند. اما نظر دولت این است که سوآپ فی طی مذاکره تعیین شده و قیمت پیشنهادی از سوی بخش خصوصی به دولت اعلام و مورد تایید قرار گیرد، با این وجود حسینی می‌گوید تا پیش از تعیین قیمت از سوی ایران کشورها با تجربه سال های گذشته مذاکرات را جدی نمی‌گیرند. از سوی دیگر وجود رقبای تازه برای ایران در بازار سوآپ باعث می‌شود که ایران به فکر زمینه های جدیدتر سوآپ که هنوز پای رقبا در آن باز نشده بیافند. در همین حال کاشکان قزاقستان این فرصت تازه را در اختیار ایران می‌گذارند، قزاقستان می‌خواهد با افزایش تولید نفت خود را در بین ده تولیدکننده بزرگ نفت دنیا قرار دهد و برای این کار روی کاشکان حساب باز می‌کند؛ میدانی که تولید نفت از آن انتظار می‌رود از ژوئن ۲۰۱۷ از سر گرفته شود.

تولید نفت از میدان کاشگان از سپتامبر ۲۰۱۳ آغاز شد اما چند هفته بعد به دلیل نشست گاز از یکی از لوله هایی که به این میدان متصل می‌شد تولید متوقف شد. نفت خام یکی از صادرات اصلی قزاقستان است که البته به دلیل کاهش شدید قیمت نفت طی سال های اخیر سرمایه گذاری در پروژه های نفتی و در نتیجه تولید نفت آن کاهش پیدا کرده است. اگر چه روسیه اولین پیشنهاد را برای سوآپ نفت به ایران داده است، اما قزاقستان به عنوان قدرتی نفتی که در پی بازگشت به بازار نفت خام است می‌تواند مشتری خوبی برای سوآپ ایران باشد که قدرت دسترسی به بازارهای جهانی این کشور را افزایش می‌دهد. سوآپ فرآورده اما دیگر برنامه ایران است با این حال شرایط

علی لهراسپی | صنعت تولید پارافین در ایران حدوداً از سال ۱۳۶۰ توسط پیشگامان آن با استفاده از تکنولوژی و امکانات داخلی پایه گذاری شد و تا قبل از آن تاریخ پارافین به علت عدم تولید کافی، از خارج از کشور وارد می‌شد.

ماده اولیه تولید پارافین، اسلک و کس، محصول جانبی پالایشگاه های تولید روغن موتور است که تا قبل از احداث و راه اندازی واحدهای پارافین سازی، اسلک و کس در حوالی دریاچه نمک قم تخلیه یا با اختلاط با سایر فرآورده های اصلی پالایشگاه ها به مصرف سوخت پالایشگاه می‌رسید. درحال حاضر صادرات محصولات واحدهای تولیدکننده پارافین سالانه بالغ بر ۱۱۵ میلیون دلار است و ایران در مقام اول کشورهای صادر کننده پارافین سنگین قرار گرفته است.

محصولات پارافینی در صنایع مختلف از جمله لاستیک سازی، نساجی، سموم دفع آفات نباتی، صنایع دفاع، باتری سازی، کابل سازی، ایزولاسیون، رنگ ورزین، چسب، واکس و پولیش، آرایشی و بهداشتی، بسته بندی چوب و کاغذ، کبریت سازی، شمع سازی، روان کننده ها و سایر صنایع کاربرد دارد. در سال ۱۳۸۲ شرکت ملی نفت ایران در راستای خصوصی سازی شرکت های دولتی و سیاست های کلان دولت مبنی بر کاهش تصدی گری و واگذاری امور به بخش خصوصی، واحدهای روغن سازی پالایشگاه های تهران، آبادان و اصفهان را که تامین کننده اصلی خوراک واحدهای پارافین ساز بودند، به شرکت های نفت ایرانول و نفت سپاهان واگذار کرد و عملاً با اجرای این طرح تامین خوراک صنایع تولید کننده در انحصار چهار پالایشگاه روغن سازی بهران، ایرانول، پارس و سپاهان قرار گرفت.

این چهار شرکت نیز شروع به صادرات اسلک و کس به خارج از کشور کردند که تاکنون نیز ادامه دارد و ادامه این روند تولید کنندگان و صنعت گران زحمتکش پارافین را با مشکل کمبود مواد اولیه مواجه کرده و تبعات آن باعث شده اکثر واحدهای فعال به تعطیلی

کشیده شوند. به منظور جلوگیری از صادرات اسلک و کس، جلسات متعددی در مجلس محترم شورای اسلامی و سایر وزارتخانه های ذی ربط برگزار و ماحصل آن منتج به تشکیل جلسه ای در اداره کل صنایع غیرفلزی با حضور مدیرکل و کارشناسان اداره ذی ربط و نمایندگان تولید کنندگان و مصرف کنندگان اسلک و کس شد و نتیجه آن هم امضای توافق نامه ای مبنی بر عدم صادرات اسلک و کس به مقدار بیشتر از ۱۰ درصد کل تولید شد. متاسفانه به دلیل عدم نظارت و نبود ضمانت نامه های اجرایی لازم، از آن زمان تاکنون روال فروش و توزیع رها شده و موجبات نابسامانی و بهم ریختگی تولید و توزیع و مصرف ماده مزبور در بین صنعتگران فراهم شده است.

در حال حاضر علاوه بر صادرات مواد اولیه مورد نیاز واحد های تولید کننده هیچ گونه تعهدی مبنی بر فروش آن به تولید کنندگان وجود نداشته و وضعیت فعلی موجب ورشکستگی و سقوط قریب الوقوع تولید کنندگان پارافین ایران و رشد و توسعه واحدهای پارافین سازی علی الخصوص کشور هندوستان که کاملاً کپی برداری شده از صنعت پارافین ایران است خواهد شد.

یکی دیگر از دلایل کاهش عرضه مواد اولیه این صنعت، ورود شرکت های روغن سازی به عرضه تولید پارافین جامد و صادرات بی رویه اسلک و کس است که توان رقابت با این شرکت ها برای واحدهای کوچک تولیدی قابل تصور نبوده و قطعاً به راحتی وارد

بازارهای بین المللی شده و با قیمت نازل تری عرضه می‌کنند. یکی از نکاتی که قابل تامل است، کاهش ارزش محصول نهایی شرکت های تولید روانکار در بازارهای بین المللی و داخلی است که موجب می‌شود به فکر تامین منافع از دست رفته از محل فروش محصولات جانبی (اسلک و کس) باشند که به طور انحصاری نسبت به اعلام قیمت و فروش آن مبادرت می‌ورزند. از راه حل های پیشنهادی جهت رفع معضلات مطروحه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:



اعمال مجدد نظام سهمیه بندی توسط کمیته تخصیص خوراک (متشکل از نمایندگان وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت نفت، نماینده تولید کنندگان پارافین و پالایشگاه های روغن سازی)، اجرای بند نهم فرمول مصوب کارگروه اقتصادی هیئت دولت مورخ ۱۳۸۷/۰۹/۲۲ در خصوص قیمت گذاری لوب کات و تسری فرمول مصوب به صنایع پایین دستی، تحت نظارت سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان وزارت صنعت، معدن و تجارت، خروج از تعلیق وضع عوارض بر صادرات اسلک و کس به میزان ۲۵ درصد که با وجود تصویب موضوع توسط هیئت وزیران (به شماره ۴۴۷۴۶/۱۷۶۴۳۶۳_ مورخ ۱۳۸۹/۰۴/۰۲) و ابلاغ آن به گمرکات کشور هنوز اجرایی نشده است.

ارتقای تکنولوژی های فعلی، جذب سرمایه گذاران خارجی و ورود تجهیزات و فناوری روز دنیا برای برطرف کردن موانع در مراودات بانکی، اختصاص تسهیلات سرمایه در گردش ارزان قیمت واحدهای تولیدی، تقویت قدرت رقابتی محصولات کشور در بازارهای بین المللی، تسهیل نظام مقرراتی کشور از جمله کاهش بوروکراسی فرآیند صادرات و لغو قوانین دست و پا گیر، جلوگیری از واردات بی رویه و اجرای قانون واردات هدفمند در ازای صادرات، به کارگیری سیاست های تشویقی صادرات، حمایت و توسعه صادرات، تسهیل در اعطای خطوط اعتباری و صدور ضمانت نامه توسط بانک ها.

اجرائی کردن بند «د» از ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه کشور مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۶ و توقف صادرات اسلک و کس و نظام مند کردن توزیع عادلانه و منطقی بر اساس اصول پذیرفته شده جهانی و جلوگیری از تضییع حقوق ملی اعم از تولیدکننده، مصرف کننده و دولت با تهیه و تدوین آیین نامه های اجرایی مربوطه. امید است که با رفع موانع اشاره شده، شاهد گسترش تولید، تقویت صنایع پایین دستی و در نهایت جذب سرمایه های ملی و اشتغال زایی بیشتر باشیم.



علی خیراندیش:

ایران در بازار ال ان جی ضعیف است

تنها پروژه LNG ایران با ظرفیت ۵،۱ میلیون تن در سال با روی کار آمدن دولت یازدهم متوقف شد، اگر چه امروز بعد از سه سال به خواست وزیر پروژه ایران ال ان جی در اولویت وزارت نفت قرار گرفته است.

این پروژه تنها پروژه LNG ایران است که از سال ۸۵ آغاز شد و با وجود تخصیص ۱،۸۵ میلیارد دلار اعتبار هنوز به سرانجام نرسیده است. در حال حاضر قطر که میداین گازی مشترکی با ایران دارد موفق شده است سالانه ۷۷ میلیون تن LNG صادر کند. بسیاری از کارشناسان با وجود کاهش قیمت گاز همچنان طرح های LNG (گاز طبیعی مایع شده) را مقرون به صرفه و سودآور می دانند اگر چه در شرایط کنونی اخباری از تعطیلی پروژه های بزرگ LNG در نقاط مختلف دنیا از جمله استرالیا منتشر می شود. با توجه به اهمیت تجارت LNG در دنیا و علاقه مندی تعدادی از شرکت های اروپایی برای راه اندازی مجدد پروژه ایران ال ان جی با علی خیراندیش، مدیرعامل سابق شرکت مایع سازی گاز طبیعی ایران که آغازگر پروژه ایران ال ان جی است، به گفتگو نشستیم.

در حال حاضر وضعیت بازار LNG در جهان چگونه است؟ چه مسائلی در این بازار تعیین کننده است؟ و آیا ورود به این بازار اقتصادی است؟

LNG راهی برای تبدیل و انتقال بهتر گاز مایع برای مسافت های طولانی است تا هزینه آن کاهش یابد و اقتصادی باشد. این صنعت کمک کننده حمل گاز مایع است و هر میزان بعد مسافت طولانی تر شود، حمل و نقل آن اقتصادی می شود. انتقال گاز به صورت LNG خطرات کمتری نسبت به خط لوله دارد. در سال ۱۹۷۰ سهم LNG از بازار ۵ درصد بود، اما این سهم امروز بزرگ تر شده است به طوری که در حال حاضر رشد سالانه LNG بیش از ۶ درصد است در حالی که این رشد در بازار نفت، ۱،۹ درصد در سال، در بازار گاز مایع ۲،۳ درصد و در بازار زغال سنگ ۲،۲ درصد است. این

آمار به وضوح می گوید که LNG در حال مهم شدن در بازار انرژی است. حال سوال اینجاست امروز وضعیت LNG چگونه است؟ باید بگویم که LNG شیب حرکتی خوبی دارد با وجود اینکه در رکود اقتصادی هستیم.

برخی منابع اطلاعاتی از توقف ۶۸ طرح توسعه ای LNG در دنیا از جمله استرالیا خبر می دهند. تحلیل شما از چرایی توقف این طرح ها چیست؟ آیا این مسئله می تواند بیانگر این باشد که بازار LNG اشباع شده است؟

قبل از پاسخ به این سوال باید بگویم که در نهایت ۲۴ طرح LNG در دنیا فعال است که شاید تعدادی از این طرح ها به دلیل اقتصادی نبودن، متوقف شده است. برای نمونه سه پروژه LNG استرالیا به دلیل اقتصادی نبودن متوقف شده زیرا فرایند تولید بسیار گرانی دارند و طرح های بلندپروازنه ای بودند. برخی پروژه های انرژی در دنیا متوقف شده زیرا قیمت نفت و گاز کاهش یافته است. این به معنای آن نیست که بازار اشباع شده است. وقتی می توان گفت بازار LNG اشباع شده

که بگوییم میزان مصرف انرژی در چین یا هند یا هر کشور مصرف کننده ثابت مانده و این در حالی است که کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به رشد ۷ درصد در سال نیاز به مصرف انرژی بیشتری دارند و این مسئله گواه این است با وجود اینکه بازار انرژی خوشبینانه نیست، اما LNG بازار خوبی دارد و نمی توان به راحتی گفت که LNG دیگر اقتصادی نیست. اگر پروژه LNG ایران براساس سناریو و قیمتی که من در زمان ریاست برنامه ریزی کرده بودم، به سرانجام برسد بازگشت سرمایه آن ۳۹ درصد خواهد بود و اقتصادی است. در حقیقت با نفت ۲۰ تا ۳۰ دلاری نیز این پروژه اقتصادی خواهد بود. امروز تحریم ها برداشته شده است و باید کالا و تجهیزات خریداری شده از شرکت های زمینس و لینده برای اتمام طرح به کشور آورده شود.

صحبت از پروژه ایران ال ان جی شد، زمان مدیریت شما بود که با روی کار آمدن دولت یازدهم این طرح متوقف شد؟ چرا طرح متوقف شد؟

تمایلی برای مطرح کردن حواشی این موضوع ندارم، اما این طرح بیش از ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت و ۱،۸۵ میلیارد دلار نیز اعتبار برای آن هزینه شده بود و امروز اگر براساس سناریو و روشی که من قبل از تعطیلی پروژه LNG دنبال می کردم، پروژه اجرایی شود با ۲،۲ میلیارد دلار در مدت زمان ۱۹ ماهه به اتمام خواهم رساند. البته این طرح در صورت کار جدی حداکثر تا دو سال با بودجه حدود ۳ تا ۴ میلیارد دلار به اتمام خواهد رسید.

وزیر نفت در سال اول ریاستش طرح LNG را متوقف کرد، اما حال یکی از طرح های با اولویت شده است؟ نظر تان در این باره چیست؟

وزیر این پروژه را متوقف نکرد، عده ای این پروژه را متوقف کردند، وزیر نیز از این افراد حمایت کرد. وزیر نفت تمایل دارد پروژه LNG به سرانجام برسد. امیدوارم وی شجاعت به خرج بدهد و بر به سرانجام رسیدن این پروژه تاکید جدی داشته باشد. این پروژه در صورت اتمام برای کشور سودآوری بالایی خواهد داشت. پروژه LNG یک تغییر مهم است که در صورت راه اندازی آن، مانعی برای تحریم های احتمالی خواهد بود.

برخی کارشناسان بر این باورند که اگر ایران در دو سال آینده نتواند در بازارهای LNG ورود کند، دیگر فرصتی برای حضور در این بازار نخواهد داشت. نظر شما در این خصوص چیست؟

ایران در صورت اتمام پروژه LNG می تواند بازار داشته باشد. دیدگاه ما در خصوص LNG متفاوت

است. عده ای از اشباع آن صحبت می کنند و عده ای از بازارهای تازه. با این حال آنچه در این بازار مهم است محوریت براساس تقاضا یا عرضه است. امروز بازار LNG براساس تقاضاست زیرا پیش بینی های خوشبینانه ای نسبت به بازار انرژی وجود ندارد و گفته می شود که این بازار در چند سال آینده رشد چندانی نخواهد داشت، البته وضعیت بازار LNG نسبت به سایر انرژی ها بهتر است. بازار LNG از سال ۱۹۷۰ تاکنون چندین بار تغییر کرده است. باید به این مسئله مهم نیز اشاره کنم ایران نمی تواند سهم چندانی در بازار LNG دنیا داشته باشد و با ۱۰ میلیون تن ما بازیگر اصلی نخواهیم بود. وقتی وزیر انرژی روسیه می گوید که هدف گذاری روسیه ۱۰۰ میلیون تن در سال است و هم اکنون ۳۰ میلیون تن عملیاتی شده، وقتی قطر ۷۷ میلیون تن تولید LNG دارد، استرالیا ظرفیت تولید حدود ۶۰ میلیون تن را دارد که امروز حدود ۴۰ میلیون تن آن عملیاتی شده است، وقتی الجزایر با ۲۰ میلیون تن، اندونزی با ظرفیت ۱۵ میلیون تن و آمریکا با وجود واردات گاز، تولید ۱۰ میلیون تن LNG را در برنامه دارد، پروژه LNG ایران با ۱۰ میلیون تن نقش چندان مهمی در بازار نخواهد داشت مگر اینکه به برنامه های تولید LNG با ظرفیت های ۳۰ و اندی میلیون تن در سال فکر کنیم تا بتوانیم بازیگر نقش سوم یا چهارم در دنیا باشیم.

در فضای کنونی آیا سرمایه گذاران خارجی برای سرمایه گذاری در بازار ایران تمایل دارند؟

ایران به دلیل داشتن خوراک، بازار خوبی برای سرمایه گذاران است، اما در جذب سرمایه گذار باید به این نکته مهم توجه داشت که ایران باید به دنبال جذب سرمایه گذار غیر اروپایی باشد. در حقیقت باید نگاه مان را از غرب به سمت شرق تغییر دهیم. زمانی غرب مرکز جهانی تجارت بود، اما دوران اروپا به سرآمده است و در نهایت چنددهه اروپا در قدرت خواهد ماند و بعد از آن به قدرت دوم و سوم دنیا تبدیل خواهد شد. ما باید برای توسعه LNG به سمت کشورهایی از قبیل چین و هند و حتی برزیل برویم. در حال حاضر چین ۱۸ طرح تبدیل گاز طبیعی به گاز مایع دارد که از این تعداد پنج طرح به بهره برداری رسیده و حدود پنج طرح دیگر نیز در حال بهره برداری است. این طرح در چین ۹۰ میلیون تن مصرف LNG دارد و در هند با ظرفیت حدود ۴۰ میلیون تن در حال اجراست از این رو با توجه به اینکه شرق بازار خوبی دارد می تواند سرمایه گذار خوبی باشد، از سویی قیمت در شرق به نسبت غرب بالاتر است.



ایران به دلیل داشتن خوراک، بازار خوبی برای سرمایه گذاران است، اما در جذب سرمایه گذار باید به این نکته مهم توجه داشت که ایران باید به دنبال جذب سرمایه گذار غیر اروپایی باشد

سواپ و وضعیت کنونی آن در کشور

از طریق وابسته کردن کشورهای حوزه مرز شمالی کشور به ایران و در نتیجه تحکیم و تقویت روابط سیاسی و ثبات سیاسی در منطقه، تامین منافع سیاسی-امنیتی از طریق توسعه نفوذ در کشورهای صادر کننده نفت از مسیر ایران و تبدیل آنها به دوست که پیامد آن همگرایی و همکاری منطقه ای مناسب تر است و کاهش نفوذ و اثرگذاری شرکت های آمریکایی و اروپایی در گلوگاه ورود انرژی به شمال کشور و مسیر خزر (دریای مازندران) - خلیج فارس با حضور جدی شرکت های ایرانی در منطقه مزبور و تجارت سواپ اشاره کرد.

نزدیک به چند سال است که اجرای عملیات سواپ نفت در مرز آبی شمالی کشور که مرکز ثقل آن پایانه نفتی شمال (بندر نکا) است متوقف مانده است. آنچه می توان به عنوان علت عمده توقف عملیات سواپ از مبدا پایانه نفتی شمال (بندر نکا) برشمرد باعث توقف یک عملیات سودآور به کشور شد

همانا تصمیم مسئولان وقت تصمیم ساز وزارت نفت مبنی بر توقف سواپ به دلیل عدم سوددهی و در نتیجه به اصطلاح حفظ منافع ملی کشور بوده است و متعاقب آن با تمدید نشدن قراردادهای سواپ نفت، چهار شرکت بین المللی: سلکت انرژی تردینگ، دراگون اویل امارات، ویتول سوییس، کاسپین اویل و رولو پمنت ایرلند و استفاده آنان از مسیرهای (البته غیراقتصادی) چهارگانه یادشده، حجم سواپ نفت ایران به صفر رسید. تعلیق قراردادهای سواپ نفت موجب شده بود که بزرگ ترین پایانه نفتی ایران (موسوم به پایانه نفتی شمال در بندر نکا) به دلیل توقف این تجارت در مرز تعطیلی کامل قرار گیرد. این امر در حالی است که ۳۰۰ میلیون دلار جهت احداث و راه اندازی پایانه نفتی شمال هزینه صرف شد و با اوصاف فوق

استفاده بهینه از آن همچنان متوقف مانده است. همچنین از آنجایی که دریافت نفت در مرز شمالی کشور از کشورهای حوزه دریای مازندران به علت استفاده در پالایشگاه نفت تهران و تبریز بوده است بنابراین انتقال نفت از این مسیر نیز به صرفه و صلاح کشور بود.



رانده شدن از بازارهای صادراتی



دنیای انرژی | در حال حاضر به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب از جمله زیرساخت‌های مربوط به حمل‌ونقل و ترانزیت، ایران نتوانسته از فرصت‌های صادراتی پیش آمده برای خود بهره برد و در برخی از امور با مشکلات اقتصادی زیادی روبرو است به همین خاطر درآمدهای دولت کاهش یافته و در استفاده از فرصت‌های صادراتی پیش آمده برای خود همچون فرصت صادرات کالا به روسیه مغفول مانده است. بر همین اساس تجاری‌سازی خدمات ترانزیت و حمل‌ونقل، یکی از بخش‌هایی است که می‌توان برای بهره‌بردن از فرصت‌های پیش آمده در آینده و درآمدزایی در کشور به آن توجه کرد. همچنین با انجام اقدامات جدی در زمینه خدمات ترانزیتی و حمل‌ونقل می‌توان طرح‌های اشتغالزای در مناطق مرزی اجرا کرد تا قاچاق کالا در این مناطق با کاهش روبرو شود. این در حالی است که مزیت‌های جغرافیایی و منطقه‌ای، مخازن عظیم نفت و گاز، نیروی انسانی تحصیلکرده و جوان و همچنین ثبات و امنیت ایران در منطقه باعث شده تا سرمایه‌گذاران خارجی میل و رغبت زیادی برای همکاری با ایران داشته باشند که می‌توان با کارهای کارشناسی شده در بخش حمل‌ونقل و ترانزیت از ظرفیت‌های خارجی در این حوزه بهره برد. در همین راستا نتایجی در مورد تجاری‌سازی خدمات ترانزیت و حمل‌ونقل کالا در سازمان توسعه و تجارت بر گزار شد تا به این صورت مشکلات ترانزیتی و حمل‌ونقل کشور برای صادرات کالا به کشورهای خارجی مورد بررسی قرار بگیرد. ناتوانی صادرکنندگان ایرانی در تامین میوه روسیه بر همین اساس قائم‌مقام وزیر صنعت با اشاره به بهره‌بردن ایران از فرصت صادرات کالا به روسیه گفت: کاهش نرخ روبل، مقررات دست و پاگیر روس‌ها در صادرات، عدم وجود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و عدم وجود شبکه بانکی برای نقل و انتقال مالی چهار

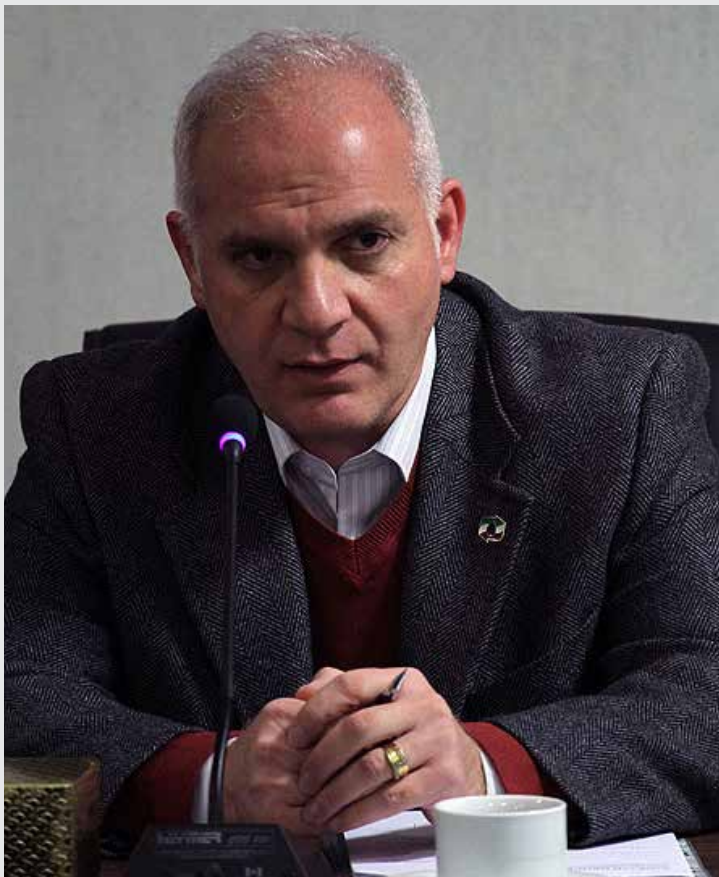
عامل اصلی عدم موفقیت صادرات به روسیه است. مجتبی خسرو تاج اظهار کرد: طبق برنامه راهبردی وزارت صنعت، تا پایان سال برنامه ششم توسعه پیش‌بینی شده است تا حجم صادرات کالا و خدمات به ۱۳۰ میلیارد دلار برسد بر این اساس، حجم صادرات کالا باید در یک برنامه پنج ساله به ۱۰۰ میلیارد دلار و حجم خدمات به ۳۰ میلیارد دلار افزایش یابد که این رقم دو برابر میزان کنونی است. قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت اظهار داشت: برای توسعه صادرات لازم است تا به بخش‌های مختلف از جمله توسعه گردشگری و توسعه صنعت IT توجه شود. وی با اشاره به اینکه یکی از مضرات اقتصاد نفتی این است که کارآفرینان از درآمدزایی از روش‌های دیگر غافل می‌شوند، گفت: تجاری‌سازی خدمات ترانزیت و حمل‌ونقل، یکی از بخش‌هایی است که می‌توان برای درآمدزایی در کشور به آن توجه کرد. خسرو تاج با بیان اینکه در بخش ترانزیت، کارآفرینان بسیاری می‌توانند درآمد ایجاد کنند، گفت: مقایسه کارآفرینان ایران و کارآفرینان سایر کشورها نشان می‌دهد که دو تفکر جداگانه بین این دو گروه وجود دارد که خیلی کشورها زمینه رشد را در وجود کارآفرینان می‌دانند ولی ما در کشور متکی به درآمد نفتی هستیم. وی افزود: در بحث مبارزه با قاچاق کالا، یکی از موضوعات، بحث محرومیت‌زدایی و اشتغالزایی در مناطق مرزی است بنابراین اگر برای مناطق مرزی طرح‌های اشتغال ایجاد شود، می‌توان قاچاق را از بین برد و در این مناطق، توجه به خدمات ترانزیتی و حمل‌ونقل می‌تواند باعث رونق اشتغال شود. خسرو تاج با تأکید بر اینکه برای ترانزیت باید برنامه راهبردی داشته باشیم، گفت: ما هیچ بازاریابی در بخش ترانزیت شاهد نیستیم و در

جهت نام و نشان، وسایلی که در امر ترانزیت هستند، تاکنون اقدامی انجام نشده است. قائم‌مقام وزیر صنعت بیان داشت: بنابراین اگر ما تعریف کنیم، می‌توانیم یک حرکت سازنده داشته باشیم و لازم است تا این سند هر چه زودتر تهیه و به شورای عالی توسعه صادرات ارائه شود. رئیس سازمان توسعه تجارت گفت: امروز بخش ترانزیت ما دارای ضعف است و ما باید در قالب سند راهبردی، این کار را دنبال کنیم. خسرو تاج در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چه عواملی موجب شد، تا با وجود فرصتی که برای صادرات کالا به روسیه پیش آمد، ما از این فرصت خوب استفاده نکنیم، گفت: در بخش صادرات، قیمت کالای ما رقابتی نیست. وی همچنین بیان داشت: برای صادرات محصولات کشاورزی به روسیه اگرچه صادرکننده‌های ما حجم زیادی میوه در اختیار داشتند اما جوابگوی بازار ۲۰۰ میلیونی آنها نبود، چرا که در سال‌های اخیر صادرکنندگان ما بیشتر صادرات را به بازارهایی از جمله عراق، عمان و امارات انجام می‌دادند که نسبت به بازار روسیه بازار کوچکی بود. نرخ ارز با تورم همخوانی ندارد وی افزود: زمانی که روحانی دولت را در دست گرفت نرخ دلار در بازار ۳۶۰۰ تا ۳۷۰۰ تومان بود که نرخ امروز نیز همین قدر است. باید اذعان داشت که این نرخ ارز با میزان تورم همخوانی ندارد و هزینه‌های بخش خصوصی را پاسخ نمی‌دهد. رئیس سازمان توسعه تجارت افزود: طی سال‌های گذشته هزینه‌های تولید افزایش یافته و از طرف دیگر، صادرکنندگان معتقدند که نرخ ارز جوابگوی هزینه‌ها نیست.

خسرو تاج با تأکید بر اینکه ثبات نرخ ارز اگرچه زمینه‌ساز برای تولید است و به شخصه معتقد، به نوسان نرخ ارز نیستیم، اما لازم است برای توسعه صادرات، نرخ ارز متناسب با تورم و افزایش هزینه‌ها باشد. خسرو تاج با بیان اینکه در قیمت تمام‌شده کالا عوامل مختلفی موثر هستند، گفت: برخی از کشورها به نرخ ارز به عنوان ابزاری برای صادرات نگاه و از کاهش ارزش پول ملی خود در مقابل ارز به نفع صادرات استفاده می‌کنند. وی با بیان اینکه عدم وجود شبکه بانکی یکی از مشکلات صادرات به روسیه بود، گفت: البته اخیراً میربیزنيس بانک در روسیه مبادلات مالی را بین دو کشور ایران و روسیه انجام می‌دهد، ولی این مورد کافی نیست و باید تعداد بانک‌ها افزایش یابد. ساخت واگن قطار با همکاری زیمنس آلمان وی با بیان اینکه در واردات باید به ظرفیت‌های داخلی توجه شود، اظهار داشت: با این کار می‌توان واحدهای تولیدی را فعال کرد و واردات واگن قطار از روسیه نیز محدود کرد. قائم‌مقام وزیر صنعت گفت: در صورتی که با کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی مشارکت شود امکان تولید واگن در داخل به جای واردات از روسیه وجود دارد و بخش خصوصی مذاکراتی در این زمینه با شرکت زیمنس انجام داده است. مجتبی خسرو تاج در پاسخ به پرسشی در خصوص آخرین وضعیت واردات واگن قطار از روسیه گفت: نگاه وزارت صنعت مبنی بر عدم واردات کالاهایی است که در داخل کشور وجود دارد و در ثبت سفارش واردات کالاهایی توجه می‌شود که واسطه‌ای و مواد اولیه تولید به حساب می‌آید. وی افزود: در واردات باید به ظرفیت‌های داخلی توجه داشت تا بتوان واحدهای تولید را نیز فعال کرد که واردات واگن قطار از روسیه نیز در همین راستاست. قائم‌مقام بازرگانی وزیر صنعت ادامه داد: در صورتی که توافقات با کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی صورت گیرد می‌توانیم همین واگن‌ها را در داخل کشور تولید کنیم به طوری که بخش خصوصی ما در اتریش مذاکراتی با شرکت زیمنس برای ساخت واگن انجام داده است. خسرو تاج با اشاره به اینکه برخی کشورها برای فروش محصولات خود از مدل اعتبار خریدار استفاده می‌کنند، گفت: این کشورها کالاهای خود را به صورت ۱۰ تا ۱۵ ساله به فروش می‌رسانند تا انگیزه خریدار بیشتر شود. قائم‌مقام بازرگانی وزیر صنعت افزود: در خصوص ماشین‌آلات صنعتی ۱۰ تا ۱۲ میلیارد واردات انجام می‌شود اما این تکنولوژی این محصولات وارد شده برای ما مورد نیاز است و ما امکان تولید داخلی آنها را نداریم؟ خسرو تاج گفت: در صورتی که دانش تولید محصولی را در داخل داشته باشیم، دیگر نباید اجازه واردات آن را بدهیم.

احمد صرامی، بازرگانی اتحادیه اوپکس:

بابیمه‌های توان ریسک تجارت را کاهش داد



احمد صرامی، بازرگانی اتحادیه اوپکس گفت: متأسفانه بخش قابل توجهی از فرآورده های نفتی کم خطر بدون هیچ نوع بیمه‌ای صادر می‌شوند و این مسئله ضعف قانون را می‌رساند. از سویی، به دلیل نبود فرهنگ سازی لازم، تعدادی از شرکت‌ها به بیمه‌اهمیت نمی‌دهند و این مسئله موجب شده تا گاهی خسارت های سنگینی را متحمل شوند. وی با بیان اینکه بخشی از صادرات فرآورده های نفتی به آفریقا باید بیمه شوند زیرا احتمال سالم رسیدن محموله به مقصد بسیار اندک است، می‌افزاید: این محموله‌ها با حمایت صندوق ضمانت با حمایت های اقتصادی و سیاسی صادر می‌شد اما به دلیل تحریم، پرداخت مالی صورت نمی‌گرفت، به طوری که به دلیل باز نشدن ال سی ها، مشکلات متعددی گریبانگیر ما می‌شد. این فعال بخش خصوصی با تأکید بر اینکه باید تمامی محموله های فرآورده های نفتی بیمه شوند تا

ریسک این تجارت کاهش یابد، می‌گوید: برخی از محموله‌ها به دلیل بالا بودن امنیت، خریدار و فروشنده خود را بی‌نیاز از بیمه می‌دانند، اما اگر خریدار بر بیمه بودند تأکید کند، ما باید محموله هایمان را بیمه کنیم، اما معتقدم بیمه ریسک محموله های فرآورده های نفتی را کاهش می‌دهد. براساس اعلام بیمه مرکزی، جمع تعهدات شرکت های بیمه در ریسک های حوزه نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی در سال ۹۴ حدود ۳۷ میلیارد دلار و حق بیمه آن بالغ بر ۱۳۳ میلیون دلار است. به همین منظور برای کاهش ریسک ملی در چنین سطحی نیاز به همکاری های مشترک میان بیمه و صنایع نفت، گاز و پتروشیمی است که این مهم از طریق تشکیل کمیته های مشترک بین شرکت های حاکمیتی صنعت نفت و بیمه مرکزی امکان پذیر خواهد بود و خوشبختانه این کمیته ها در حال شکل گیری است.



بیژن زنگنه، وزیر نفت

برخی از شرکت‌ها ظرفیت‌های لازم را برای تبدیل شدن به شرکت E&P ندارند

این بخش توان اجرایی توسعه بالادستی دارند و نیاز است برای رفع نقایص موجود با تشکیل کنسرسیوم به عنوان یک شرکت E&P فعالیت کنند.

وی با بیان اینکه در این هشت شرکت تنها یک مورد شرکت بخش خصوصی دیده می‌شود، می‌گوید: وزارت نفت در ارزیابی صورت گرفته شرکت‌های خصوصی را حائز شرایط تشخیص نمی‌دهد و این بیانگر نقص مدیریت هدایت شونده در این وزارتخانه است که نمی‌خواهد بنیان‌های بخش خصوصی در کشور تقویت شود. براساس اطلاعات کسب شده، تعدادی از شرکت‌هایی که خود را صاحب صلاحیت‌های لازم برای E&P می‌دانستند، در لحظات آخر کناره‌گیری کردند. شرکت جهان پارس یکی از این شرکت‌هاست. دلیل این کناره‌گیری نیز این است که این شرکت‌ها در صورت تبدیل به E&P حق حضور در مناقصات برای حضور در حفاری و ساخت تاسیسات مورد نیاز در بالادستی را ندارند. اما علیرضا علیخانی که هم‌اکنون به عنوان سرپرست طرح توسعه میدان نفتی یاران شمالی از سوی شرکت نفت و گاز پرشیا فعالیت می‌کند، درباره لیست مورد تایید وزارت نفت به عنوان شرکت E&P می‌گوید: بسیاری از شرکت‌های فعال در بالادستی تمایل دارند به عنوان شرکت EPC با وزارت نفت همکاری کنند، از این رو شاهد بودیم که تعدادی از این شرکت‌ها در لحظه آخر از لیست حذف شدند. از سویی برخی از شرکت‌ها ظرفیت‌های لازم را برای تبدیل شدن به شرکت E&P ندارند. وی می‌افزاید: شرکت نفت و گاز پرشیا توانایی فعالیت به عنوان شرکت E&P را دارد و تنها سرمایه‌گذار خواهد بود. تعدادی از شرکت‌های علاقه‌مند به دلیل نداشتن سرمایه لازم نتوانستند در لیست قرار گیرند.

صنایع نفت (OIEC)، انرژی دانا، توسعه پتروایران، گروه مینا (شرکت نفت و گاز مینا)، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (شرکت مدیریت طرح‌های صنعتی ایران) و ستاد اجرایی فرمان امام (ره) (شرکت توسعه نفت و گاز پرشیا)، شرکت‌هایی هستند که مورد تایید وزارت نفت. با این انتخاب، هشت شرکت ایرانی صاحب صلاحیت تنها به عنوان شریک به شرکت‌های خارجی معرفی خواهند شد و هیچ شرکت دیگری برای جویند شدن به شرکت‌های خارجی علاقه‌مند سرمایه‌گذاری در بالادستی نفت حضور نخواهند داشت. اما رضا پدیدار، یکی از فعالان صنعت نفت و عضو اتاق بازرگانی نسبت به چگونگی انتخاب این شرکت‌ها به عنوان شرکت‌های E&P در کشور انتقاد دارد و می‌گوید: معاونت امور مهندسی وزارت نفت شرکت‌های دولتی، نظامی و خصوصی را به عنوان شرکت‌های صاحب صلاحیت انتخاب کرده که این رویه مورد اعتراض دو انجمن بالادستی صنعت نفت یعنی اپک و مهندسی و ساخت قرار گرفته است. وی با بیان اینکه بخش خصوصی حقیقی و توانمند در این زمینه مورد غفلت وزارت نفت قرار گرفته است، می‌افزاید: نسبت به این انتخاب، اعتراض وجود دارد، به همین دلیل این دو انجمن در نامه به وزیر نفت خواستار تغییر رویه در انتخاب شرکت‌های E&P شده‌اند و قرار است این اعتراض از طریق فدراسیون نفت به وزیر اطلاع داده شود. به گفته این فعال بخش خصوصی، بسیاری از شرکت‌ها همچون شرکت سازه که سابقه همکاری‌های متعددی را در بالادستی نفت دارد، می‌توانست به عنوان شرکت‌های E&P معرفی شود، اما نشده است، از این رو فعالان بخش خصوصی ادعا دارند شرکت‌های

بخش خصوصی فعال در بالادستی صنعت نفت نسبت به تعیین هشت شرکت مورد تایید وزارت نفت برای شراکت با شرکت‌های خارجی اعتراض دارند و این اعتراض از طریق فدراسیون صنعت نفت به وزیر نفت اطلاع داده می‌شود، اما وزیر نفت در واکنش به این اعتراض می‌گوید: از نظر وزارت نفت تنها هشت شرکت صلاحیت کافی برای معرفی به شرکای خارجی را دارند.

بیژن زنگنه، وزیر نفت با بیان اینکه اگر شرکت‌های دیگری در کشور وجود دارند که توانایی لازم را برای جویند شدن با شرکت‌های خارجی برای مشارکت دارند، خودشان را به ما معرفی کنند، می‌گوید: هشت شرکت انتخاب شده به عنوان شرکت‌های E&P توانایی و قابلیت‌های خاصی دارند و نباید آنها را با شرکت‌های EPC اشتباه گرفت، شرکت‌های E&P شرکت‌های پیمانکاری نیستند و باید تمامی فعالیت‌های اجرایی و عملیاتی از جمله حفاری، ساخت تجهیزات و تاسیسات و... را در مناقصه به شرکت‌های EPC واگذار کنند. در اجرای مصوبه هیئت وزیران و به منظور حمایت از ایجاد شرکت‌های اکتشاف و تولید ایرانی و بسا هدف انتقال و توسعه فناوری در جریان مشارکت شرکت‌های ایرانی با شرکت‌های معتبر خارجی، وزارت نفت پس از ارزیابی شرکت‌های متقاضی برای فعالیت در قالب شرکت‌های اکتشاف و تولید (E&P)، هشت شرکت را به عنوان شریک شرکت‌های خارجی در قراردادهای نفت، گاز و پتروشیمی تعیین کرده است. معاونت امور مهندسی وزارت نفت پس از فراخوان سرانجام در تیرماه امسال، صلاحیت ۳۷ شرکت را بررسی و سرانجام صلاحیت ابتدایی هشت شرکت را تایید کرده است. بدین ترتیب شرکت‌های پتروپارس، مهندسی و ساختمان

بورس انرژی به عنوان محل خرید نفت و گاز به عنوان مواد اولیه و فروش محصولات به خریداران مختلف (در کنار پخش و پالایش) و اجازه صادرات و واردات آزاد نفت خام و فرآورده و سوپ می‌باشد و تا زمان تحقق چنین مسئله‌ای هیچ راه حلی نمی‌تواند حاشیه امنی به سرمایه‌گذاران بدهد. ۴- همانگونه که در ارائه فرمول خوراک گاز نمایان شده است وزارت نفت به فرمول‌های ارائه شده توسط خود نیز پایبند نبوده و از این رو هیچ تعهدی به اجرا در ست مصوبه کنونی نیز وجود ندارد. ۵- تعیین مواردی نظیر درجه ای پی ای و کیفیت نفت خام بدون به رسمیت شناختن مراکز بازرسی بی طرف و خارج از مجموع وزارت نفت تنها در روی کاغذ می‌تواند اطمینان بخش باشد. بدیهی است اگر وزارت نفت قصد رفتار بی طرفانه را داشت می‌پذیرفت نفت خام با بازرسی بازرسان مورد اطمینان دو طرف در قالب بورس انرژی و با رقابت مورد معامله قرار گیرد. در همین حال تا زمانی که وزارت نفت لیست محموله‌های صادراتی و قیمت آنها و شرایط دریافت بهای آن با احتساب نوع ارز و هزینه تحویل را به صورت شفاف اعلام نکند اتکا به بهای فوب برای تعیین نرخ بی معناست. به واقع بهای عادلانه نه متوسط قیمت فوب محموله‌های صادراتی که متوسط بهای واقعی فروش محموله‌های صادراتی نفت خام و میعانات می‌بایست باشد. ۶- در نبود مرجع مستقل به مراتب برای پالایشگاهها دریافت کارمزد و فعالیت کارمزدی به ازای پالایش هر بشکه نفت می‌تواند مفید تر باشد به عبارت دیگر زمانی که وزارت نفت قصد شفاف نمودن فروش و قیمت گذاری را ندارد بهتر است برای تصفیه هر بشکه نفت و میعانات یک کارمزد ثابت تعیین کند و پالایشگاهها را از چنبره تحمیل هر نرخ به آنها خارج سازد.



آیا دوران سرد در گمی سرمایه‌گذاران خصوصی صنعت نفت تمام می‌شود؟

۷- در تنظیم این دستورالعمل هر جا که لازم دیده شده است کفه به نفع دولت چرخانده شده است حتی اگر با پندهای قبلی سازگاری نداشته باشد از جمله در نفت کوره قیمت صادراتی از قیمت فوب بالاتر فرض و مبنا قرار داده شده است. همچنین هیچ توضیحی در مورد مبنا فرمول‌ها از جمله تعیین نرخ بنزین و منظور از قیمت خلیج فارس داده نشده است با توجه به اینکه قیمت در منطقه در عمان و عربستان متفاوت است. جای برای هر گونه تفسیر به رای همچنان باز است. ۸- تنها نکته امیدوار کننده در این ابلاغیه قبول مسئله ارائه صورت حساب تا ۲۵ ماه بعد است که می‌تواند حداقل به ماهها انتظار برای ارائه صورت‌حسابها خاتمه دهد هر چند که همچنان مشخص نیست در صورت اعتراض پالایشگاه‌ها به نرخ‌های اعلامی چه مرجع بی طرفی مسئولیت رسیدگی به این اختلاف را خواهد داشت. ۹- نبود رگولاتوری مستقل از مجموعه وزارت نفت، عدم به رسمیت شناخته شدن حقوق سرمایه‌گذاران خصوصی در پالایشگاه‌ها و برخورد تبعیض آمیز میان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی ویژگی سه سال و دو ماه گذشته دولت روحانی در بخش نفت بوده این امر سبب می‌شود همچنان این بخش با ریسک برخورد ناعادلانه مواجه بوده و تغییر جدی مورد انتظار نباشد در همین حال با خروج سرمایه‌گذاران خصوصی و زیان سنگین آنها در بورس، کشور شانس جذب سرمایه‌های داخلی را برای بهبود صنعت پالایشگاه سازی و تولید فرآورده از دست داده و قافیه را در این بخش به عربستان که سیاست منسجم و شفاف را اعمال کرده است باخته است. در دوران نفت ارزان پیش روی، حاشیه سود پالایش نفت و تولید فرآورده اهمیت دو چندانی خواهد داشت اهمیتی که البته به دلیل اقتصاد دولتی و نبود برخورد صحیح با بخش خصوصی در کشور درک نشده باقی مانده است.

همایون دارابی | با ابلاغ مصوبه هیئت دولت توسط زنگنه کورسوی امید در مورد پالایشگاهها در میان سرمایه‌گذاران ایجاد شده است. این مصوبه از چند جنبه قابل توجه است: ۱- زنگنه به عنوان وزیر نفت عملاً هیچ اعتقادی به بخش خصوصی نداشته و با توجه به اینکه در این بخش نیز کاری نکرده است عملاً فاقد توان برقراری تعامل با بخش خصوصی است از این رو تمامی تلاش وی بر روی قراردادهای بین المللی ipc متمرکز بوده که این امر نیز با توجه به مدت زمان اندک باقی مانده تا پایان عمر دولت عملاً به نتیجه‌ای نخواهد رسید. اشتباه در دناک دولت روحانی در عدم مشارکت دهی بخش خصوصی و عموم مردم در اجرای پروژه‌های نفتی و پتروشیمی که می‌توانست رونق اقتصادی و اشتغال در مناطق جنوبی را به همراه آورد نشان داده است تاکید بر اقتصاد دولتی و برنامه ریزی متمرکز وزارت نفت به نتیجه‌ای نخواهد رسید. ۲- به دلیل عدم پذیرش اصول حاکم بر بخش خصوصی، بخش پتروشیمی و پالایشی بورس در سه سال گذشته بیش از ۲۵ میلیارد دلار از ارزش خود را از دست داده‌اند که سهم عمده این زیان به پرتفوی دولت و وزارت خانه‌های رفاه و کار و امور اجتماعی و دفاع وارد آمده است که بخشی از آن در نامه ۴۰ وزیر به رئیس جمهوری منعکس گردید اما از آنجایی که دولت روحانی دولت چک سفید بوده و عملکرد وزرا و حتی خط و نشان کشی‌های درون کابینه نیز رئیس جمهوری را به واکنش وادار نمی‌کند در نهایت به نظر می‌رسد مصوبه کنونی هیئت دولت برای ایجاد راه حلی میانه تصویب شده است. ۳- از دیدگاه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران در سهام پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها تنها راه حل قابل قبول مراجعه طرفین به مکانیزم بازار آزاد و

صادر کنندگان روغن نمی توانند بادولتی ها و خصولتی ها رقابت کنند



آلودگی هوا را پدید می آورد، زیرا دارای فلزاتی است

که در اثر سوختن همراه با دود وارد هوا می شوند. این نوع روغن ها ممکن است از اتومبیل ها، کامیون ها، لوکوموتیوها، کشتی ها و سایر ماشین آلات صنعتی و کشاورزی به دست آید. بخش اصلی این روغن ها را هیدروکربن های معدنی و یاسنتزی تشکیل می دهند. برای برخی از انواع روغن های به کار رفته جهت روانکاری امکان باز یافت وجود ندارد، که انواع گریس ها و روغن های به کار رفته در موتورهای دوزمانه از این نوع است. به دو دلیل اصلی روغن خاصیت روغن کاری خود را از دست می دهد:

– آلودگی از منابع داخلی یا خارجی
– کاهش خصوصیات ایجاد شده در روغن توسط افزودنی های شیمیایی

زمانی برای تولید هیدروکربن ها از بلند روغن پایه استفاده می شد. روغن پایه با بهترین شرایط بفروش می رسید و این باعث شد برندها از دست بروند. از طرف دیگر با توجه به فعالیتی که شرکت ها دارند و نمی خواهند تولیدشان متوقف شود، در حد کمی از روغن موتور داخلی، از روغن تصفیه دوم استفاده می شود و این امر اجتناب پذیر نیست. اینکه این کار درست است یا خیر، قابل قضاوت نیست و جای بحث بیشتری دارد. درواقع نیاز است که این حرکت سامان دهی شود ولی باز هم نیاز به یک تشکل و کارشناسی برای فهمیدن اینکه درواقع چه مقدار از این روغن باید وارد و چه مقدار استحصال شود، وجود دارد. از یک طرف این کار برای برخی دارای منافع است و از طرف دیگر باعث بالا رفتن قیمت روغن

روغن کار کرده صنعتی و موتور را روغن سیاه نیز می نامند که در ایران به روغن سوخته مشهور شده است. روغن کار کرده موتور قسمت عمده این روغن ها را تشکیل می دهد. نوع سوخت و کیفیت آن، همچنین وضعیت مکانیکی موتور در میزان آلودگی روغن موثر است. گازهای حاصل از سوخت که وارد روغن می شود موجب اسیدی شدن روغن می گردد، ذرات فلز در حرارت زیاد و در مجاورت اکسیژن به عنوان کاتالیزور عمل می کند و موجب تشکیل مواد آسفالتی و لجن می شود که به نوبه خود گرانروی روغن را افزایش می دهد. روغن موتور کار کرده مرکب از مولکول های روغن پایه (که بدون تغییر مانده اند و می باید باز یافت شوند)، مولکول های اکسیده شده و بسپارها (هم چون پلی الفین ها و پلی متاکریلات، که به عنوان مواد افزودنی برای بهبود بخشیدن به شاخص گرانروی (VI) و نقطه ریزش به روغن اضافه می شود) است.

روغن کار کرده چون دارای مواد افزودنی مضر است، آب و خاک را آلوده می کند. هر گالن روغن کار کرده می تواند ۲۵۰ هزار گالن از آب های زیرزمینی را آلوده کند و رسوب آن در خاک مانع نشو و نمو گیاهان شود. بنابراین دور ریختن آن در کشورهای صنعتی به طور قانونی ممنوع شده است. سوزاندن آن نیز خطرناک و مضر است. زیرا روغن کار کرده مخلوطی ناهمگن از اجزایی با نقطه اشتعال پایین مانند بنزین و حلال های سبکی است که سوختن آنها می تواند با انفجار توأم باشد. از طرفی، هر چند سوزاندن روغن ها مانع از آلوده شدن آب و خاک است ولی این عمل موجبات

اولویت سرمایه گذاری در بالادستی یا پایین دستی، کدام؟

دستی و پایین دستی توسعه متوازی داشته باشند، ایران به عنوان یک قطب بزرگ پتروشیمی در سطح منطقه می تواند در عرصه بین المللی نیز حضوری پررنگ تر داشته باشد.

مرضیه شهادایی مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی معتقد است: صنعت پتروشیمی یکی از ستون های تاثیر گذار در اقتصاد ایران است و این صنعت موفق شده است سهم عمده ای از صادرات غیر نفتی را به خود اختصاص دهد و در سال های اخیر نقش صنعت پتروشیمی ایران در سطح منطقه و جهان پررنگ تر از گذشته شده است.

این امر بسیار بدیهی و روشن است که باید توسعه میادین نفت و گاز در اولویت قرار گیرد تا بتواند خوراک مجموعه های پتروشیمی قرار گیرد اما به نظر اگر سرمایه گذاری ها به صورت موازی و سازمان یافته تر صورت گیرد روند کار مناسب تر خواهد بود زیرا مزیت نسبی این صنعت به قدری بالاست که می تواند بازتاب بسیار مناسبی را در مجموعه کلان اقتصاد از خود نشان دهد.

در دوران تازه که برجام رنگ و لعابی دیگر به کشور داده است و در تمام حوزه های اقتصادی تکاپویی آغاز شده انتظار این است که پتروشیمی ایران نیز موتور اقتصادی را روشن کند و بخش های دیگر صنعت کشور را توسعه دهد.

و کار و صادرات نفتی و غیر نفتی را رونق بخشیم سرمایه گذاری در بخش پایین دستی و جلوگیری از خام فروشی در اولویت است. بدین ترتیب اگر بخواهیم سرمایه جذب کنیم چه بهتر سیاستی را اتخاذ نماییم تا سرمایه ها به این بخش هم جذب شود.

محمد بیاتی کارشناس ارشد حوزه صنعت نفت، گاز و پتروشیمی درباره اهمیت بخش پتروشیمی در اشتغال پایدار می گوید: کاهش هزینه های تولید همراه با تکمیل زنجیره ارزش در صنایع مادر یک اولویت است به دلیل این که خلق ثروت و ایجاد اشتغال از پیامدهای مثبت این روند خواهند بود. اتکا و استفاده حداکثری از توان داخلی، بهره مندی از خلاقیت جوانان و تجربه تحریم ها کمک خواهد کرد تا سیاست های اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی و پتروشیمی محقق شود.

وی می افزاید: صنعت پتروشیمی ایران آماده جذب سرمایه گذاری های جدید داخلی و خارجی است زیرا سرمایه گذاری در این صنعت به عنوان یک صنعت رو به رشد و سودآور می تواند زمینه را برای تحقق اقتصاد مقاومتی و کاهش خام فروشی فراهم کند، بارها گفته ایم که صنعت پتروشیمی می تواند به صورت همزمان نیاز داخل، اشتغال و صادرات را هدایت کند و اگر بخش های میان

پس از روی کار آمدن دولت یازدهم بیشتر دغدغه ها به سمت افزایش صادرات نفت و توسعه میادین و همچنین افزایش سرمایه گذاری خارجی در بخش بالادستی صنعت نفت معطوف شد در حالی که اهمیت به این موضوع منجر به مغفول ماندن بخش پایین دستی و نبود ساز و کار مناسبی برای تکمیل پالایشگاه های داخلی و همچنین توسعه فناوری و اشتغال شد.

محمدباقر نوبخت در سخنانی ظرفیت های جدید پیش بینی شده برای سرمایه گذاری در نفت را در قالب لایحه بودجه ۹۵ و برنامه ششم توسعه اعلام می کند که یکی از مزیت های سرمایه گذاری در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز است، شاید واضح باشد که صنعت نفت به سرعت پس از رفع تحریم هادر صدد افزایش تولید بر آمد و تمام توان خود را به این افزایش و حفظ آن در بازار معطوف کرد، پر واضح است که چنین اقدامی باید صورت می گرفت.

این طور که به نظر می رسد وزارت نفت، درباره برخورداری از سرمایه گذاری های مختلف اعم از داخلی و خارجی گام های بزرگی برای افزایش ظرفیت تولید نفت بر می دارد اما از سوی دیگر بارها از زبان مسئولان و متولیان امر شنیده ایم که اگر بخواهیم اشتغال، افزایش تولید، توسعه کسب

محمد لاهوتی:

بخش خصوصی اهل هیاهو نیست



عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران گفت: «بخش خصوصی ایران همیشه مدعی خردورزی و احترام به نظر کارشناسی بوده و امروز هم ما در مرحله آزمون قرار گرفته ایم و باید به خوبی نشان دهیم که صاحبان کسب و کار کشور خردمندانه، آرام، متین و منطقی هستند. بخش خصوصی اهل هیاهو نیست.»

مهم اقتصاد کشور در دوره زمانی کنونی، ایجاد آرامش و امنیت برای کسب و کار است. ما بارها اعلام کرده ایم که یکی از نگرانی های فعالان اقتصادی در تمامی برهه های زمانی، هیجانات ناشی از تغییر مدیران و اثرات بعدی آن است. بنابراین ما هم امروز با علم به این موضوع، نباید نظر احساسی یا غیر کارشناسی ارائه کنیم.»

رئیس کنفدراسیون صادرات ایران درباره انتخابات ۱۴ شهریور برای ریاست اتاق ایران می گوید: «بنا بر در مورد انتخابات تخصصی مانند اتاق ایران، نظر احساسی یا غیر کارشناسی ارائه کرد.»

محمد لاهوتی، عضو هیئت نمایندگان اتاق می گوید: «اتاق ایران باید برآیند خواسته ها و نظرات عمومی فعالان اقتصادی باشد و طبعاً فردی که به عنوان رئیس این نهاد انتخاب می شود نیز باید با رأی اکثریتی اعضای هیئت نمایندگان مشروعبیت، پیگیری مطالبات بخش خصوصی را پیدا کند. به خصوص اینکه با توجه به مشکلات پیش روی بخش خصوصی، نیاز است که رئیسی قوی، اهل عمل و صاحب نظر بر کرسی ریاست اتاق ایران تکیه بزند.

اگر قرار است بخش خصوصی ایران مطالبه گر و در واقع پیشانی ارائه راهبرد برای خروج از رکود باشد، قطعاً نیاز به فردی دارد که خصوصیات مدیری واقعی و عملگرا را داشته باشد.

رئیس کنفدراسیون صادرات ایران تصریح کرد: «همه فعالان بخش خصوصی می دانند که نیاز

سید امیر طالبیان، مشاور اجتماعی وزیر نفت

پروتکلی برای مسئولیت اجتماعی شرکت‌های خصوصی بخش انرژی وجود ندارد

سید امیر طالبیان، مشاور اجتماعی وزیر نفت است و سوابق علمی و تجربی گسترده‌ای در زمینه توسعه اجتماعی دارد. طالبیان معتقد است که بعد از انقلاب نگاه یک جانبه و اقتصادی بر توسعه حاکم بود و این امر پیامدهای منفی اجتماعی و زیست محیطی را به همراه داشت.

برای اولین سوال ما بپرسیم چرا امروزه موضوع مسئولیت اجتماعی در حوزه صنعت نفت تا این حد مهم شده است؟ نشانه‌های اهمیت آن هم سخنان مسئولان نفتی و همچنین برگزاری دو همایش تا کنون است. توسعه و نوسازی از جنبه فنی و اقتصادی آن نشان داده است که اثرات زیان‌باری بر انسان و زیست محیط داشته است و بنابراین باید علاوه بر نگاه فنی و مادی، نگاه انسانی و محیطی نیز به توسعه داشت تا بتوانیم توسعه انسانی و پایداری داشته باشیم. امروزه نسبت به اثرات نامطلوب توسعه بر حوزه انسانی و اجتماعی و زیست محیطی به ویژه در مناطق عملیاتی صنعت نفت، آگاهی و نگرانی به وجود آمده است. بنابراین اهمیت مسئولیت اجتماعی ناشی از این ضرورت و نیاز است که علاوه بر این که مبتنی بر پیامدهای عینی و نامطلوب توسعه بوده است، یک چرخش معرفتی و اندیشه‌ای و نگاه متفاوتی به توسعه از جمله در صنعت نفت نیز رخ داده است. بنابراین نگاه تک بُعدی به توسعه به نگاه چندبُعدی تغییر کرده است. در کشور ما به ویژه بعد از انقلاب نگاه یک جانبه و اقتصادی بر توسعه حاکم بود و پیامدهای نامطلوب و منفی آن امروزه مشخص شده است.

گفته می‌شود که صنعت نفت در گذشته به ویژه قبل از انقلاب برنامه‌های مسئولیت اجتماعی بیشتری داشته است و این برنامه‌ها امروزه ضعیف شده است و صنعت نفت مسئولیت اجتماعی کمتری انجام می‌دهد؟ این گفته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تاریخ سیاسی و اجتماعی صدساله اخیر ایران با تاریخ نفت عجین است. صنعت نفت نقش اساسی در تغییرات اجتماعی در ایران و از جمله در مناطق عملیاتی داشته است. در گذشته، نفت نه تنها بانی شکل‌گیری تأسیسات و امکانات شهری مدرن بوده است بلکه بانی تشکیل و تقویت هویت‌های اجتماعی و شهری هم شده است مثلاً در آبادان. می‌توان گفت که صنعت نفت باب ورود سبک زندگی و تنوع فرهنگی و اجتماعی در ایران بوده است به ویژه در شهرهای نفتی مثل آبادان. آبادان باب ورود پدیده

های مدرن در کشور می‌شود. در واقع صنعت نفت یک شهر مدرن می‌سازد به نام آبادان با این نگاه که این شهر الگویی مدرن باشد برای دیگر شهرهای ایران. عسویه به شیوه اقماری هستند، ۱۴ روز در محل کار و ۱۴ روز در شهر دیگری زندگی می‌کنند. یعنی محل کار و زندگی فرسنگ‌ها با هم فاصله دارند و کارکنان خود را متعلق به عسویه نمی‌دانند، بلکه خود را موقتی می‌دانند. کسانی که حضور خود را در جایی موقتی بدانند، برای توسعه اجتماعی آنجا هم کاری نمی‌کنند. یعنی ما بعد از انقلاب بیشتر از زمان قبل از انقلاب شاهد شهرک‌های نفتی توسعه یافته در کنار روستاها و شهرهای بومی توسعه نیافته و ایجاد تعارض‌ها و تقابل‌ها بودیم. و این به دلیل عدم داشتن نگاهی اجتماعی به توسعه صنعت نفت بود.

البته تأکید بر بهبود کیفیت زندگی نیروی کار و خانواده آنان از تعهدات شرکت‌ها در راستای نیل به اهداف مسئولیت اجتماعی است. اما به دلیل عدم داشتن دیدگاه اجتماعی و فرهنگی، مسائل شهرک نشینان شرکت نفت هم بسیار زیاد بوده است از جمله: تعاملات ضعیف بین شهرک نشینان و مابین شهرک نشینان با اجتماعات شهری و روستایی محلی، آسیب‌های اجتماعی، گسترش نارضایتی‌های روانی و غیره. بعدها برای کاهش این مسائل، این منازل را به اشخاص واگذار کردند و از حالت شرکتی صرف بیرون آمد. در نتیجه باید بگویم که بررسی این آسیب‌ها امروزه صنعت نفت را به این نتیجه رسانده است که سیاست‌های جداسازی کارکنانش و عدم توجه به اجتماع شهری و روستایی محلی تجربه مفیدی نبوده است و باید تجدیدنظر کنند. نفت با بن بست مشکلات و مسائل و آسیب‌های اجتماعی مواجه شده است، علاوه بر مسائل زیست محیطی که با توسعه پایدار منافات دارد. این مسائل و آسیب‌ها هم در مورد اجتماعات محلی است و هم در مورد کارکنان خود نفت و خانواده‌هایشان و هم درباره محیط زیست که آلودگی محیط زیستی ایجاد شده است.

بنابراین امروزه در صنعت نفت تفکر اجتماعی به وجود آمده است و برگزاری همایش مسئولیت اجتماعی نفت برای چاره‌جویی این مشکلات است که طی مطالعات و بررسی‌های مختلف شناسایی شده‌اند. تفکر مسئولیت اجتماعی در دولت رونق گرفته است و رئیس‌جمهور در افتتاح فاز جدید پارس جنوبی به این موضوع اشاره کرد که نفت باعث توسعه

می‌شود اما مردم مناطق نفتی نباید نادیده گرفته شوند. امروزه وزیر محترم نفت هم نظرشان این است که مجموعه نفت باید با مردم زندگی کند و به تقویت زیرساخت‌ها کمک شود. بنابراین نفت هر جا که وارد می‌شود باید به فکر توسعه اجتماعی باشد که آغاز این توسعه، تقویت زیرساخت‌ها است.

الان صنعت نفت برای مسئولیت اجتماعی اش چه سیاست‌هایی در پیش دارد؟

صنعت نفت دو راهبرد برای انجام مسئولیت اجتماعی دارد. این راهبردها، سیاست‌های اجتماعی جدید صنعت نفت است: ۱- تغییر سیاست‌اسکان از شهرک‌سازی به اسکان کارکنان و خانواده‌ها در شهرهای موجود در راستای ادغام آن‌ها با اجتماعات محلی و ۲- توسعه و تقویت زیرساخت‌ها و امکانات این شهرها جهت بهبود کیفیت زندگی هم مردم بومی و هم شهروندان شاغل در نفت (البته در حد توان نفت). همراه با این دو راهبرد، تعامل و مشارکت با دیگر دستگاه‌های دولتی برای تقویت زیرساخت‌ها نیز مورد نظر است. الان در مورد ایجاد زیرساخت‌ها و نگهداری و بهره‌برداری از آن‌ها مسئله است که آیا نفت باید همه این‌ها را انجام دهد یا مشارکتی باشد. دستگاه‌های دیگر چه نقشی دارند؟ این مسئله باید حل شود.

یعنی برای این که صنعت نفت بتواند مسئولیت اجتماعی اش را به خوبی انجام دهد، نقش دیگر نهادهای دولتی هم مهم است؟

خیلی مهم است. متأسفانه هر جا که صنعت نفت وارد شده است، دیگر دستگاه‌های دولتی با این انتظار که نفت باید همه مشکلات را حل کند، از زیر با مسئولیت شانه خالی کرده‌اند و نقش خودشان را انجام نداده‌اند. این یک آفت بوده است. البته رفتار خود صنعت نفت هم بوده است که این مشکل را ایجاد کرده. یعنی مردم و مسئولین از نفت انتظارات زیادی داشته‌اند و نفت هم بدون برنامه و طرح هر جا که توانسته وارد شده و در قالب پروژه‌های شهری و یا کمک‌های نقدی کار کرده است. اما این کمک‌ها و پروژه‌ها چون بدون نقشه راه بوده است و نقش نهادهای دیگر نامعلوم بوده است، انتظار از نفت را بالا برده است.

چون بحث دیگر نهادهای شد، در چارچوب مسئولیت اجتماعی نحوه تعامل صنعت نفت با مسئولین و نهادهای محلی و منطقه‌ای در مناطق نفت خیز مثلاً عسویه یا مناطق خوزستان الان چگونه است و چگونه باید باشد؟ یکی از مسائل ما الان این است که یک نقشه راه یا مدلی داشته باشیم که در آن نقش و وظایف هر نهادی مشخص باشد تا سوءتفاهم‌ها برطرف شود؛ سوءتفاهم‌هایی که الان هست و باعث می‌شود مسئولین نفت و محلی نتوانند تعاملات مثبتی داشته باشند. الان نظر نفت این است که توسعه اجتماعی ایجاد کند و زیرساخت‌ها ایجاد و تقویت شود. در این زمینه نقش دیگر نهادهای دولتی مربوطه کجاست و آن‌ها چه کار باید بکنند؟ این‌ها همه نشان می‌دهد که کارها باید بر اساس تفکیک وظایف باشد و سهم هر نهاد روشن شود. نفت باید بدانند حدش تا کجاست. سایر دستگاه‌ها هم باید وظایف خودشان را بدانند. الان بنای نفت این است که کارکنانش مثل

دیگر مردم در شهرها زندگی کنند نه در شهرک‌ها؛ کار اقماری هم می‌خواهیم نداشته باشیم. بنابراین شهرها باید توسعه یابند تا کارکنان تحصیل کرده نفت از زندگی در آنجا رضایت داشته باشند. ما باید بتوانیم عسویه را یک شهر بزرگ و مدرن کنیم، نخل تقی و شهر جم را باید توسعه بدهیم تا کارکنان نفت با رغبت تمام در این شهرها ساکن شوند. وقتی این کار را کردیم، خود به خود به مردم محلی هم خدمات زیادی ارائه کرده ایم.

پس به خاطر عدم شفافیت قواعد و نقش‌ها، رابطه بین صنعت نفت و مسئولین محلی و حتی نمایندگان مجلس تنش‌زا بوده است. آیا این مطلب صحیح است؟

بله تا حد زیادی درست است. چون سهم و نقش هر دستگاهی روشن نیست همه انتظارات از نفت است و به همین دلیل هم بین مسئولین نفتی و نمایندگان مجلس که نماینده حوزه انتخابیه همین مردم محروم هستند، مسئله و تنش وجود داشته است. اما اگر روند اصلاح شود این تنش‌ها کم می‌شود و تعاملات مثبت می‌شود. مسئولین محلی و نمایندگان مجلس در انجام انتظاراتی که از نفت می‌رود باید مشارکت داشته باشند. پروژه‌های عمرانی باید مشارکتی باشد نه این که همه را نفت انجام دهد. بالاخره دستگاه‌های دولتی در منطقه بودجه توسعه‌ای دارند و باید بخشی از کار را بر عهده بگیرند. از طرف دیگر هم نفت باید جامعه محلی را ببیند نه این که صورت مسئله را پاک کند و دور خود را فانس بکشد و خود را از جامعه جدا کند. اگر این اقدام دوسویه انجام شود، تعامل سازنده می‌شود. الان همکاران ما در نفت می‌گویند که شهرداری‌ها و نهادهای محلی، توانمندی و شایستگی اداره و مدیریت ندارند. توان مدیریت پولی که نفت به عنوان خدمت و کمک به شهر می‌دهد را ندارند و به همین دلیل هم پول‌ها را هدر می‌دهند. با این استدلال آن‌ها می‌گویند که پول به نهادهای محلی نمی‌دهند. این بهانه خوبی نیست. باید آن‌ها کمک کنند و نظارت کنند که این پول چگونه هزینه می‌شود. حتی شاید لازم باشد مدیریت شهری را تقویت کنیم. این هم در راستای توسعه اجتماعی است. چرا پایتخت انرژی کشور نباید یک شهرداری قوی داشته



باشد؟ البته این کارها را دولت باید انجام دهد اما نفت هم درگیر است. نباید امور را موقتی ببینیم و بگوییم حالا کمکی به این‌ها بکنیم تا ما سرمان خلوت شود! همچنین نباید نگاه ما به این منطقه و مردم، کارگاهی باشد. یعنی بگوییم، ما می‌آییم کار می‌کنیم و سپس می‌رویم.

در کشورهای دیگر که صنعت نفت فعالی دارند چه کار می‌کنند؟ آن‌ها در حوزه مسئولیت اجتماعی چگونه عمل می‌کنند؟

در دنیا مناطقی که صنعت نفت و گاز دارند به دلیل ارزش افزوده بالای این صنایع، مناطق توسعه یافته تری هستند. این از عواید غیرمستقیم نفت است و البته دولت در این بخش‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند. در مورد ایران برخی از کارهایی که صنعت نفت انجام داده و انتظار می‌رود که انجام بدهد، با تکالیف حکومتی موازی می‌شود. تأمین زیرساخت‌ها و وظایف نهادهای دولتی است. اما در مناطق نفتی این خواست‌ها را از نفت انتظار دارند چرا که نفت را دولت و دولت را نفت می‌بینند بنابراین همه انتظارات از نفت است. جالب است که بانک‌ها هم کلی درآمد و سود دارند اما کسی از بانک‌ها انتظار ندارد، مسئولیت اجتماعی بر عهده بگیرند.

یعنی لازم نیست وزارت نفت به عنوان بخشی از دولت، پروتکل یا چیزی شبیه به آن برای انجام مسئولیت اجتماعی شرکت‌های خصوصی یا دولتی داشته باشد؟

چرا ما در این زمینه کوتاهی داشته‌ایم و دولت و در اینجا وزارت نفت باید قوانین و بخشنامه‌هایی در راستای ایفای مسئولیت اجتماعی هم به شرکت‌های دولتی و هم به شرکت‌های خصوصی ابلاغ کند تا این موضوع شفاف‌تر و قانونی‌تر بشود. وزارت نفت می‌تواند پروتکل داشته باشد و همه بر اساس آن عمل کنند و ما الان به دنبال آن هستیم. در این پروتکل می‌توانیم سیاست‌های تشویقی و ترغیبی هم برای شرکت‌ها داشته باشیم. مثلاً شرکتی که سطح آلودگی‌اش را کاهش می‌دهد، برای یک یا دو سال عوارض کمتری بدهد. می‌تواند مصوبه مجلس هم بشود.

فوربیس گزارش داد:

کاهش نفوذ عربستان در بازار نفت با بازگشت دوباره ایران

فوربیس طی گزارشی از کاهش نفوذ عربستان در بازار نفت خبر داد و نوشت: بازگشت ایران به بازار نفت موجب شده تا عربستان نتواند مثل روزهای خوب گذشته اعضای اوپک را آنگونه که خود می خواهد دور هم جمع کند.

به نقل از پایگاه خبری فوربیس، عربستان قصد دارد برای تامین مالی طرح ویژن ۲۰۳۰ خود که وابستگی اقتصاد این کشور به نفت را کاهش خواهد داد، سهام شرکت دولتی سعودی آرامکو را به صورت عمومی در بورس به فروش برساند. موفقیت عرضه عمومی سهام شرکت آرامکو بستگی به وضعیت بازارهای نفت و سهام دارد. هرچه قیمت نفت بالاتر باشد، فروش سهام شرکت آرامکو با قیمتی بالا به سرمایه گذاران آسان تر است. خالد الفالح، وزیر انرژی عربستان در ماه ژانویه گفته بود: «زمان بندی عرضه عمومی سهام شرکت آرامکو بستگی به تعدادی از فاکتورهای خارجی از جمله وضعیت بازار سهام، چشم انداز قیمت نفت و آمادگی بازار سرمایه داخلی عربستان خواهد داشت

مشکل اینجاست که اکنون مثل گذشته، عربستان دیگر تنها بازیگر تاثیرگذار بازار نفت نیست که بتواند با کاهش و افزایش عرضه نفت خود بازار را تکان دهد. اکنون شرکت های تولید نفت شیل در آمریکا نقش مهمی در بازار ایفا می کنند. آنها آماده اند تا به محض افزایش قیمت ها، تولید خود را افزایش دهند.

این دقیقا همان اتفاقی است که در طی ۴ هفته گذشته رخ داده است. تعداد سکوها حفاری نفت در آمریکا بر اساس گزارش موسسه بیکر هاگز برای چهارمین هفته متوالی افزایش یافته است.

دیگر بازیگر تاثیرگذار در بازار نفت، ایران است که بعد از لغو تحریم ها مجدداً به بازار نفت باز گشته است. بازگشت ایران موجب شده تا عربستان نتواند مثل روزهای خوب گذشته اعضای اوپک را آنگونه که خود می خواهد دور هم جمع کند.

موضوع بدتر اینکه، ایران نیز آماده افزایش بیشتر تولید به محض رشد قیمت هاست. برای مثال در هفته منتهی به ۱۵ جولای قیمت نفت خام سبک ایران به ۴۳ دلار و ۱۹ سنت رسید که یک دلار و ۴۹ سنت نسبت به هفته قبل از آن کاهش داشت. هرچند خیلی زود است که بخواهیم پیش بینی کنیم در زمان عرضه عمومی سهام شرکت آرامکو قیمت نفت در چه وضعیتی قرار خواهد داشت، اما یک موضوع روشن است و آن اینکه بازار نفت مسیر ناهمواری را در پیش دارد



نادر قاضی پور عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی:

خروج پتروشیمی ها از بورس با شفافیت در تضاد است



نادر قاضی پور در باره اعمال فشار برای خروج محصولات پتروشیمی از بورس، افزود: براساس فرمایشات رهبر معظم انقلاب، تمام دستگاه ها باید برای اجرای درست اقتصاد مقاومتی و رسیدن به اهداف آن بسیج شوند، نه این که برای ضربه زدن به پایه های اساسی اقتصاد اصرار کنند. قرار است موضوع خروج محصولات پتروشیمی از بورس کالا با حضور فعالان صنعت پتروشیمی در شورای رقابت بررسی و نسبت به آن تصمیم گیری شود.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در ادامه با بیان اینکه بحث خروج محصولات پتروشیمی از بورس کالا، غیرمنطقی است، تاکید کرد: قیمت ها و روند معاملات در بورس کالا شفاف است. و بازار محصولات پتروشیمی پس از عرضه این محصولات در بورس کالا به تعادل رسیده است و بنابراین خروج حتی بخشی از معاملات پتروشیمی از بورس، بازار را آشفته و شرایط را پیچیده می کند.

عضو ناظر شورای رقابت با بیان اینکه با خروج محصولات از بورس کالا پای دلالت و رانت به بازار پتروشیمی باز می شود، گفت: اگر تلاش هایی برای خروج محصولات پتروشیمی از بورس صورت می گیرد، تحت فشار دست اندرکارانی است که از شفافیت معاملات بورس کالا متضرر می شوند. قاضی پور تاکید کرد: اگر در بورس کالا کم و کاستی هایی دیده می شود، باید از سوی فعالان و مسئولان مربوطه مرتفع شود، این کاستی ها، عامل برهم ریختن نظم بازار نیست و باید با حمایت از سازوکار بورس، زمینه تامین نیاز آسان تولیدکنندگان به مواد اولیه را فراهم کنند. وی با بیان این که اگر توزیع مواد اولیه به صورت

منطقی بین خریداران انجام شود دیگر جای هیچ شکایتی باقی نمی ماند، گفت: شفاف سازی اقتصاد به ویژه در بازارهای مالی یکی از بندهای مورد تاکید برای تحقق اقتصاد مقاومتی است که به طور حتم رویکرد کلی دولت نیز همین سیاست است. پیش از این، محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز به مخالفت قاطع دولت و مجلس با خروج پتروشیمی ها از بورس کالا اشاره کرده و گفته بود: همچنان خبرهایی درباره ادامه تلاش برخی افراد برای خروج معاملات محصولات پتروشیمی از بورس کالا به گوش می رسد که این تلاش ها جای تعجب دارد.

به گفته وی چارچوب معاملات در بورس کالا ایران مشخص است و این بازار کالایی منسجم، بر مبنای شفافیت بنا شده و این که عده ای با بهانه های مختلف به دنبال خروج بخشی از محصولات از بورس کالا هستند به هیچ عنوان قابل قبول نیست. وی افزوده بود: همچنین بورس کالا مدام با فعالان صنایع در ارتباط و تعامل نزدیک است و توانسته خواسته ها و نیازهای آنها را برای وظایف خود برآورده کند؛ برای مثال امروز در کنار معاملات نقدی، معاملات «سلف» و حتی قراردادهای بلند مدت نیز در بورس کالا انجام می شود به این ترتیب مشخص می شود افرادی که همچنان به دنبال خروج معاملات پتروشیمی از بورس کالا هستند، خواسته هایی دارند که فقط در بازار غیر شفاف خارج از بورس برآورده می شود. پورابراهیمی با بیان این که خروج معاملات پتروشیمی از بورس زمینه بازگشت رانت های کلان و ضربه زدن به پایه های اقتصادی کشور در شرایط حساس کنونی را مهیا می کند، گفته بود: با همه این تفاسیر، باید عنوان



نادر قاضی پور: چارچوب معاملات

در بورس کالا ایران مشخص است

و این بازار کالایی منسجم، بر مبنای

شفافیت بنا شده و این که عده ای با بهانه

های مختلف به دنبال خروج بخشی از

محصولات از بورس کالا هستند به هیچ

عنوان قابل قبول نیست

وزیر اقتصاد پرتغال در گفتگو با دنیای انرژی

فضای پسابر جام فرصت همکاری‌های بخش خصوصی را فراهم کرده است



پرتغال از جمله کشورهای جهان است که با مشکلات مالی سال ۲۰۱۱ ضمن مواجهه با چالش‌های عظیم در سال ۲۰۱۳ رتبه ۱۵۱ام اقتصاد جهانی را از آن خود کرد. اما تغییرات و جذب سرمایه‌گذاری و در عین حال توجه به بخش خصوصی در این کشور اقتصاد لیسیون را در سال ۲۰۱۴ میلادی به رتبه ۳۸ بازگرداند و آنطور که پیش‌بینی می‌شود این کشور قادر است پس از اعلام آمارهای سال ۲۰۱۶ موقعیت خود را چند پله دیگر ارتقا دهد. با توجه به توضیحات فوق و برای بررسی راه‌های همکاری‌های ایران و پرتغال در زمینه‌های مختلف به خصوص توسعه بخش خصوصی با مانوئل کادیرا کابرا ل وزیر اقتصاد پرتغال به گفتگو نشستیم. ایم که بخش‌هایی از آن را در زیر می‌خوانید. لازم است در خصوص اقتصاد پرتغال این نکته را نیز اضافه کنیم که این کشور که با کسری بودجه و کمک‌های خارجی از سال ۲۰۱۱ ادامه حیات داده است بودجه سال ۲۰۱۶ خود را بدون در نظر گرفتن طرح‌های ریاضت اقتصادی به تصویب رساند.

کشور شما با چالش‌های متعددی در زمینه‌های اقتصادی رو به رو بود. می‌خواهم بدانم چگونه بودجه سال ۲۰۱۶ شما بدون توجه به طرح‌های ریاضت اقتصادی رقم خورد؟ مسئله‌ای که در بودجه سال ۲۰۱۶ به آن توجه شد مثلث مقابله با بیکاری، افزایش درآمد‌های عمومی و کاهش بدهی‌های دولت بود. حل این سه مسئله خواهند توانست مشکلات ما را بهبود بخشند و در سال ۲۰۱۷ شرایط برای ما بهتر خواهد بود. ما با توجه به بودجه جاری می‌توانیم بخشی از تعهداتمان به اروپا را تصویه کنیم.

در خصوص تعهداتتان به اروپا صحبت کردید، چگونه اتحادیه اروپایی با بودجه شما موافقت کرد زیرا به نظر می‌رسید آنها چندان هم با طرح‌های شما موافق نیستند؟ من فکر می‌کنم پرتغال در حال برداشتن گام‌های مهمی است که از سوی عموم مردم مورد حمایت قرار گرفته است این مسئله را در نتیجه انتخابات ملاحظه کردید. آنچه من انتظار دارم آن است که با توجه به نظرات عمومی، کمیته اروپایی نیز از طرح ما حمایت کند تا ما بتوانیم گام موثری برای خروج از وضعیت ریاضتی برداریم. پرتغال کار خود را انجام خواهد داد و حتماً می‌دانید که این کار آسانی نیست. قطعاً تغییرات در رشد اقتصادی کار آسانی نخواهد بود اما کشورهای اروپایی در حال انجام این مسئله هستند. در همین حال نباید فراموش کنیم که کار ما از دیگران سخت‌تر است زیرا ما می‌خواهیم تولید ناخالص مان را بیشتر از دیگران افزایش دهیم. این مسأله کار دشواری است اما برای ما بسیار خوشایند خواهد بود.

بگذارید کمی واضح‌تر بپرسم یعنی شما به دوران ریاضت اقتصادی باز نخواهید

گشت؟ زیرا مردم پرتغال به شما رای دادند تا از چالش‌های ریاضت اقتصادی خارج شوند در حال حاضر جامعه پرتغال نیز در خصوص آینده ریاضت بلا تکلیف است. برخی از آن حمایت می‌کنند و گروهی نیز با آن مخالف هستند. در حال حاضر رشد اقتصادی شما بسیار به آرامی در حال بالا رفتن است و میزان بیکاری نیز به همین شکل کاهش اندکی داشته است. رشد اقتصادی که به سختی ۲٫۶ را نشان می‌دهد.

شغل‌های واقعی زمانی ایجاد می‌شوند که سرمایه‌های واقعی وارد یک کشور شوند. ما در پرتغال ورود فولکس واگن را داریم آنها قصد دارند تا در پرتغال خودرو مونتاژ کنند. در همین حال شرکت آلمانی بوش هم به پرتغال آمده است تا محصولات لوازم خانگی را در این بازار تولید کند. در عین حال توریسیم و حضور کارشناسان و خبرنگاران در مجموع به رشد اقتصادی پرتغال کمک خواهد کرد.

به مسئله توریسیم و سرمایه‌گذاری اقتصادی اشاره کردید. در خصوص همکاری‌های اقتصادی میان ایران و پرتغال و درس‌های متقابل دو کشور از یکدیگر توضیح دهید.

ما از حامیان برداشته شدن تحریم‌ها بوده ایم و این مهم به همکاری‌های اقتصادی و همکاری‌های بخش‌های خصوصی کمک خواهد کرد. همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور می‌تواند در عرصه‌های مختلف از جمله توریسیم، انرژی و مدیریت آب و بخش‌های کلان‌تر پیش‌رود. ما چهار مأموریت را برای ورود در بازار ایران تعریف کرده‌ام که نشان از اهمیت اقتصاد ایران برای ما دارد. در همین حال نباید از نظر دور داشت که بعد از به پایان

رسیدن چهار مأموریتی که در خصوص آن اشاره کردم بخش خصوصی و تجارت‌های کوچک و متوسط می‌توانند با اطلاعات و دانش بیشتری برای سرمایه‌گذاری واقعی وارد عمل شوند. بازار ایران با توجه جایگاه جغرافیایی آن اهمیت بسیار زیادی دارد و این کشور می‌تواند هاب منطقه‌ای برای کالاها و تولیداتی باشد که با سرمایه‌های پرتغال تولید می‌شوند. سفر وزیر خارجه پرتغال به تهران نیز نشان از اهمیت ویژه تهران برای لیسیون دارد و حتی صحبت‌هایی در خصوص ایجاد پروازهای مستقیم میان دو کشور شده است.

از توضیحات کامل شما متشکرم باز می‌گردم به مسئله اروپا آیا فکر می‌کنید مشکل بانک‌های پرتغال حل شده است؟ زیرا خبرهای خوبی از بانک‌های ایتالیایی به گوش نمی‌رسد اگر این بانک‌ها با چالش مواجهه شوند بانک‌های یونانی نیز به مشکل می‌خورند و این مسئله بانک‌های پرتغال را نیز در بر می‌گیرد.

مشکلات اقتصادی و مسائلی که در اقتصاد برخی از کشورها به صورت ریشه‌ای وجود دارد به سادگی از میان نمی‌روند و باید برای آنها عزم جدی داشت. ما در حال ترویج سرمایه‌ها از طریق سیستم مالی هستیم که این مسئله برای کشورهای دیگر نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. به طور قوی این ادعا را رد می‌کنیم که ارتباط میان بانک‌های پرتغال با ایتالیا و یونان وجود دارد و من اصلاً نمی‌دانم در این کشورها چه می‌گذرد. اما من فکر می‌کنم برخی از پیوستگی‌ها و پیوندهای ریشه‌های اقتصادی ندارد. بسیاری از مشکلاتی که اکنون بانک‌های ما با آن مواجهه هستند قابل پیش‌بینی بود و برخی از آنها نیز خیر، اما چیزی که وجود دارد آن است که ما در حال تغییر هستیم و این مهم به طور کلی چالش برانگیز است.



در نشست اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی با حضور خبرنگاران مطرح شد

گمرک باید برای صادرات تسهیلات قائل شود



نبود نظام رگولاتوری در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی یکی از مهم‌ترین مشکلات فعالان این صنعت است و باتلاش فعالان بخش خصوصی به‌زودی رگولاتوری نفت با مشارکت فعالان تشکلهای تخصصی در شورای رقابت تشکیل خواهد شد. سیدحمید حسینی، عضو هیئت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی با اعلام خبر تشکیل رگولاتوری فرآورده‌های نفتی با مشارکت بخش خصوصی گفت: نبود نظام رگولاتوری در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی موجب بروز مشکلات متعددی در فعالیت‌های اقتصادی این صنعت شده است.

از زمان ایجاد شورای رقابت قرار بود نظام رگولاتوری این صنعت توسط نهادهای فعال ایجاد شود ولی تاکنون این نظام ایجاد نشده است. اما در جلسه‌ای که هفته گذشته در شورای گفتگو با حضور نمایندگان وزارتخانه‌های نفت، صنعت، سازمان سرمایه‌گذاری و مرکز پژوهش‌های مجلس برگزار شد شورای رقابت اعلام کرد که مقدمات ایجاد نظام رگولاتوری در صنعت نفت و برق را فراهم کرده، بنابراین امروز نمایندگان تشکلهای صنایع پایین‌دستی نفت نشستنی را با رئیس و اعضای شورای رقابت داشتند و در مورد ساختار و وظایف این نهاد تبادل نظر و همفکری کردند و در نهایت اعلام شد که یک هیئت مستقل هفت نفره مسئولیت نظارت و تنظیم قوانین را بر عهده گیرد ولی در مواردی که نیاز به داورى و حکم است قضات عضو شورای رقابت اقدام کنند. حسینی

شود. گلچین از آخرین جلسه برگزار شده با مسئولان شرکت پالایش و پخش نیز مواردی را اعلام کرد و گفت: براساس این نشست مقرر شد در برگزاری جلسات آتی برای تعیین قیمت خوراک مورد نیاز واحدهای اتحادیه، از نماینده اتحادیه نیز نظرخواهی شود و ما تلاش داریم این نقش را به خوبی ایفا کنیم. وی درباره میزان صادرات فرآورده‌های نفتی و بازارهای هدف با بیان اینکه تلاش داریم بازارهای قدیمی از جمله هند را احیا کنیم، گفت: متأسفانه گمرک آمار دقیقی از وضعیت صادرات ارائه نمی‌کند، با این حال در حال حاضر عمده تجارت ما با کشورهای چین و امارات، کشورهای آسیای شرقی و روسیه در حال انجام است و تلاش داریم محصولاتمان به اروپا نیز صادر شود به شرط اینکه مشکلات بانکی حل و فصل شود. آنچه مانع صادرات ما می‌شود، عدم رفع تحریم‌های بانکی و سوئیفت است، زیرا مشتری‌های ما قادر به بازگشایی ال‌سی نیستند. حسن تاجیک، دیگر عضو اتحادیه درباره تعاملات میان دولت با اتحادیه به اثرات فعالیت اتحادیه در صادرات فرآورده‌های نفتی اشاره کرد و گفت: تعاملی که ما با دولت داشته‌ایم خودخواسته بود و ما دائم در حال تحمیل خود به دولت هستیم.

قوانین به‌گونه‌ای است که با سلیقه مجریان تهیه شده است. متأسفانه بخش دولتی حاضر نیست خوراک مورد نیاز واحدها را به میزان نیاز و براساس توافقات صورت گرفته تامین کند. مهدی اسپندیاری، دبیرکل اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی نیز در این نشست درباره قراردادهای جدید نفتی گفت: این قراردادها در بالادستی نفت صورت خواهد گرفت اما اثراتی در پایین دستی خواهد داشت به طوری که منجر به رونق صادرات فرآورده‌های نفتی خواهد شد. وی با بیان اینکه اتحادیه از وزارت نفت در تمامی عرصه‌ها حمایت کرده است، افزود: انتظار داریم دولت به این بخش بپا بدهد و از توانمندی‌های بخش خصوصی استفاده



احمد صرامی می‌گوید بخش خصوصی به دلیل برقراری ارتباط با کشورها و شرکت‌های خارجی از جایگاه خاصی برخوردار است اما یادمان باشد که هر سرمایه‌گذاری خارجی به دنبال امنیت است و می‌خواهد بداند که خوراک مورد نیاز چگونه تامین خواهد شد

کند. البته توانمند شدن این بخش به چند عامل مهم بستگی دارد که می‌توان به تامین خوراک مورد نیاز و ارائه تسهیلات بانکی و صادراتی اشاره کرد. احمد صرامی دیگر عضو هیئت‌مدیره اتحادیه در نشست با بیان اینکه سرمایه‌گذاری در کشور بعد از برجام شکل بهتری به خود گرفته است، گفت: بخش خصوصی به دلیل برقراری ارتباط با کشورها و شرکت‌های خارجی از جایگاه خاصی برخوردار است اما یادمان باشد که هر سرمایه‌گذاری خارجی به دنبال امنیت است و می‌خواهد بداند که خوراک مورد نیاز چگونه تامین خواهد شد.

خوشبختانه ریسک سرمایه‌گذاری در کشور ۳درصد کاهش یافته است و این می‌تواند کمک‌کننده حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور باشد. وی همچنین تأکید کرد: باید موانع داخلی را مرتفع سازیم تا بتوانیم منابع داخلی را جذب کنیم. خوشبختانه درآمدهای اتحادیه در سه ماهه امسال نسبت به سال قبل رشد قابل توجهی داشته است. بدون شک با حل مشکلات ارزی و بازگشایی ال‌اسی تجارت ما ۱۰ برابر رشد خواهد داشت. عباسعلی اسلامی



دیگر عضو هیئت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی نیز با بیان اینکه دولت‌ها می‌توانند با ارائه تسهیلاتی به صادرات رونق ببخشند، تأکید کرد: قوانین و مقررات در صادرات دست و پا گیر هستند، صادرکنندگان در ایران با قوانین خلق الساعه‌ای مواجه می‌شوند، به طوری که در مدت زمان یک هفته‌ای با ابلاغ بخشنامه‌ای شرایط برای صادرات سخت‌تر می‌شود.

وی با بیان اینکه ما به تحریم‌های خارجی عادت کرده‌ایم و می‌دانیم با مشتری‌های خود چگونه وارد تعامل شویم، اعلام کرد: در سایر کشورها با کاهش یا افزایش نفت، قیمت فرآورده‌های به‌روز تغییر می‌یابد اما در کشور ما این گونه نیست، ما با برنامه‌ریزی و کاهش قیمت مشتری‌هایمان را ننگه داشته‌ایم. همچنین احمد ابوترابی دیگر عضو هیئت‌مدیره اتحادیه نیز در این نشست ضمن تشکر از همکاری ستاد مبارزه با کالای قاچاق، گفت: روی کاغذ توافقات و مذاکرات خوبی صورت می‌گیرد اما وقتی به اجرا نگاه می‌کنیم خروجی را شاهد نیستیم. واحدهای ما با مشکلاتی مواجهند که به راحتی این مشکلات قابل حل هستند. برای نمونه می‌توان با ارائه تسهیلات و اعتبارات کم‌بهره باعث تولید شد یا می‌توان با روان‌سازی در صادرات پایین‌دستی به رونق کمک کرد اما این اقدامات انجام نمی‌شود. وی با بیان اینکه شرکت ملی نفت بخش خصوصی را رقیب خود می‌داند، افزود: گمرک باید برای صادرات تسهیلات قائل شود. حسین منبری دیگر عضو هیئت‌مدیره اتحادیه با اشاره به بازی دلالتان در بازار روغن کار کرده، گفت: با تلاش اتحادیه ۷۰۰ هزار تن روغن کار کرده هر سال به جای ورود به محیط زیست، مجدد برای استفاده در خودروها تصفیه می‌شود اما ما در تامین خوراک مورد نیازمان با دلالتانی مواجه هستیم که نمی‌دانیم با آنها چه بایدکنیم. وی گفت: دولت باید چرخه معیوب در روغن کار کرده را اصلاح کند، در غیر این صورت مشکلات ادامه خواهد داشت.





سفیر ایران در اسلام آباد در گفتگو با دنیای انرژی:

پاکستان متقاضی فرآورده‌های نفتی ایران است

مهدی هنر دوست دیپلماتی برجسته و با سابقه است که در شرایط حساس کنونی هدایت سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاکستان را بر عهده دارد. این دیپلمات با حوصله به سوالات دنیای انرژی پاسخ گفته و سعی کرده است تا برنامه های سفارتش در اسلام آباد را در تقویت بخش خصوصی و همکاری های فرآورده های انرژی میان ایران و پاکستان تشریح کند.

سیاسی میان هند و پاکستان در عدم تحقق این موضوع بی تاثیر نبوده است. ایران با صرف هزینه ای به مبلغ ۲ میلیارد دلار اقدامات لازم را برای اجرایی شدن قرارداد صادرات گاز به پاکستان انجام داد و قرار بود این خط لوله از بهار سال ۱۳۹۳ اجرایی گردیده و بر اساس آن روزانه بیش از ۲۰ میلیون متر مکعب گاز به پاکستان صادر شود اما فشارهای سیاسی و دخالت های برخی کشورها در پاکستان برای عدم اجرایی شدن قرارداد گازی ایران - پاکستان را می توان مهمترین عامل عملیاتی نشدن خط لوله گاز ای پی دانست. البته باید خاطر نشان کرد که ایران برای فروش گاز مازاد خود هیچ مشکلی ندارد و مشتریان متعددی خواهان گاز ایران هستند اما ما معتقدیم هر مقدار پیوندهای اقتصادی میان دو کشور

مستحکم تر گردد ره آورد آن امنیت، ثبات و رفاه بیشتر برای منطقه خواهد بود و علاوه بر آن اجرا و تکمیل این طرح می تواند نقطه عطفی برای حل بحران انرژی پاکستان باشد و به رونق تولید و فضای کسب و کار در این کشور کمک کند. لذا با توجه به عزم دو کشور برای بهبود پیوندهای بازرگانی، لازم است تلاش هایی بیشتر برای اجرایی شدن خط لوله گاز ایران - پاکستان انجام شود.

طرف پاکستانی چه تسهیلاتی برای بخش خصوصی انرژی ایران فراهم کرده است و نقش اتاق های بازرگانی را در این مسیر چگونه ارزیابی می کنید؟

بخش خصوصی ایران ظرفیت های زیادی در صدور فرآورده های مختلف نفتی به دیگر کشورها از جمله پاکستان دارد اما صدور برخی از

این فرآورده ها به جهت آماده نبودن برخی از زیر ساخت ها در مبادی مرزی با برخی مشکلات روبه روست. البته بازگشایی مرز ریمدان از سوی کشورمان تا حدودی این مبادلات را می تواند تسهیل نماید اما لازم است اقداماتی نیز از سوی طرف پاکستانی متقابلاً صورت گیرد. در این میان اتاق های بازرگانی نیز با نظارت بر فعالیت های صادرکنندگان بخش خصوصی می توانند نقش موثری در ادامه و حفظ بازار ایران در این کشور داشته باشند. در حال حاضر عمده صادرات lpg ایران به پاکستان توسط بخش خصوصی صورت می گیرد که با توجه به بازار مصرف قابل توجه این محصول در پاکستان صادرکنندگان ایرانی می توانند حضور قوی تری در این عرصه داشته باشند.

- فرصت های صادراتی محصولات انرژی ایرانی در پاکستان چیست و ما تا چه اندازه در حضور در این بازار موفق بوده ایم؟

تقریباً برای اکثر محصولات انرژی و فرآورده های هیدروکربنی ایران در کشور پاکستان تقاضا وجود دارد و صنایع این کشور متقاضی محصولات مذکور هستند لیکن هنوز برخی از مشکلات از قبیل عدم برقراری مبادلات بانکی و مشکل انتقال وجه و علاوه بر آن کمبود اطلاعات دو طرف از پتانسیل های یکدیگر سبب شده است تا بسیاری از این متقاضیان تلاش مناسبی برای ورود به بازار ۲۰۰ میلیونی پاکستان نداشته باشند. در این رابطه لازم است تا تجار و بازرگانان ایرانی با توجه به اهمیت افزایش مبادلات فی مابین دو کشور همسایه ایران و پاکستان با انگیزه بیشتری به این بازار رو آورند که بلاشک با توجه به پتانسیل فراوان موجود در هر دو طرف می توان آینده روشنی را در باب همکاری های دو جانبه انتظار داشت.

شایان ذکر است ال پی جی و صادرات برق موفق ترین کالاها در بخش انرژی و قیر در بخش فرآورده های نفتی از مهمترین محصولات صادراتی ما به پاکستان بوده اند. در این خصوص لازم به ذکر است که در جریان سفر اخیر رئیس جمهور محترم کشورمان به پاکستان، دو طرف بر پیگیری موضوع افزایش صادرات برق ایران به پاکستان تاکید داشتند و مذاکرات برای نیل به توافق نهایی در این باره در دست انجام است.

البته لازم است تاکید نمایم با توجه به گرانی قیمت برق و کمبود بسیار آن در پاکستان، یک فرصت طلایی برای سرمایه گذاران بخش خصوصی برای ساخت ژنراتورهای گازی در نزدیکی نقاط مرزی بویژه چابهار و صادرات برق به پاکستان فراهم شده است که نباید این فرصت گرانپا را از دست دهند.

- زمانی که از فرصت ها صحبت می کنیم مسائل مهمی چون موانع نیز مطرح می شود. موانع پاکستانی که در بازار این کشور برای محصولات پتروشیمی ایرانی وجود دارد چیست؟ آیا رقبای ما نیز با چنین موانعی رو به رو هستند؟

مهمترین نقیصه در این حوزه و در بسیاری دیگر از حوزه های تجاری میان دو کشور همانگونه که گفته شد مشکلات بانکی، تجارت تعرفه ای، موانع

گمرگی، عدم وجود موافقتنامه تجارت آزاد و کم علاقمندی تجار ایرانی برای حضور در بازار پاکستان است. با تعاملات و رایزنی هایی که با بخش بانکی داریم امیدواریم بر اساس توافق حاصله مشکلات بانکی به زودی مرتفع گردد. البته باید توجه شود که رقبای ما با این مشکل یعنی موانع بانکی مواجه نیستند و طبعاً با دست بازتری در بازار پاکستان فعال هستند. ضمن آنکه افزایش صادرات LNG قطر به پاکستان در کنار فشارهای سیاسی مانع از تلاش لازم پاکستان برای اجرای پروژه ای پی و نیز تنوع بخشی به منابع تامین انرژی مورد نیاز خود شده است.

در زمینه صادرات محصولات پتروشیمی نیز ظرفیت بازار پاکستان بسیار بالاست. در مبحث رقابت در فروش محصولات پتروشیمی مانع قابل توجهی به چشم نمی خورد و بیشتر نیازمند تلاش بیشتر شرکت های ایرانی برای بازاریابی محصول و افزایش سهم بازار می باشد.

- در پایان می خواهیم در خصوص دیپلماسی اقتصادی سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاکستان بپرسیم آیا اهداف مشخصی برای پیوند بخش خصوصی ما با بخش خصوصی و تجارت خرد پاکستان در زمان سفارت شما وجود دارد می توانید ایسن برنامه را برای ما تشریح کنید؟

سؤال بسیار خوبی مطرح کردید. در حقیقت با توجه به سیاست های بالادستی نظام در مبحث اقتصاد مقاومتی و نیز تحولات صورت گرفته در فضای پسا برجام، تمرکز بر تقویت همکاری های اقتصادی دو کشور به ویژه بخش های خصوصی دو طرف به عنوان یکی از اصلی ترین محورهای فعالیت سفارت کشورمان تعریف شده است. سهم بسیار مهمی که بخش های خصوصی دو کشور در توسعه مناسبات تجاری دارند، ضرورت تدارک بسترهای لازم جهت تحقق هر چه بیشتر تماس ها با بخش های خصوصی را ناگزیر می سازد و در این ارتباط تعامل و رایزنی با بخش های اقتصادی و تجاری خصوصی و نیز اتاق های بازرگانی دو کشور با تمام توان در دستور کار قرار گرفته است که ان شاء... در آینده ای نه چندان دور شاهد ثمر دهی این اقدامات خواهیم بود.

در رابطه با برنامه های در دست پیگیری در خصوص تقویت تعاملات میان اتاق های بازرگانی دو کشور نیز باید خاطر نشان نمایم که متعاقب تفاهات صورت گرفته در جریان سفر اخیر رئیس جمهور محترم کشورمان، مبنی بر گسترش ارتباطات میان اتاق های بازرگانی دو کشور، ما شاهد سفر چند هیئت تجاری از اتاق های بازرگانی میان دو کشور بودیم و بهبود و افزایش اینگونه تعاملات و رایزنی ها در دست پیگیری مستمر این سفارت قرار دارد. همچنین طی ماه های اخیر با هدف پیگیری و عملیاتی کردن تفاهات یاد شده چندین ملاقات با روسای اتاق های بازرگانی از جمله روسای فدراسیون اتاق های صنایع و بازرگانی پاکستان و اسلام آباد صورت گرفت که امیدواریم به تسریع این روند کمک نماید. علاوه بر آن تقویت فعالیت های بخش خصوصی

و اطلاع رسانی مستمر به آنها و برقراری ارتباطات بیشتر میان بخش های خصوصی دو کشور نیز بطور جدی پیگیری و دنبال می گردد. طی نیمه اول سال جاری با هدف تحکیم ارتباطات اقتصادی و آشنایی با فرصت های اقتصادی و سرمایه گذاری در کشورمان چندین هیئت تجاری از پاکستان به کشورمان عزیمت نمودند. علاوه بر آن در این رابطه یک بانک اطلاع رسانی جامع برای پاسخگویی به درخواست های تجار دو کشور تهیه گردیده است تا در کمترین زمان ممکن اطلاع رسانی مورد نیاز تجار و بازرگانان دو کشور انجام پذیرد. ضمن اینکه با توجه به کارایی بالای تعاملات بخش های خصوصی و با توجه به ویژگی های اقتصادی دو کشور که می تواند مکمل یکدیگر باشند مذاکراتی در دست انجام است تا ان شاء الله در جریان برگزاری بیستمین نشست کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور در تهران که به زودی صورت خواهد گرفت، حضور و فعالیت بیش از پیش بخش های خصوصی دو طرف را شاهد باشیم.

از سوی دیگر تدوین طرح تقویت و ارتقاء مناسبات اقتصادی دو کشور در چارچوب استراتژی ۵ ساله برای رساندن حجم مبادلات دو کشور در گام اول به ۵ میلیارد دلار که در جریان سفر اخیر رئیس جمهور کشورمان به پاکستان مورد توافق مقامات عالی ایران و پاکستان قرار گرفت تحول مهمی در توسعه مناسبات تجاری دو کشور بوجود خواهد آورد.

نظر به اینکه هم اکنون رایزنی ها برای دستیابی به موافقتنامه تجارت آزاد میان دو کشور با تلاش فراوانی در دست پیگیری است باید تاکید کنم در صورت دستیابی به این هدف ما شاهد اثرات مثبت متعدد آن خواهیم بود. کاهش قابل توجه قاچاق کالا، رونق تجارت مرزی، کاهش جرم و جنایات ناشی از بیکاری در نواحی مرزی، در نظر داشتن ملاحظات بهداشتی (که متأسفانه به جهت قاچاق برخی از اقلام غذایی سلامت جامعه را می تواند تهدید نماید) و افزایش درآمدهای دولتی از جمله پیامدهای مثبت دستیابی به این موافقتنامه خواهد بود.



تقریباً برای اکثر محصولات انرژی و فرآورده های هیدروکربنی ایران در کشور پاکستان تقاضا وجود دارد و صنایع این کشور متقاضی محصولات مذکور هستند لیکن هنوز برخی از مشکلات از قبیل عدم برقراری مبادلات بانکی و مشکل انتقال وجه و علاوه بر آن کمبود اطلاعات دو طرف از پتانسیل های یکدیگر سبب شده است تا بسیاری از این متقاضیان تلاش مناسبی برای ورود به بازار ۲۰۰ میلیونی پاکستان نداشته باشند



مدیر اچ اس ای شرکت ملی پتروشیمی ایران:

واگذاری به بخش خصوصی یعنی پویایی و چابکی بیشتر

حوادث سریالی در صنعت پتروشیمی که از پتروشیمی بوعلی در ماهشهر آغاز شد و به پتروشیمی بیستون و خط لوله اتیلن در غرب کشور رسید و دوباره به پتروشیمی بندر امام در همان ماهشهر بازگشت؛ اگر چه حوادث بی سابقه‌ای نبود؛ اما توالی این حوادث پرسش برانگیز شد. برخی شرکت ملی صنایع پتروشیمی را مقصر شمردند و برخی انگشت اتهام را به دلیل بی توجهی به الزامات ایمنی در پتروشیمی‌های خصوصی شده به سمت بخش خصوصی نشانده رفتند. هر چند دلایل بروز این حوادث هنوز به طور دقیق اعلام نشده؛ اما مجموع مباحثی که درباره نقش شرکت ملی صنایع پتروشیمی و نقش بخش خصوصی در حوزه ایمنی در مجتمع‌های پتروشیمی و اختلاف نظرانی که درباره تبیین نکردن وظایف این دو صورت

گرفته، ما را بر آن داشت تا با مهم‌ترین مرجع نظارتی بر بخش ایمنی در شرکت ملی صنایع پتروشیمی، یعنی مهندس حمیدرضا عجمی، مدیر ایمنی، بهداشت و محیط زیست این شرکت، گفتگو کنیم تا نظرات او را در زمینه حوادث اخیر در صنعت پتروشیمی جویا شویم و اینکه هماهنگی بین دولت و بخش خصوصی در حوزه ایمنی در صنعت پتروشیمی چه راهکاری دارد. حمیدرضا عجمی دارای لیسانس مهندسی شیمی از دانشکده نفت آبادان و فوق لیسانس ام‌بی‌ای از دانشگاه کالگری کانادا است. او در حوزه‌های مختلف صنعت پتروشیمی سابقه فعالیت دارد. ابتدا در پروژه بازسازی پتروشیمی بندر امام جزء نیروهای ناظر بر پروژه ساخت در زنجیره پی‌وی‌سی و سپس سرپرست نوبت کاری عملیات تولید جمعا به مدت پنج‌ونیم سال

متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی نفت بود. از اواخر سال ۹۲ تا آبان ۹۴ رئیس کل امور آموزش و تجهیز منابع انسانی پتروشیمی بود تا اینکه از آبان ۹۴ مدیریت اچ‌اس‌ای شرکت ملی صنایع پتروشیمی را بر عهده گرفت. با مهندس عجمی در دفتر کارش در طبقه نهم ساختمان ان‌پی‌سی، دو هفته پس از بروز آخرین حادثه از حوادث سریالی پتروشیمی گفتگو کردیم تا به ریشه‌های بروز چنین حوادثی بپردازیم.

بعد از حوادث اخیر در صنعت نفت و به طور خاص پتروشیمی و آتش‌سوزی‌های متعدد، همگان روی موضوع ایمنی در صنعت پتروشیمی متمرکز شدند و به عبارتی بخش اچ‌اس‌ای پتروشیمی خیلی تحت فشار بود. واقعا جناب‌عالی به عنوان مدیر این بخش در شرکت ملی صنایع پتروشیمی، فشار زیادی تحمل کردید؟
عرض کنم که ما هیچ‌گونه فشاری را تحمل نکردیم؛ چون مشغول انجام وظایف خود بودیم.

حتی در فضای رسانه‌ای؟

خب بالاخره این طبیعی است که در فضای رسانه‌ای درباره این حوادث زیاد تحلیل شود. طبیعتاً مردم روی خبرها و تحلیل‌های رسانه‌ها حساس هستند و

آن را دنبال می‌کنند. می‌خواهم یک مقدار به حادثه پتروشیمی بوعلی به عنوان اولین حادثه از حوادث اخیر برگردم که تقریباً به فاصله ۱۰، ۱۲ ساعت خودم را به آنجا رساندم و در تمام مراحل اطفای حریق آنجا بودم و حتی یک روز بعد از آن هم در آنجا ماندم تا موضوعاتی برای خودم روشن بشود؛ البته همکاران‌مان را به فاصله تقریباً چهار، پنج ساعت به آنجا رساندیم؛ چون در تهران بودند. بنده هم با همه مسئولان، هم افرادی که در اطراف صحنه آتش بودند و هم افرادی که عملیات اطفای حریق را فرماندهی می‌کردند، یک‌به‌یک در

ارتباط بودم. علت این که اطفای حریق مقداری طول کشید، این بود که تعطیلات بود و کسی اصلاً احتمال نمی‌داد چنین حادثه‌ای رخ دهد. برای تحلیل این حادثه، ابتدا باید ببینیم جایگاه اچ‌اس‌ای در شرکت ملی صنایع پتروشیمی و همچنین در ارتباط با بخش خصوصی چیست و بعد مرز مشترک فعالیت‌هایی را که بین آنها می‌تواند صورت گیرد، تعریف بکنیم. اصولاً با توجه به خصوصی‌سازی در صنعت پتروشیمی همه فکر می‌کنند که باید این کارها به مجموعه خودشان واگذار شود. قاعدتاً هم چون از ما انتظار نمی‌رود کار تصدی‌گری داشته باشیم، مجموعه فعالیت‌های ما بیشتر به بازدید و بررسی موارد محدود می‌شود، آن هم به شکل تصادفی و اینکه تجارب و یافته‌های داخلی و بین‌المللی را در قالب آیین‌نامه، شیوه‌نامه، دستورالعمل

و روش‌های اجرایی به صنعت ابلاغ کنیم. اتفاقاً درباره همین موضوع، بنده از ابتدا که این مسئولیت را به عهده گرفتم، نظرم این بود و بارها هم اعلام کرده بودم و مخالفتی هم با آن نشده بود و در این مسیر جهت‌گیری کردیم که همین‌طور که فعالیت‌های تصدی‌گری صنعت پتروشیمی مثل تولید، فروش مالی، تعمیرات و... در فرایند خصوصی‌سازی، به خیلی از هلدینگ‌های صنعت واگذار شده، مراقبت‌ها و پایش‌های مربوط به فعالیت‌های اچ‌اس‌ای هم باید به این مجموعه‌ها واگذار بشود.

یعنی به بخش خصوصی واگذار شود؟

بله، وقتی آن پی‌سی تقسیم شده؛ یعنی در واقع همه شئوناتش باید تقسیم بشود. در بخش خصوصی که در پتروشیمی فعال هستند موضوع HSE شاید تا حدی مغفول مانده باشد. بنده اتفاقاً از همان روزهای اول شروع به مکاتبه با هلدینگ‌های صنعت کردم. شاید برای بعضی از عزیزان تعجب‌انگیز بود که چرا این مکاتبات انجام می‌شود؟ چون می‌خواستیم آرام‌آرام ذهنیت را به این جهت هدایت کنم که واگذار شدن صنعت پتروشیمی فقط منحصر به تولید و فروش و درآمد و این‌طور چیزها نیست. مسائلی مثل ایمنی هم بالاخره مربوط به آنهاست و باید رعایت کنند. ضمن اینکه خود واگذاری‌ها هم یعنی اینکه فعالیت‌ها

باید به مجموعه خودشان برونند.البته این موضوع به این معنی نبوده که ما بخواهیم صنعت را رها کنیم. ما در چارچوب همان برنامه‌های تدوین دستورالعمل‌ها و ابلاغ آنها، نظارت‌های تصادفی، کنترل ها و پایش‌های خودمان را انجام می‌دهیم.از جمله بعضی از پتروشیمی‌های واگذارشده را افراد خود ما میزی کرده و گزارش ممیزی داده‌اند. هنوز هم نه صرفا در حوزه ایمنی، بلکه در حوزه‌های دیگر مثل محیط زیست، بهداشت، پدافند غیرعامل و... این کارها را ما انجام می‌دهیم. حالا متأسفانه ممکن است بعضی از موارد رعایت نشود، چون ما ابزار تصدی گری و اعمال حاکمیت هم در اختیار نداریم. سال گذشته که تازه در این سمت مشغول شدم، در همان منطقه ماهشهر با مشارکت دو مجتمع پتروشیمی مانور مقابله با بحران نشت مواد شیمیایی برگزار شد که تحت نظارت ما بود منتها به آن درس‌هایی که باید گرفته و در سیستم‌ها اعمال شود و افرادی که در آن مجموعه‌ها مسئولیت دارند آن را رعایت کنند، باید بهتر عمل می‌شد. دو تعریف خیلی مشخص را در زیربنای همه این مسائل می‌خواهم خدمت تان عرض کنم که مدنظر داشته باشیم. ۱- HSE و الزامات و فعالیت‌های مربوط به آن فقط مربوط به یک واحد مشخص به نام HSE نیست. برای مثال، اگر آشکارسازهای کارخانه مثل کنترل‌های دما، فشار یا مثلا سطح مخزن وجود نداشته باشد، یا در سرویس نباشد، HSE آنجا نیست که بداند وجود دارد یا نه! مسئول مربوطه در آن مجموعه باید دنبال کند و گزارش دهد و بگوید چنین مشکلی هست و خطر ساز است.اغلب این تکنولوژی‌هایی که ما در تأسیسات پتروشیمی داریم تحت دانش فنی خارجی‌هاست و اولین مستنداتی که اینها برای عملیات تولید ایمن طراحی و تدوین می‌کنند، مجموعه دستورالعمل‌هایی به نام SOP است یعنی روش‌های استاندارد تولید و بهره‌برداری و از مهم‌ترین بخش‌های اجرای آن هم بخش‌های Safetyاست، یعنی ایمنی که در آن استانداردهای عملیات تولید ایمن ذکر شده است، اعم از سیستم‌های آشکارساز، سیستم‌های هشداردهنده و سطوح مختلف اینها. اینها مواردی نیست که یک مجموعه HSE پایش کند، چراکه اگر بخواهد این‌طور باشد پس همکاری که مثلا در حوزه تولید و تعمیرات و بازرسی فنی هستند، چه مسئولیتی دارند، این مسائل را با همان سازماندهی و با تکیه بر آن اسناد فنی و کامل باید افراد مسئول در همان بخش دنبال کنند. ضمن اینکه در مجموعه HSE اصلا از زمانی که شما ایده طراحی دارید و می‌خواهید دانش فنی را منتقل کنید و مهندسی اصولی و مهندسی تفصیلی انجام دهید، نصب انجام دهید، سیستم‌ها، مسیرها و مدارها را کنترل کنید، آماده‌سازی برای راه‌اندازی و مراحل تولید و بعد از آن انجام دهید، حتی در حوزه حمل‌ونقل محصولی که از یک مجتمع بیرون می‌آید، الزامات و نگرانی‌های HSE وجود دارد. خب، اینها مختص یک واحد نیست اما مأموریتی که HSE دارد، این است که این موارد را به شکل دستورالعمل‌ها، فرم‌ها یا به شکل چک لیست‌ها و مانند اینها جمعیم و به مجموعه‌های اجرایی دیگر ابلاغ می‌کند.

۲- دومین مطلب، بحثی کلان‌تر است در همه جای دنیا وقتی خصوصی‌سازی انجام می‌شود تا جایی که ما مطالعه داشتیم، در کشورهای غربی یا کشورهای شرقی پیشرفته‌تر که تصدی‌گری را مجزا کرده‌اند،

مقوله‌ای به نام Public private partnership تعریف می‌شود که به آن three p’s می‌گویند. ترجمه ملموسش برای ما یعنی تعاملات و فصل مشترک همکاری بین بخش حاکمیتی و بخش خصوصی. در کشور ما در یک فرایند خیلی فشرده و کوتاه‌مدت، ده‌ها میلیارد دلار دارایی فیزیکی صنعت پتروشیمی واگذار شده که خیلی هم خوب است و اتفاقا باور عمومی این است که بالاخره واگذار کردن یا خصوصی‌سازی یعنی اینکه کمک کند سیستم‌های عملیاتی خیلی پویاتر، سریع‌تر و چابک‌تر شوند.البته یادآوری کنم میزان دسترسی به این اهداف باید بعد از این چهار، پنج سال اخیر اندازه‌گیری شود که البته مکانیسم و متدولوژی خاصی هم دارد تا ببینیم واقعا به آن اهداف می‌رسیم یا نه؟ اما اینکه مثلا همه این مجتمع‌های واگذار شده فکر کنند فقط باید با وزارت نفت سرو کار داشته باشند، اصلا نقض غرض است. چون قرار است حاکمیت مقداری سبک و چابک شود نه اینکه همه اینها باز به آن وصل شوند. وزارت نفت با چهار شرکت اصلی مرتبط بود که اکنون همه شرکت‌های خصوصی‌سازی شده هم هر کدام بعضا راسا مراجعه می‌کنند. اگر برای این موضوع برنامه‌ریزی صحیحی می‌شد که به شکل دقیق‌تری انجام شود و از تجربیات خصوصی‌سازی در دنیا استفاده و برای مجموعه‌هایمان بومی‌سازی می‌شد، شاید وضعیت بهتر از این بود. در PPP یکی از بحث‌های مهم تبیین و تفکیک مسئولیت‌ها در حوزه HSE است. در تمام هلدینگ‌های صنعت پتروشیمی که واگذار شده‌اند غیر از یک جا، اصلا ساختاری برای HSE وجود ندارد یا بعضا فقط یک نفر آنجا هست که اصولا مجال و فرصت کافی برای رسیدگی به مسائل HSE ندارد.

یک جا، منظور تان هلدینگ خلیج فارس است؟

بله. البته آن هم با این وضعیتی که ما شاهدیم، راضی کننده نیست. برای یک هلدینگ که بیش از ۴۰ درصد از خروجی صنعت پتروشیمی زیرمجموعه آن است، کارکنان کمی در سازمان HSE آن فعال هستند. برای اینکه این سیستم منسجم شود و از یک ساختار مناسبی برخوردار باشد (سلسله‌مراتب فرماندهی و سلسله‌مراتب گزارش دهی)، باید در خود ستادهای هلدینگ‌ها چنین سازمانی باشد. این‌جانب و همکارانم اتفاقا شاید از چند ماه قبل این بحث‌ها را داشتیم و حتی به چند شرکت اعلام کردیم افرادی در سطوح مختلف سازمانی با همین شرح وظایف شغلی که ما فعلا در ستاد داریم، فعالیت در حوزه HSE را انجام دهند و بعد با توجه به شرایط عملیاتی‌شان برای مجموعه خود این ساختار و شرح وظایف را تطبیق بدهند و اصلاح کنند.

به‌هر حال خوب نبود حادثه بوعلی‌سسینا پیش بیاید.

البته ما خوشحال هستیم که صدمات و تلفات جانی نداشت. اما دلیلی هم نداشت حادثه‌ای با این همه زبان برای کشور رخ دهد. بعضی از افراد می‌گویند مجتمع‌های حادثه‌دیده خصوصی بوده‌اند. این جانب کاری به این تقسیم‌بندی‌ها ندارم؛ چراکه مجتمع‌های خصوصی هم متعلق به این کشور و سرمایه ملی است. بالاخره این مجموعه دارایی‌ها و این تأسیسات زمانی تحت لوای NPC و با منابع مالی همین کشور ساخته

شده و ریشه‌هایش در این مملکت و متعلق به همین مردم است. حتی اگر در بخش خصوصی هم اتفاقی بیفتد صرف نظر از جایگاه حاکمیتی ما، اصلا خوشایند نیست. بالاخره خسارتی است که به مملکت وارد می‌شود. ولی به‌هر حال می‌شود با برنامه‌ریزی صحیح‌تر جلوی این حوادث را گرفت.

اجازه بدهید همین جا یک جمع‌بندی از صحبت‌های شما انجام دهیم تا محورهای ادامه بحث مشخص شود. درباره حوادث اخیر در صنعت پتروشیمی دو بحث مطرح است؛ یک بحث اینکه وقتی این مجتمع‌ها واگذار شدند، آیا HSE و مدیریت ایمنی، بهداشت و محیط زیست آنها هم به نظر شما باید واگذار می‌شد یا خیر؟ آیا این کار اصلا انجام شده یا نشده؟

در حال حاضر از یک طرف بحث این است که خانم شاهدایی، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی اعلام کرده‌اند باید هماهنگی کاملی در حوزه ایمنی بین مجتمع‌های بخش خصوصی و شرکت ملی صنایع پتروشیمی وجود داشته باشد؛ در حالی که در صحبت‌های جناب‌عالی این‌گونه مطرح شد که وقتی مجتمع‌ها واگذار می‌شوند، باید به‌طور کامل و از جمله حوزه ایمنی آنها هم واگذار شود؛ چون امکانات ستاد مرکزی محدود است. با توجه به این دو موضع، می‌خواهم جمع‌بندی شما را از این موضوع بدانم. این مطلبی که درخصوص عرایض بنده فرمودید اختلافی با فرمایش خانم مهندس شاهدایی ندارد و در همان راستاست. بنده سعی کردم این موضوع را برایتان روشن کنم. مجتمع‌های پتروشیمی، بخش‌های تولیدی ساختار HSE دارند که وظایف خود را هم انجام می‌دهند. هلدینگ‌های صنعت پتروشیمی فصل مشترکی بین NPC و آن مجتمع‌های تولیدی هستند. وقتی این فرایندهای کاری در آن سلسله‌مراتب به شکل آبشارگونه تقسیم و توزیع می‌شوند، هلدینگ‌ها هم باید مشارکت جدی داشته باشند. و گرنه تاکنون در حوزه HSE عمده مرادات یا نظارت‌ها یا ابلاغیه‌ها و دستورالعمل‌های ما با مجتمع‌ها انجام می‌شد، الان هم انجام می‌شود و کماکان هم انجام خواهد شد. اما این کار تا بد نمی‌تواند ادامه یابد؛ چراکه یک ساختار سازمانی را با تعداد افراد مشخصی فرض کنید؛ مثلا برای ۱۵ تا ۲۰ مجتمع گرفته بودند و حالا ۵۰ تا ۶۰ مجتمع در صنعت پتروشیمی داریم، ۶۰ تا طرح دیگر هم داریم که در سال‌های آتی راه‌اندازی می‌شوند. اصلا این منطقی نیست که آن امکانات محدود تمام مجتمع‌های جدید را هم پوشش دهد. مأموریت ما طبق ابلاغیه‌های اجرای اصل ۴۴ باید فقط روی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و تدوین همین دستورالعمل‌ها و ساختاردهی متمرکز باشد.

نظارت چطور؟

نظارت هم باید داشته باشیم، اما نظارتی که یک هلدینگ باید داشته باشد باید به دفعات بیشتر از نظارتی باشد که ما انجام می‌دهیم. برای ما که بخشی از حاکمیت هستیم ممکن است لازم باشد هر شش ماه یک بار یا سالی یک بار به صورت تصادفی یک ممیزی انجام دهیم، ولی هلدینگ‌ها باید هر سه ماه یک بار از مجتمع‌هایشان یک گزارش ممیزی بگیرند. اتفاقا در باره همین موضوع شاید حدود یک ماه و نیم قبل از

حادثه پتروشیمی بوعلی‌نامه‌ای به تمام هلدینگ‌ها ارسال کردیم که برنامه‌های ممیزی ایمنی‌شان را برای ما تدوین و ارسال کنند و هر چهارماه یک بار گزارش آن را برای ما بفرستند. می‌خواهم بگویم ما این یادآوری‌ها را داشته‌ایم. ولی متأسفانه هیچ بازخوردی از آن قضیه نگرفتیم. ببینید در یک بخش مثلا خصوصی شده مدیرعامل همواره نگران نمادش در تابلوی بورس است، ولی اگر بخواهیم کمی دقیق‌تر نگاه کنیم، اگر فرهنگ مربوط به HSE و الزامات آن واقعا در باور تمام این مدیران و کارکنان در همه سطوح شکل گرفته باشد، اتفاقا باید به این ببیندیشند که اگر بخواهند به صورت پایدار این نماد را زنده و بالا و روبه‌شد نگه دارند، باید در سازمان، این موضوع را برای پرسنل تبیین کنند که تولید و درآمد پایدار مشروط به اجرای اصول HSE است و در این صورت، نماد آن مجتمع هم در بورس همواره روبه‌رشد خواهد بود. اما متأسفانه این هماهنگی‌ها به حد کافی نبوده است. حادثه پتروشیمی بوعلی با همه بدی‌هایی که داشت، حداقل خیلی‌ها را بیدار کرد که متوجه بشوند همه‌چیز منحصر به مقوله تولید نیست.

می‌خواهم به طور مشخص بدانم اعتقاد جناب‌عالی چیست؟ استنباط من از صحبت‌های شما این است که حالت ایده‌آل این است که نظارت از ستاد مرکزی بر بخش‌های ایمنی وجود داشته باشد؛ تا جایی که مجتمع‌ها کلا واگذار بشوند و آنها بتوانند خودشان کارهای حوزه ایمنی را انجام دهند و دیگر نقش شما فقط سیاست‌گذاری باشد. این درست است؟ یعنی ما باید به این سمت برویم؟

بله، باید در این مسیر حرکت کنیم.

یعنی در حقیقت نظارت و اجرا و همه‌چیز با خود شرکت‌های خصوصی باید باشد؟

ببینید سطوح نظارت فرق می‌کند. یک نظارت مستمر داریم و یک نظارت عالیه، اجرا هم در خود مجتمع هست. بین ما و مجتمع‌ها که در ست خط مقدم عملیات هستند، مشکلی نیست. برای آنها تعریف شده است و کار خود را انجام می‌دهند. یک نظارت مستمری هست که آن هم به وسیله هلدینگ‌ها باید انجام شود.

وگرنه ما نظارت عالیه‌مان را همان‌طور که خدمت تان عرض کردم، برای مثال ممکن است شش ماه یک‌بار یا سالی یک بار انجام بدهیم یا یک مشاور امین بگیریم تا از طرف ما انجام بدهد. اما هلدینگ‌ها که می‌خواهند مجتمع‌های زیرمجموعه‌شان تداوم تولید داشته باشد و مشکلی ایجاد نشود، باید مستمرتر نظارت کنند و برنامه مستمر هم برای هلدینگ‌ها معمولا سه تا چهار ماه یک‌بار است. خود مجتمع‌ها هم بازرسی فنی دارند،



حادثه پتروشیمی بوعلی با همه

بدی‌هایی که داشت، حداقل خیلی‌ها

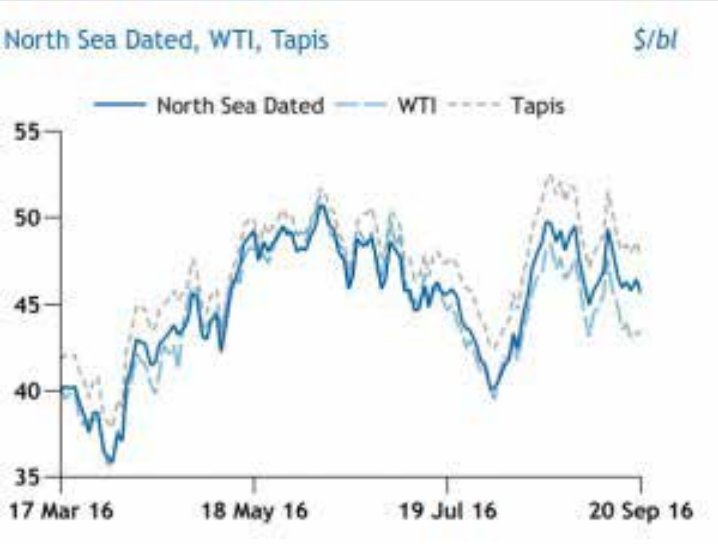
را بیدار کرد که متوجه بشوند همه‌چیز

منحصر به مقوله تولید نیست

پیش بینی بازار نفت در نیمه دوم سال

نفت و افزایش مازاد عرضه نفت در نیمه دوم سال جاری وعدم توافق بر سر کنترل تولید نفت می تواند رشد قیمت نفت خام را محدود نماید.

در این میان، نشست فدرال رزرو آمریکا به منظور افزایش نرخ بهره از روز های گذشته آغاز شده است و نتیجه بررسی آنها از وضعیت اقتصادی آمریکا و ضرورت رشد یا عدم رشد این نرخ روز ۲۱ سپتامبر اعلام می‌شود. این مسئله از طریق کانال های مختلف نظیر تقویت یا تضعیف ارزش دلار می تواند بر قیمت نفت خام اثر بگذارد. البته تحلیلگران اقتصادی احتمال افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو جهت رسیدن به تورم هدف گذاری شده دو درصد را تا قبل از ماه دسامبر ضعیف می‌دانند. با این وجود دست اندر کاران بازار نفت چشم انتظار تعیین نرخ بهره توسط فدرال رزرو می باشند. همچنین انجمن نفت آمریکا (API) گزارش هفتگی خود در مورد وضعیت ذخیره سازی تجاری نفت این کشور را منتشر ساخت که در آن نشان می داد موجودی نفت خام آمریکا در هفته منتهی به ۱۶ سپتامبر ۵/۷ میلیون بشکه کاهش یافته است. علاوه بر موارد فوق، خط لوله Colonial آمریکا که در منطقه Alabama در اثر ایجاد نشتی از نهم سپتامبر به علت انجام عملیات تعمیرات بسته شده بود، روز گذشته عملیات تعمیرات آن به پایان رسیده و از روز چهارشنبه بازگشایی خواهد شد. به علاوه، خرابی این خط لوله سبب تاخیر در ارسال محموله های فرآورده های نفتی به چین در روزهای گذشته گردید. بنابراین، قیمت بنزین برای تحویل در ماه اکتبر که در اثر خرابی خط لوله فوق در طی هفته گذشته هفت درصد رشد یافته بود، با توجه به خبر بازگشایی آن، با ۶/۵ سنت (چهار درصد) کاهش در سطح گالنی ۳۶۵/۱ دلار به تثبیت رسید.



بررسی روند قیمت نفت خام های شاخص

البته متأسفانه گاهی پیش می‌آید که یادآوری‌ها یا هشدارهای ایمنی در مجتمع‌ها بعضا جدی تلقی نمی‌شود. مثلا فردی را بدون اینکه آموزش ببیند، برای یک کاری در ار تفاع می‌فرستند و حادثه‌ای برایش رخ می‌دهد. بنابراین درست است که ما می‌خواهیم در اقتصاد نقش آفرینی داشته باشیم تا بتوانیم به رفاه عمومی کمک کنیم، خیلی هم واجب و لازم است، اتفاقا صنعت پتروشیمی به دلیل گستردگی و فراگیر بودن تعاملاتش با خیلی از بخش‌ها به دلیل نقش بزرگی که می‌تواند برای ایجاد اشتغال و کارآفرینی در کشور داشته باشد، در فضای اقتصادی ما محور خوبی برای توسعه اقتصادی، حتی توسعه در حوزه‌های فرهنگی واجتماعی است، اما باید الزاماتش را هم رعایت بکنیم که بتواند این نقش را ایفا کند و بارزترین نمونه آن الزامات اچ‌اس‌ای است. بخش خصوصی باید طبق قانون تجارت، قانون کار و غیره فعالیت کند. اما اینها فقط در حوزه بحث‌های نگاه‌داری است که شامل تولید و سرمایه‌گذاری و بحث‌های حقوقی و نیروی انسانی است، اما در یک حوزه کلان‌تر که حاکمیتی و مربوط به عموم جامعه است، از جمله الزامات اچ‌اس‌ای، پدافند غیرعامل و بحران، در این زمینه‌ها قانون تجارت مسکوت است. حوادث اخیر مثل پتروشیمی بوعلی یا بیستون و خط اتیلن غرب و آلودگی‌هایی که ایجاد می‌کند مثل آلودگی خاک، هوا یا آب، خسارت‌های زیادی به محیط زیست وارد می‌کند، این خود خود ابعاد موضوع را ملی می‌کند و ابعاد موضوع حتی فراتر از یک مجتمع و هلدینگ و حتی ان‌پی‌سی می‌شود. ما هم بالاخره از جانب حاکمیت این وظیفه را برعهده داریم که این نظارت‌ها را انجام بدهیم. در مجتمع‌های تولیدی افراد باید به اندازه کافی آموزش ببینند و مرتبا خود را به روز نگه دارند و ضمنا مدیران ارشد، مدیران میانی و کارشناسان درک صحیحی از الزامات اچ‌اس‌ای از جمله رعایت نکات ایمنی داشته باشند. آموزش و بازآموزی باید به حدی باشد که افراد در مواقع لزوم ناخودآگاه به آن ملاحظات عمل کنند و نسبت به هر موضوع شک برانگیزی که در فرایندهایشان می‌تواند پتانسیل خطر داشته باشد، حساس باشند. ما هم مرتبا دستورالعمل‌های لازم را تهیه و ابلاغ می‌کنیم. نظارت مستمر را هلدینگ‌ها خودشان باید انجام بدهند، اما نظارت کلی بسر فعالیت‌ها هم هنوز با ما است. بالاخره هر اتفاقی که هر کجا بیفتد، همه از شرکت ملی صنایع پتروشیمی به عنوان یک نهاد حاکمیتی پاسخ می‌خواهند. اما این نهاد حاکمیتی زمانی می‌تواند به این رسالت عمل کند که ارتباطات در این سه لایه‌ای که خدمت تان عرض کردم، به درستی روشن شده باشد. الان حلقه واسط بین ما و مجتمع‌ها یعنی هلدینگ‌ها در حوزه اچ‌اس‌ای ابهام دارد که این را می‌توان در همان مقوله Public private partnership تعریف کرد و مرز تعاملات بخش خصوصی و حاکمیت را می‌توان آنجا در قالب آیین‌نامه رگلاطوری تبیین کرد.

چه کسی، به چه صورتی و با چه سازوکاری باید این را روشن کند؟

این را باید با توجه به قوانین و دستورالعمل‌هایی که داریم و تجربیاتی که داشته‌ایم انجام دهیم که البته بخش‌هایی از آن هم به‌عنوان آیین‌نامه رگلاطوری در حال انجام است. البته دو سال پیش، آیین‌نامه‌ای

را وزارت نفت پیشنهاد کرده که این‌جانب هم در بخش‌هایی از آن مشارکت داشتیم، اما چون ظرفیت زیادی دارد و دامنه کار گسترده است، کمی زمان‌بر است، و با همفکری ان‌پی‌سی و وزارت نفت و بخش‌های دیگر در حال آماده‌سازی است. در یک کلام باید بگویم که برای ما به عنوان یک نهاد حاکمیتی، مجتمع‌های مختلف تفاوتی ندارد، بلکه مهم این است که بتوانیم بسترسازی لازم را در آن مجتمع‌ها انجام بدهیم و آنها با اطمینان بیشتر و به شکل ایمن‌تر فعالیت‌هایشان را ادامه دهند. چون هرچه آنها فعال‌تر باشند، فواید آن برای حوزه اقتصاد بیشتر است، زیرا محرک اقتصاد، بخش خصوصی است. می‌دانید که در حوادثی به شکل آتش‌سوزی در مجتمع‌های پتروشیمی و موارد مشابه، همه و به‌ویژه نهادهای نظارتی دنبال مقصر می‌گردند، از مجلس بگیرید که آقای زنگنه را دعوت می‌کند که در کمیسیون انرژی درباره این حوادث توضیح بدهند تا حوزه‌های دیگر. برخی معتقدند که مجتمع‌های پتروشیمی اصلی‌ما واقعا خصوصی نیست، مثلا هلدینگ خلیج‌فارس به نوعی دولتی است، چون وزیر هم در انتخاب مدیری‌ت آن نقش دارد که البته برخی هم مخالفند. الان افکار عمومی و نهادهای نظارتی دنبال مقصر هستند که چه کسی مقصر اصلی بروز چهار حادثه متوالی در صنعت پتروشیمی است؟ یا اگر این حوادث تکرار شود، آیا بخش خصوصی مقصر است یا شرکت ملی صنایع پتروشیمی به عنوان نهاد حاکمیتی که وزارت نفت باید پاسخگو باشد؟ در حقیقت ما یک نگرش این‌چنینی را پس از حوادث اخیر شاهد بودیم. نظر شما را در این مورد بدانم. فکر می‌کنم همان مطلبی که در مورد رگلاطوری عرض کردم، اگر روشن بشود که به‌تدریج هم در حال روشن‌شدن است، خیلی از این ابهامات رافع می‌کند. اما اگر به شکل فنی بخواهم به موضوع نگاه بکنم، هرگاه چنین حوادثی اتفاق می‌افتد، باید توجه کنیم که پی‌درپی این حوادث شکل نمی‌گیرد. اینها معلول یک سلسله کاستی‌ها و بی‌توجهی‌ها یا انجام‌ندادن یک سری اقداماتی است که در نهایت منجر به بروز یک اتفاق ناخوشایند در حجم وسیع می‌شود. یک سری کارهایی در صنعت انجام می‌شود که ممکن است بگویم تبدیل به یک رویه شده است، اما اگر به اسناد و مدارک استنادار نگاه بکنید، متوجه می‌شوید که این کارها طبق موازین استاندارد نیست. سوال هاست که انجام می‌شود و خیلی از آنها هم الحمدلله به حادثه‌ای منجر نمی‌شود، اما مواردی منجر به حوادثی می‌شود که این‌قدر هم حجیم و وسیع است. نگاه مقصریابی با نگاه رسیدن به ریشه‌ها دو مقوله جداگانه است. ممکن است از فردی که آموزش خوبی ندیده باشد ما تا حدی انتظار داشته باشیم ولی از فردی که خبره و حرفه‌ای است بروز خطاهای فاحش انتظار نرود. بنابراین باید تمرکزمان بر این باشد که ریشه‌های این اشکالات را پیدا کنیم. اما به‌ر حال جزئی از ریشه‌ها و عواملی که منجر به این حوادث می‌شوند، افراد هستند. بارها این مطلب را عرض کردم که تابع تولید در اقتصاد متأثر از نیروی تولید و سرمایه است. سرمایه هم قرار و مداری است که نیروی انسانی بین خودش و بین بخش‌های مختلف ایجاد کرده و آن‌قدر به آن وزن داده که در تابع تولید در کنار خودش قرار گرفته است. مراودات تجاری و اقتصادی قرن‌ها قبل به

شکل تهاتری بوده و آرام‌آرام بشر به این فکر افتاده که قرار و مداری مثل دست‌نوشته و برات و سفته و پول به شکل اسکناس و به مرور زمان به شکل فاینانس و سرمایه و مانند این در مراودات وارد کند. یعنی باز نقش نیروی انسانی خیلی مهم است که به سرمایه وزن و اهمیت داده است. یادم هست که سال‌ها پیش در مجموعه‌ای که بنده در آنجا مسئولیت کوچکی داشتم، به بعضی از عزیزان تازه‌وارد یادآوری می‌کردیم که در یکی، دو سال اول باید خیلی بااحتیاط کار کنند و یک نفر ارشدتر باید بر آنها نظارت کند و به همین ترتیب هم بود. از این افراد در آن حال و در دوره کارآموزی نمی‌شود زیاد انتظار داشت و چه‌بسا حتی سؤالات خیلی بی‌ربطی را هم بپرسند، اما از کسی که مثلا ۲۵ سال تجربه دارد، درست است که در همه این سال‌ها هم خیلی آبرومندانه و فداکارانه انجام وظیفه کرده است ولی انتظار نمی‌رود خطاهای فاحشی سر بزنند. بنابراین به نظر من نباید موضوع را این‌طور دید؛ باید هم به ریشه‌ها پرداخت و هم به عوامل انسانی، اما ملاحظاتش را هم باید رعایت کرد و خیلی درست و منطقی به این نکات بپردازیم. نکته بعدی درباره توالی حوادث اخیر در پتروشیمی است. ما حوادث بزرگ‌تر از حوادث اخیر هم در سال‌های ۸۹ یا ۹۰ داشتیم. مثلا در پتروشیمی بندر امام حوادث منجر به تلفات جانی داشتیم. اما توالی حوادث اخیر در پتروشیمی عجیب بود. توالی این حوادث باعث نشد که شما فکر کنید ممکن است بروز این حوادث دلایل خاص دیگری هم داشته باشد؟

واقعیتش را بخواهید از سومین حادثه که در پتروشیمی بیستون بود، چرا. چون تقریبا ۱۶ تیر ماه حادثه پتروشیمی بوعلی اتفاق افتاد، دو هفته بعد خط اتیلن غرب بود، حالا این دو مورد را؛ بالاخره می‌توان گفت مسائل فنی است و البته واقعا هم همین‌طور بود و خطای نیروی انسانی در هر دو مورد نقش داشت. اما درست هفته بعد که روز شهادت امام جعفر صادق(ع) بود، در پتروشیمی بیستون حادثه دیگری اتفاق افتاد... همه حوادث هم در تعطیلات بود... . بله دقیقا؛ وقتی شنیدم در بیستون این اتفاق افتاده همان لحظه احتمالاتی را بررسی می‌کردم که چرا باز هم چنین اتفاقی افتاده؟ بالاخره به لحاظ آماری هم شما ملاحظه کنید در سه نقطه در یک جهت که روندی را نشان می‌دهد، حوادثی شکل گرفت. اما با این اوصاف طبیعتا نباید مظنون به چیزی باشیم تا اینکه ریشه‌های حوادث روشن و کامل شود. البته عوامل خارجی در این حوادث دست نداشته‌اند. اما شاید بی‌توجهی‌های خود سیستم باعث این اتفاقات شده باشد. به عنوان مثال در راستای همان مسائل فرهنگ ایمنی، احساس مسئولیت فردی ایجاب می‌کند نیروی انسانی متوجه باشد که این صنعت و تأسیسات حساس هستند و باید با نشانگرها یا ابزارهایی کنترل شوند که مثلا شرایط فرایندی و وضعیت مخزن چطور است. خودم سال‌های زیادی در عملیات کار کرده‌ام و با این شرایط آشنا هستم. توالی این حوادث خیلی حساسیت برانگیز بود و حتی به خانم مهندس شهادایی هم عرض کردم و ایشان هم خودشان خیلی حساس‌تر و جدی‌تر از بنده این موضوع را دنبال می‌کردند. بالاخره باید دنبال ریشه‌یابی این حوادث باشیم. ببینید ما باید از یک‌سری موضوعات غافل نشویم. بالاخره کشور ما کشوری است با یک موقعیت خاص در حوزه اعتقادات، ایدئولوژی، سیاست و اقتصاد و ما باید تلاش کنیم همه

اینها را، هم حفظ کنیم و هم به رشدشان کمک کنیم. هر کدام وظایفی بر عهده داریم؛ یکی در حوزه فرهنگ و دیگری در حوزه اقتصاد یا سیاست خارجی و غیره، بنابراین باید مراقبت‌هایمان خیلی زیاد باشد. منظورم از ما، بالاترین نقطه هرم سازمانی تا پایین‌ترین سطوح است که مثلا حتی با جابه‌جایی محصولات و تجهیزات و تعمیرات یا حتی با آچارکشی و مانند آن سروکار دارند. ما باید آرام‌آرام با بیشترین فعالیت در حوزه فرهنگ و آموزش‌های مداوم و تأمین تجهیزات لازم جلوی این مسائل را بگیریم. دشمن‌هایی داریم که نباید حس کنند جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌هایی ممکن است ضربه‌پذیر باشد. ما باید به هر شکلی که هست جلوی این حوادث را بگیریم و البته کنترل‌هایی که انجام می‌دهیم و برنامه‌هایی که داریم به شکل بهتر و منسجم‌تر دنبال کنیم تا بتواند به ما در تحقق این اهداف کمک کند. البته پس از حوادث اخیر هلدینگ‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی خصوصی، بیشتر از قبل با مارتباط و از ما دستورالعمل می‌گیرند و در اقدامات مربوط به HSE بیشتر با ما هماهنگ می‌شوند. اما امیدواریم این روحیه زنده بماند که البته آن هم منوط به پایش مداوم است و این کار را هم انجام خواهیم داد و هلدینگ‌ها هم باید انجام دهند. در یک ماه اخیر تعداد زیادی از موضوعات و چالش‌های مربوط به HSE و بحران و پدافند غیرعامل با حضور شخص خانم مهندس شهادایی بررسی شده و با توجه به تأکیداتی که آقای وزیر فرمودند اداره کل HSE وزارت نفت هم خیلی جدی‌تر و پویاتر مسائل را دنبال می‌کنند. اما باید به اینها سرعت بدهیم که زودتر به نتیجه برسیم.

درباره دلایل حادثه، موضوعی روشن شده است؟
یک سری بررسی‌هایی انجام شده و برخی عوامل هم مشخص شده است، چون سناریوهای مختلفی بوده که در قالب یک گزارش خدمت خانم مهندس شهادایی تقدیم شده است، ضمن اینکه با توجه به جلساتی که خدمت خانم مهندس شهادایی بودیم و با توجه به اینکه خودشان هم در صحنه‌ها حاضر بودند و همکاران دیگر پتروشیمی راه‌هایی را برای این کار یافته‌اند ولی کماکان باید هزینه بالا و ریسک زیاد آن را بپذیرند.



بخش خصوصی باید طبق قانون تجارت، قانون کار و غیره فعالیت کند. اما اینها فقط در حوزه بحث‌های بنگاه‌داری است که شامل تولید و سرمایه‌گذاری و بحث‌های حقوقی و نیروی انسانی است، اما در یک حوزه کلان‌تر که حاکمیتی و مربوط به عموم جامعه است، از جمله الزامات اچ‌اس‌ای، پدافند غیرعامل و بحران، در این زمینه‌ها قانون تجارت مسکوت است

سید فرهاد اخلاقی:

واردات خوراک پتروشیمی‌ها از عراق راه حل کوتاه مدت است

مسئله خوراک پتروشیمی‌ها و آینده این صنعت پس از تحریم‌های بین‌المللی از جمله سوالاتی است که همواره از سوی مسئولین امر با پاسخ‌های متنوعی همراه بوده است اما با توجه به پایان تحریم‌های بین‌المللی و واردات خوراک از عراق با سید فرهاد اخلاقی از کارشناسان پتروشیمی و مدیر شرکت تجاری سیکو به گفتگو نشستیم ایم که بخش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید:



با توجه به پایان تحریم‌های بین‌المللی در طی هشت ماه گذشته چگونه توانسته ایم از فرصت‌های صادراتی در عرصه پتروشیمی‌ها استفاده کنیم؟
متأسفانه انتظارات شرکت‌های پتروشیمی در رابطه با لغو تحریم‌ها محقق نشد. انتظار این بود که با رفع تحریم‌ها از سیستم بانکی کشور حداقل مشکلات نقل و انتقال ارز برطرف و یا تسهیل شود که این اتفاق نیفتاد و کماکان این مشکل وجود دارد. البته صادر کنندگان محصولات پتروشیمی راه‌هایی را برای این کار یافته‌اند ولی کماکان باید هزینه بالا و ریسک زیاد آن را بپذیرند.

نیازها و اولویت‌های بخش خصوصی را در پتروشیمی‌ها چه می‌دانید و فناوری‌ها چه تاثیری بر آینده این صنعت در ایران خواهند داشت؟
در حال حاضر تأمین منابع مالی برای پروژه‌های پتروشیمی که بسیار سرمایه‌بر هستند از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در مورد فناوری هم محدودیت‌هایی موجود است ولی این مشکل بجز در موارد خاص و تکنولوژی‌های بسیار پیشرفته قابل حل می‌باشد.

آیا تشکیل کمیته‌های مشترک و تجمع بخش‌های بازرگانی شرکت‌های بزرگ پتروشیمی را راه مناسبی می‌دانید؟ این مهم چه باری را از دوش پتروشیمی‌ها بر می‌دارد و چه باری بر دوش آنها می‌گذارد؟
تمرکز عملیات بازرگانی با ایجاد تشکل‌های صادراتی ضامن حفظ منافع ملی و ایجاد برند شناخته شده بین‌المللی برای صنایع کشور می‌باشد و محاسن زیر را در بر دارد:

در گفتگو با علی شهرویی مطرح شد:

قراردادهای جدید نفتی بهترین سناریوی موجود است

قراردادهای جدید نفتی پس از برجام موضوع دیگری است که نظر مخالفان دولت را به شدت به خود جلب کرده است. موافقان دولت می گویند مخالفان قصد دارند با سنگ اندازی در مسیر اجرایی شدن این قراردادها دست دولت را برای ارائه دستاوردهای پیشتر خالی کنند و چون صرفا دغدغه سیاسی دارند متوجه عواقب اجرایی نشدن قراردادهای جدید نفتی مثل معطل ماندن تامین منابع مالی و کسب دانش فنی طرح‌ها و همچنین از دست دادن ذخایر میدان های مشترک نیستند. مخالفان اما با برچسب های تندى به استقمال قرار دادهای نفتی رفته اند. در این خصوص با علی شهرویی، کارشناس حوزه نفت و انرژی، که از موافقان قراردادهای جدید نفتی است به گفتگو نشستیم. وی می گوید از کلیات این قراردادها دفاع می کند و اغلب مخالفت های صورت گرفته در این حوزه را غیر واقع بینانه و سیاسی می داند. مشروح این گفتگو به شرح زیر است:



نظر شما درباره کلیات انتقادهایی که به موضوع قراردادهای جدید نفتی وارد می شود، چیست و آیا از نظر شما قراردادهای جدید نفتی قابل دفاع است؟

به نظر می رسد اغلب مباحث مطرح شده در خصوص قراردادهای IPC این روزها پیش از آنکه استدلال کارشناسی داشته باشد، شور و هیجان سیاسی دارد. طرح های ملی باید واقع بینانه و فارغ از انگیزه های سیاسی و با رویکردی توسعه محور مورد بررسی قرار گیرند.

چارچوب و کلیات طرح و اهداف این قراردادها کاملا قابل دفاع است و اگر ایراداتی هم باشد در جزییات است که باید در یک فضای کارشناسی و غیرسیاسی مرتفع نشود نه اینکه اصل قراردادها به یک کمپین تبلیغاتی بزرگ با اهداف کاملا سیاسی و علیه دولت تبدیل شود. برای درک بیشتر از این قراردادها باید این نکته را متوجه باشیم که منابع هیدروکربنی تنها یک محصول صادراتی نیست و وظیفه وزیر نفت هم صرفا اداره یک وزارتخانه با رویکرد فروش نفت یا فرآورده های پایین دستی آن نیست. به نظرم کار هوشمندانه ای که آقای زنگنه می کند و اتفاقا در این عرصه بازیگر توانمندی است، استفاده از کارت های شرکت های بین المللی حوزه انرژی در مناسبات بین المللی است. قراردادهای IPC نیز از این منظر قراردادهایی چند وجهی و چند لایه اند. اشتراک منافع درازمدت شرکت های بین المللی حوزه انرژی با ما می تواند به عنوان

محقق نمی شود. چون باید بخشی از اهداف طرف دیگر بازی نیز تحقق یابد. ممکن است برجام دربرگیرنده همه خواسته های اولیه ما نباشد اما در برگیرنده همه خواسته های طرف مقابل هم نبوده است لذا هر دو بخشی از خواسته های مان را برای رسیدن به توافقی بهینه تعدیل کردیم. قراردادهای جدید نیز واجد چنین شرایطی است. نمی توانید در عرصه رقابت برای جذب سرمایه و تکنولوژی، پارامترها و حساسیت های مورد نظر سرمایه گذاران و صاحبان تکنولوژی را کاملا نادیده بگیرید و قراردادی با ملحوظ نمودن صد درصد خواسته های خود تنظیم کنید و انتظار سرمایه گذاری نیز داشته باشید. درحالی که در کشورهای همسایه برای همین میدان های مشترک ما با آنان، قراردادهای جذابی برای همین سرمایه گذاران وجود دارد، به نظر من این نگاه واقع بینانه نیست ضمن آنکه توقف و تاخیر در برداشت از میدان های مشترک نفتی، مورد استقبال کشورهای واجد میدان های مشترک با ما خواهد بود. لذا به نظر من انعقاد یک قرارداد با در صد قابل قبولی از خواسته های ما و شروع عملیات اجرایی این میادین از عدم انتفاع ما در میان مدت از این میدان ها بهتر است. باید تاکید کنم قراردادهای جدید نفتی حتی اگر اشکال هایی هم داشته باشد اما در مقطع کنونی بهترین سناریوی موجود است.

اخیرا در ایلنا میزگردی درباره این قراردادها داشتیم و آقای اصغر ابراهیمی اصل از مدیران عامل شرکت صنایع پتروشیمی در دولت قبل انتقادهای را به این قراردادها وارد کردند. نظر شما درباره انتقادهای ایشان چیست؟

من خلاصه ای از میزگرد خبرگزاری ایلنا با حضور آقای اصغر ابراهیمی اصل از مدیران عامل شرکت صنایع پتروشیمی در دولت آقای احمدی نژاد را خواندم. به نظرم استدلال های ایشان علیه قراردادهای نفتی مخدوش و قابل تردید است. اول اینکه ایشان در طول میزگرد مدام به آمارهای غیر قابل اتکاء استناد می کردند و با این اعداد سعی داشتند که نشان دهند قراردادهای جدید نفتی به نفع کشور نیست. من به اعداد اشاره شده و نیز به شیوه استدلال ایراد دارم. به نظرم ساده انگارانه است که بگوییم منابع داخلی را تامین کنیم و با امکانات داخلی اجرا کنیم به نفع مان است.

آقای ابراهیمی اشاره داشتند که در قراردادهای جدید نفتی موضوع استفاده از توانمندی داخلی مثلا در حوزه حفاری نادیده گرفته شده است.

بله، آقای ابراهیمی اصل در این میزگرد نکته ای درباره امکان انجام کامل خدمات مورد نظر در قراردادهای IPC با توان داخلی را مطرح کردند مبنی بر اینکه امکان انجام خدمات حفاری در کشور وجود دارد و ما چرا باید برای این خدمات به سراغ کشورهای خارجی برویم. البته در اینکه امکان انجام برخی خدمات حفاری در داخل وجود دارد تردیدی نیست اما اینکه توان حفاری داخلی چقدر می تواند در خدمت توسعه بهینه و با راندمان بالای این میادین با افزایش طول عمر میدان باشد چیز دیگریست که فناوری و دانش آن فعلا در کشور وجود ندارد و انتقال آن به شرکت های داخلی اتفاقا از مهمترین اهداف قراردادهای IPC

است. لذا با چنین استدلال مخاطب از اصل ماجرا دور می شود و با عنوان نمودن موضوع توانمندی داخلی احساسات مخاطب تحریک می گردد. من معتقدم اهداف تعیین شده برای این قراردادها با امکانات داخلی نه تنها در کوتاه مدت که در میان مدت هم قابل حصول نیست. زیرا رویکرد این قراردادها جمع پارامترهای مختلف اعم از سرمایه گذاری قابل توجه، بهره گیری و انتقال تکنولوژی های نوین، استفاده از تجهیزات مدرن با بهره وری بالاتر، تقسیم ریسک اکتشاف و استخراج با سرمایه گذار، صیانت از مخزن و افزایش امکان تولید و عمر مخازن و انجام خدمات مورد نیاز در کلیه مراحل این عملیات را در خود دارد. تقلیل این پارامترها به تامین منابع مالی از داخل و استفاده از توانمندی های داخلی صحیح نیست.

یعنی به نظر شما استدلال های آقای ابراهیمی در این حوزه کاملا بی اعتبار است؟

ببینید استدلال ها باید با واقعیات موجود نسبت داشته باشند. هم اکنون هم مناقصات شرکت نفت فلات قاره در بخش فراساحل نیز در مقوله های ساده تر و کم هزینه تر همچون طراحی واحداث یک خط لوله دریایی، با همکاری مستقیم شرکت های بین المللی برگزار می شود بر خسی از مناقصات دیگر همچون افزایش راندمان چاه های در حال بهره برداری و احیای چاه های قدیمی نیز در مراحل ابتدایی و با حضور شرکت های بین المللی و صاحب تکنولوژی در حال برگزاری است. لذا در بخش افزایش ظرفیت و احیای چاه های موجود فناوری آن در کشور وجود ندارد و ما نیازمند استفاده از توانمندی شرکت های دارای تکنولوژی در عرصه بین المللی هستیم. این یک واقعیت مسلم در حوزه انرژی است که دانش، فناوری و سرمایه سیال است و به پارامترهایی فراسرزمینی تبدیل گشته اند. حتی در بخش کشاورزی هم که عرصه ای ساده تر به نظر می آید، کشورهای در حال توسعه امکان محصور کردن خود و بستن مرزهای شان بر روی دانش جدید کشورهای توسعه یافته را ندارند. البته از سوی دیگر نیز نباید تولید دانش و توانمندی های داخلی را قربانی شرکت های بین المللی کرد و بر همین مبنا قراردادهای جدید به درستی خواسته است ترکیبی داخلی و خارجی با انتقال سرمایه و تکنولوژی ایجاد کند و منافع ملی و توانمندی داخلی را با منافع سرمایه گذاران و شرکت های دارای فناوری جدید هم راستا کند؛ این همان بازی برد-برد در عرصه انرژی است.

مهم ترین نقاط قوت قراردادهای جدید نفتی از نظر شما چیست؟

ببینید هر پروژه ای برای اجرا به بخش ها و فعالیت های مختلفی تقسیم می شود. در این تقسیم یک یا چند فعالیت پروژه که باعث تاخیر مستقیم در اجرای طرح و یا بهره برداری از آن می شود؛ عوامل یا مسیرهای بحرانی آن پروژه خواهند بود. در توسعه میدان های نفت و گاز نیز از زمان برنامه ریزی برای ایجاد یا توسعه یک میدان تا پایان زمان تعریف شده برای بهره برداری واحدهای احداث شده، اولین عامل برای شروع کار که انجام پروژه را هم امکانپذیر می سازد، تامین منابع مالی کافی برای این طرح هاست. نقش فناوری استفاده شده نیز در اجرای طرح ها تاثیر

مستقیم بر کاهش ریسک بهره برداری، افزایش طول عمر مخزن و امکان استحصال بیشتر، پایین آمدن هزینه های عملیاتی، کاهش نرخ تمام شده محصول و... به خوبی نمایان می گردد. قراردادهای جدید نفتی هم امکان تامین مالی طرح را فراهم می کند و هم فناوری جدید مورد نیاز آنها را.

آقای ابراهیمی اصل به استفاده از منابع داخلی در مقابل تامین مالی شرکت های خارجی تاکید کرده است.

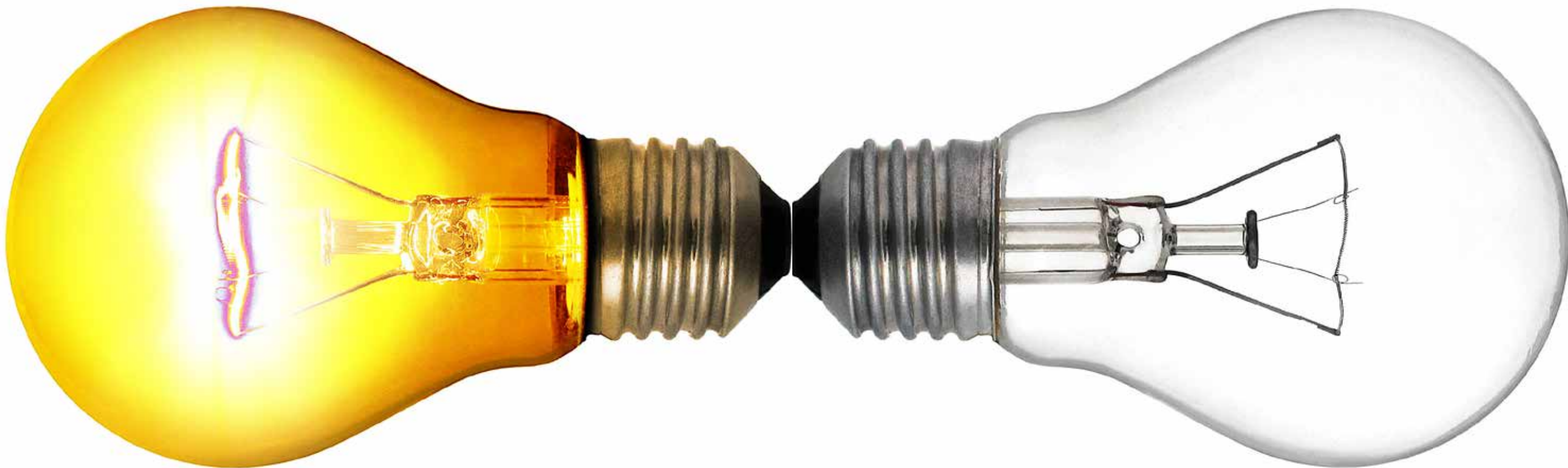
البته اگر امکانپذیر باشد می تواند به عنوان یک گزینه مورد بررسی دقیق تر قرار گیرد. اما باید بدانیم در شرایطی که مجلس به دلائل ضروری، اخذ ۵ میلیارد دلار وام از روسیه را تصویب می کند، مادر توسعه این میدان ها نیازمند ده ها میلیارد دلار سرمایه هستیم. ممکن است کشور در بلند مدت امکان تامین این منابع را بیابد اما در کوتاه و میان مدت چنین امکانی بعید است. لذا باید به امکان همکاری منابع داخلی در طرح های دارای اولویت واقع بینانه نگاه کنیم. همین طرح ملی و استراتژیک پالایشگاه بید بند ۲ که یک طرح ۴ ساله با برآورد حدود ۲ میلیارد یورو بود و قرار بود با منابع داخلی تامین شود، به دلیل تامین نشدن منابع پس از ۱۲ سال پیشرفتی کمتر از ۴۰ درصد داشته است. تازه ما برای توسعه میدان های جدید به ده ها میلیارد دلار سرمایه نیاز داریم.

یکی از دغدغه های مهم این روزهای کارشناسان و خبرنگاران حوزه انرژی و حتی مردم عادی موضوع میادین مشترک است. ما در استفاده از میادین مشترک هم عقب هستیم.

دقیقا من از همین منظر است که باز هم از قراردادهای جدید نفتی به عنوان گزینه ای امکان پذیر دفاع می کنم. تطویل زمان و تاخیر در برداشت از یک میدان مشترک با کشورهای همسایه، خسارات هنگفتی را به کشور وارد می سازد زیرا در برداشت از یک میدان مشترک مرزی عدم برداشت ما مساوی برداشت دیگری است. به عنوان مثال این رقم برای ۴ سال به ازاء ۵۰۰ هزار بشکه نفت در روز به دهها میلیارد دلار بالغ خواهد شد و اصلا زیان قابل اغماضی نیست. اینجا ما در برابر کشور همسایه در برداشت از میدان مشترک برد-باخت بازی می کنیم. چیزی را که ما برداشت نمی کنیم او برداشت می کند. یک بازی با مجموع صفر. ما در تامین منابع مالی طرح های پارس جنوبی نیز در مقطعی دچار مشکل بوده ایم. سال هاست که برداشت قطر از این منابع بسیار بیش از ما بوده است.

واقعا اگر منابع داخلی امکان تامین مالی این طرح ها را دارند چرا تاکنون وضع ما در میادین مشترک اینگونه بوده است؟

در قراردادهای جدید میدان های مشترک، میدان های اولویت دار هستند و اساسا هدف اصلی این قراردادهای میادین مشترک است. کشورهای همسایه سال هاست با قراردادهای جذاب سرمایه های بین المللی را جذب کرده اند و ضمن اقدام به استخراج و فروش، با افزایش تولید و ظرفیت خود، جایگاه استراتژیک، چانه زنی بین المللی و امنیت ملی خود را نیز در جهان ارتقاء داده اند. لذا من کماکان معتقدم این قراردادها در مقطع کنونی بهترین سناریوی موجود است.



فریدون حسنونند رئیس کمیسیون انرژی مجلس:

باید تکلیف خصوصی یادولتی بودن پتروشیمی ها مشخص شود

فریدون حسنونند رئیس کمیسیون انرژی مجلس میهمان اتحادیه صادرکنندگان فراورده های نفت گاز و پتروشیمی بود. حسنونند در دیدار با اعضای اتحادیه صادرکنندگان گلایه های بخش خصوصی را استماع کرد و ابراز امیدواری کرد تا این چالش های با توجه با همکاری های آینده کاسته و از میان برود.

رئیس کمیسیون انرژی مجلس گفت: هیئت تطبیق قوانین هنوز نظر خود را درباره قراردادهای جدید نفتی به رئیس مجلس اعلام نکرده و رئیس مجلس هم هنوز نظر مجلس و هیئت تطبیق را به دولت اعلام نکرده است، دولت بدون اعلام این نظرات نمی تواند مصوبه را مجدداً مورد بررسی قرار دهد. فریدون حسنونند اظهار داشت: ارسال نظرات هیئت تطبیق قوانین مجلس درباره مصوبه جدید دولت درباره الگوی جدید

قراردادهای نفتی به دولت اصلاً صحت ندارد. وی تأکید کرد: هیئت تطبیق قوانین هنوز نظر نهایی خود را به رئیس مجلس اعلام نکرده و در جلسه غیرعلنی روز یک شنبه آقای لاریجانی اعلام کردند چنانچه نمایندگان نظراتی برای اصلاح دارند به هیئت تطبیق قوانین اعلام کنند. رئیس

کمیسیون انرژی مجلس تصریح کرد: خبری که در سایت های خبری درباره ابلاغ الگوی جدید قراردادهای نفتی منتشر شد مربوط به همان مصوبه قبلی دو هفته پیش دولت بود که سایت ها با وقفه دو هفته ای آن را منتشر کردند. وی ادامه داد: این مصوبه هنوز به تأیید هیئت تطبیق نرسیده و هنوز هم از مجلس به دولت چیز جدیدی در این باره ارسال نشده است. رئیس کمیسیون انرژی مجلس توضیح داد: از یک شنبه گذشته که در صحن مجلس جلسه غیرعلنی برگزار شد، دولت دیگر جلسه ای نداشته است که بتواند مصوبه جدیدی را بگذراند. وی در ادامه با بیان

اینکه چند نکته در این باره قطعی است، گفت: نکته اول اینکه هیئت تطبیق هنوز نظر خود را به رئیس مجلس اعلام نکرده است و دوم اینکه رئیس مجلس هم هنوز نظر مجلس و هیئت تطبیق را به دولت اعلام نکرده است و بدون اعلام این نظر دولت نمی تواند مصوبه را مجدداً مورد بررسی قرار دهد. حسنونند تأکید کرد: آنچه در سایت ها مطرح شد همان مصوبه قدیمی با تاریخ گذشته و مواد قبلی بود.

رئیس کمیسیون انرژی مجلس تصریح کرد: نمایندگان مجلس ۱۵ محوری که مسئولان عالی نظام اعلام کردند و منطبق با نظر کارشناسان برجسته کشور بوده است را در جلسه غیرعلنی به صورت مکتوب هم مورد تأیید قرار دادند و تأکید کردند که مصالح و منافع نظام در رعایت این محورها تأمین خواهد شد. وی با بیان اینکه در جلسه غیرعلنی هم عمدتاً بر روی همین موضوع تأکید شد، ادامه داد: در مصوبه قبلی دولت چند مورد از این ۱۵ مورد اصلاح شده بود و مورد نظر ما تعداد دیگری بود که ان شاء الله اصلاح خواهد شد. وی در پایان گفت: آقای وزیر هم در جلسه غیرعلنی در حضور نمایندگان اعلام کردند که ما بخشی را اصلاح کردیم و بقیه را هم اصلاح خواهیم کرد.

وی با بیان اینکه کمیسیون انرژی برای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی تأکید دارد و باید هر چه سریعتر تکلیف دولتی یا خصوصی بودن پتروشیمی ها مشخص

شود، یادآور شد: خصوصی سازی پتروشیمی ها تکلیف قانونی است که در اصل ۴۴ قانون اساسی، در سند چشم انداز کشور، سیاست های کلی نظام، دستورات و تأکیدات مقام معظم رهبری و مصوبات مجلس در خصوصی سازی بر آن تأکید شده است.

رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به اینکه یکی از الزامات سرمایه گذاری در بخش دولتی و خصوصی پیش بینی، پیشگیری و جلوگیری از اتفاقات غیرمترقبه است، تصریح کرد: اگر مجموعه ای خصوصی سازی شده، چرا یک وزیر باید حکم مدیر آن مجموعه را صادر کند، اگر انتصاب از سوی بخش خصوصی صورت گیرد، بخش خصوصی نیز پاسخگوی اقدامات خود می شود.

وی همچنین گفت: موضوع پیگیری نشدن طلب ۳۰۰ میلیاردی هلدینگ دولتی خلیج فارس از شرکت پتروشیمی خصوصی زاگرس در دست بررسی است و نتایج آن به زودی اعلام خواهد شد.

نماینده مردم اندیشمک در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: از آنجا که موضوع پتروشیمی، مشترکاً در حوزه دو کمیسیون انرژی و کمیسیون صنایع و مبحث هلدینگ ها نیز مربوط به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار دارد، لذا پیگیری این موضوع، هماهنگی بیشتر و طبعاً زمان بیشتری می طلبد.

فریدون حسنونند همچنین در خصوص همکاری های خارجی و جذب سرمایه گذاری های بین المللی اظهار داشت: ما مکلفیم تسهیلات لازم به سرمایه گذاران در کوتاهترین زمان ارائه دهیم و واگذاری زمین بصورت رایگان، ارائه تسهیلات ویژه، فراهم کردن زیر ساخت های آب، برق، مخابرات، و گاز، مهم ترین خدماتی است که باید به سرمایه گذاران ارائه شود.



مدیرعامل شرکت ملی نفتکش:

بازار داخلی بانکرینگ برای کشور مناسب است

زمانی اقدام به خرید سوخت می کنند که نرخ ها مناسب تر باشد و اگر ۲ تا ۳ دلار هم در هر لیتر سوخت صرفه جویی کنند در ارقام بالا هزینه ها بسیار کاهش می یابد. مدیرعامل شرکت ملی نفتکش با تأکید بر اینکه سرعت و کیفیت سوخت رسانی برای کشتی های شرکت نفتکش امری مهم است، گفت: سیستم تعیین میزان سوخت دریافتی نیز در این حوزه قابل توجه است ضمن آنکه در بانکرینگ باید در بخش آلودگی های زیست محیطی بسیار دقت داشت ##### وی به تمایل استفاده از ال ان جی به جای مازوت در کشتی ها اشاره کرد و گفت: امروز ۶۰

اقتصاد مقاومتی و سیاست های اجرایی آن، بیان کرد: امروز شرکت ملی نفتکش و کشتی رانی جمهوری اسلامی ایران ۹۰ درصد تأمین سوخت را از داخل انجام می دهند، بنابراین بازار مناسبی در داخل برای بانکرینگ وجود دارد. وی افزود: یک کشتی در طول سال بیش از ۷۰ هزار تن مصرف سوخت دارد که با احتساب نرخ ۳۰۰ دلار، هزینه نجومی بابت سوخت باید توسط شرکت های کشتی رانی پرداخت شود. صفایی ادامه داد: امروز شرکت های کشتی رانی نرخ نفت را رصد می کنند و با توجه به برنامه سفر کشتی های خود

فروند کشتی در دنیا داریم که مصرف LNG دارند، ضمن آنکه در ۸۰ فروند کشتی زیرساخت مصرف انرژی فراهم است. صفایی ادامه داد: ال ان جی تولید آلایندگی زیست محیطی کمتری دارد اما قدرت کمتری به موتور می دهد. مدیرعامل شرکت ملی نفتکش بیان کرد: باید به سه برنامه کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت در موضوع توسعه بانکرینگ و بلندمدت توجه داشت که در میان مدت در راستای الزامات سوخت رسانی کشتی ها با دقت انجام شده و با استانداردها منطبق باشد.

وی ادامه داد: البته قبل از برداشته شدن تحریم ها هماهنگی های مناسبی بین شرکت ملی نفتکش، کشتی رانی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بنادر انجام شد و به طریقی به نتایجی دست یافتیم و این موارد در حوزه حمل و نقل دریایی به موافقت نامه ای منتج شد که موجب شده است امروز شرایط کار در این حوزه مناسب باشد.

صفایی با اشاره به کاهش نرخ های کرایه در حمل و نقل دریایی، بیان کرد: شرکت های کشتی رانی در بحث درآمدها باید فرصت ها را حفظ کنند، سوخت کشتی تا ۶۰ درصد هزینه های یک کشتی را در بر می گیرد که البته این رقم کمی کاهش یافته است. مدیرعامل شرکت ملی نفتکش با اشاره به

مدیرعامل شرکت ملی نفتکش با بیان اینکه ۶۰ درصد هزینه یک کشتی سوخت است، گفت: در حال حاضر ۹۰ درصد سوخت کشتی های شرکت نفتکش و کشتی رانی جمهوری اسلامی از داخل تأمین می شود و این نشان از وجود بازار مناسب داخلی در بانکرینگ یا همان ارائه خدمات رسانی دریایی به کشتی ها دارد.

علی اکبر صفایی در همایش سوخت رسانی دریایی (بانکرینگ) در خلیج فارس به کشتی ها، اظهار داشت: پس از برجام تحریم های حوزه حمل و نقل دریایی کاهش بسزایی یافت و غیر از برخی از مباحث نقل و انتقال پول، مباحث نظیر بیمه، پرچم، رده بندی و از این قبیل برای ناوگان کشتی رانی کشور وضع شد.

دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی نیازمند عملیاتی شدن برنامه خروج از رکود تورمی، ایجاد اشتغال مولد و غیر تورمی و رسیدن به هدف های سند راهبرد ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور است. بیشتر وزیران اقتصادی دولت بر این نکته تاکید دارند که همه مردم و ارکان حکومت باید تصمیم جدی بگیرند که وابستگی اقتصادی کشور را به درآمدهای نفتی قطع کنند؛ با علم به این که در بلندمدت، منافع فراوانی برای ملت ایران به همراه دارد و در کوتاه مدت همه ما می دانیم دشواری هایی را ایجاد خواهد کرد. بیژن زنگنه وزیر نفت چندی پیش اظهار کرد: در سال جاری صنعت پتروشیمی ایران وضعیت بسیار مناسبی دارد که مصداق بارز اقتصاد مقاومتی بوده است چنانکه با سرمایه گذاری و فاینانس جذب شده در این حوزه ارزش تولیدات سالیانه را پنج میلیارد دلار افزایش می دهد. وزیر نفت افزود: صنعت پتروشیمی ایران هم راستا با توسعه و پیشرفتی که در حوزه اقتصاد و صنعت کلید زده شده، روند رو به رشدی دارد و ارزش تولیدات پتروشیمی های کشور ۲۰ میلیارد دلار است که برنامه ریزی برای افزایش دوبرابری آن در دستور کار است. در این میان علی طیب نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز بر این اعتقاد است که اگر رشد اقتصادی در ایران در دهه های گذشته دچار نوسان شدید بوده است، دلیل آن را باید در وابستگی به درآمدهای نفتی جست جو کرد. وقتی قیمت نفت بالا و پایین می رود و درآمدهای نفتی کشور را دچار نوسان می کند، این نوسانات در اقتصاد کلان تأثیر می گذارد و رشد اقتصادی را همپای تورم، دچار نوسان های شدید می کند. وزیر اقتصاد دولت تدبیر و امید تاکید کرد: اگر در زمان وفور درآمدهای نفتی، این درآمدها را در بودجه دولت هزینه نمی کردیم، به طور یقین زمینه اثرگذاری تحریم ها هم به نحو موجود در ایران فراهم نمی شد. ما این تجربه را کردیم. وابستگی اقتصاد ما به درآمدهای نفتی افزایش پیدا کرد و در همین شرایط، تحریم ها بر ما تحمیل شد و آثار سوء آن را مشاهده کردیم. با توجه به تمام موارد مورد اشاره باید در نظر داشت که افزایش صادرات آن هم صادرات غیر نفتی نشانگر اقتصاد سالم و پویاست که به منزله توانمندی و ظرفیت بالفعل کشور برای ایجاد درآمد پایدار است و هر چه صادرات غیر نفتی کشور افزایش پیدا کند فرصت حضور در بازارهای جهانی هم گسترده تر خواهد شد که نتیجه اساسی این امر هم شکوفایی اقتصاد کشور و استفاده از درآمدهای آن است. تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد مهم امروز مورد توجه تمام مسئولان است و در این مسیر باید با هدف جلوگیری از خام فروشی و نیز کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی به دنبال تسهیل زمینه برای رونق بخشی به صادرات محصولات نهایی بود. پتروشیمی اکنون پایه های اقتصاد مقاومتی را در صنعت نفت ایران تشکیل می دهد و حمایت از این صنعت ارزش آفرین می تواند جایگاه اقتصاد و صنعت ایران را در سطح جهان تقویت کرده و افزون بر توسعه صادرات غیر نفتی روند توسعه اقتصادی کشورمان را نیز شتاب بخشد.

سیاست گذاری، رگلاتوری و بسترسازی به عنوان پشتیبان صنعت پتروشیمی فعالیت خواهد کرد. براساس ساختار جدید، شرکت ملی صنایع پتروشیمی به عنوان سازمان توسعه ای، سیاستگذار و حمایتگر و نقش آفرین در بازار صنعت پتروشیمی ایران است و در راستای شفاف سازی رابطه شرکت ملی صنایع پتروشیمی و وزارت نفت، بررسی توانمندی و تایید صلاحیت سرمایه گذاران در طرح های جدید و معرفی آنها به وزارت نفت برای اخذ مجوز خوراک از دیگر مواردی است که برای نقش آفرینی شرکت ملی صنایع پتروشیمی پیش بینی شده است. تحقق اقتصاد مقاومتی و جلوگیری از خام فروشی از مهمترین برنامه های صنعت پتروشیمی ایران در نقشه راه این صنعت به شمار می رود و باید گفت که همگان امروز بر این نکته تاکید دارند که پتروشیمی یکی از صنایع پیشتاز در تحقق اقتصاد مقاومتی و کاهش خام فروشی است. به عبارتی می توان به طور واضح فروش نفت و گاز و فرآورده های پالایشگاهی یا در صنعت پتروشیمی فروش پلی اتیلن، اوره و متانول را از مصادیق خام فروشی دانست و صنعت پتروشیمی می تواند با تبدیل این محصولات به محصولاتی با ارزش تر و تکمیل زنجیره ارزش در ایجاد ارزش افزوده نیز نقش آفرین باشد و همزمان نیز کیفیت و کمیت صادرات را ارتقاء دهد. امروز صنعت پتروشیمی ایران با حدود ۴۰ درصد بالاترین سهم را در صادرات غیر نفتی در اختیار دارد و باید این صنعت رو به رشد با اتخاذ برنامه ریزی های جامع و کامل در افزایش سهم صادرات غیر نفتی مشارکت بیشتری داشته باشد. امروز صنعت پتروشیمی ایران نقش غیر قابل انکاری در اقتصاد کشور دارد و ایران به عنوان یک قطب بزرگ پتروشیمی در سطح منطقه می تواند در عرصه بین المللی نیز حضوری پررنگ تر داشته باشد به شرط آن که تمام متولیان امر با همکاری و تعامل بیشتر در تصمیم گیری ها نقش آفرین باشند و مصالح کشور را در اولویت برنامه ریزی های خود قرار دهند. صنعت پتروشیمی ایران در مسیر رشد و توسعه خود توانسته دستاوردهای ارزشمندی را در طول بیش از ۵۰ سال عمر خود به دست آورد و به دلیل وجود زیرساخت های مناسب در صورت جذب سرمایه گذاری های جدید و افزایش ظرفیت تولید می تواند حضور جدی تری در بازارهای جهانی داشته باشد. ایران به عنوان دومین قدرت پتروشیمی در خاورمیانه حدود ۲۵ درصد از تولید محصولات پتروشیمی را در اختیار دارد و با توجه به طرح های توسعه ای که بزودی وارد مدار تولید خواهند شد سهم این صنعت در بازارهای داخلی و بین المللی افزایش خواهد یافت که با یک استراتژی جامع می توان بسیاری از بازارهای بین المللی را نیز کسب کرد.

عزم ملی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی
همزمان با تلاش برای تحقق اقتصاد مقاومتی، برای رسیدن به اهداف بلند مدت در توسعه صادرات غیر نفتی با بررسی و کنکاش دقیق فرصت ها و تهدیدهای پیش روی اقتصاد ایران در حوزه جهانی شدن می توان به رفع محدودیت ها و ضعف های موجود در زیرساخت های اقتصادی کشور پرداخت.

همزمان با تلاش برای تحقق اقتصاد مقاومتی، برای رسیدن به اهداف بلند مدت در توسعه صادرات غیر نفتی با بررسی و کنکاش دقیق فرصت ها و تهدیدهای پیش روی اقتصاد ایران در حوزه جهانی شدن می توان به رفع محدودیت ها و ضعف های موجود در زیرساخت های اقتصادی کشور پرداخت

رسیدن به اهداف بلند مدت در توسعه صادرات غیر نفتی با بررسی و کنکاش دقیق فرصت ها و تهدیدهای پیش روی اقتصاد ایران در حوزه جهانی شدن می توان به رفع محدودیت ها و ضعف های موجود در زیرساخت های اقتصادی کشور پرداخت و بدون تردید صنعت پتروشیمی در این هدف گذاری ها نقش آفرین است. دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی نیازمند عملیاتی شدن برنامه خروج از رکود تورمی، ایجاد اشتغال مولد و غیر تورمی و رسیدن به هدف های سند راهبرد ملی توسعه صادرات غیر نفتی کشور است و در این مسیر صنعت پتروشیمی به عنوان صنعتی پیشرو خود را آماده تحقق جهشی دوباره می کند. باید در نظر داشت که افزایش صادرات آن هم صادرات غیر نفتی نشانگر اقتصاد سالم و پویاست که به منزله توانمندی و ظرفیت بالفعل کشور برای ایجاد درآمد پایدار است و هر چه صادرات غیر نفتی کشور افزایش پیدا کند فرصت حضور در بازارهای جهانی هم گسترده تر خواهد شد که نتیجه اساسی این امر، شکوفایی اقتصاد کشور و استفاده از درآمدهای آن است. تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد مهم امروز مورد توجه تمام مسئولان است و در این راستا باید با هدف جلوگیری از خام فروشی و نیز کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی به دنبال تسهیل زمینه برای رونق بخشی به صادرات محصولات نهایی بود. صنعت پتروشیمی ایران با توجه به وجود زیرساخت های مطلوب و دارا بودن قابلیت های منحصر به فرد در تمامی ابعاد می تواند در آینده نه چندان دور اقتصاد ایران را متحول کرده و راه رسیدن به هدف های پیش بینی شده در چشم انداز ۱۴۰۴ را هموار کند. توسعه صنعت پتروشیمی در سال های گذشته به دلیل تحریم با مشکلاتی مانند عدم تخصیص بیمه، انتقال پول، انتقال و صادرات محصول و با مشکلاتی مانند عدم امکان استفاده از لایسنس های بین المللی و نیز انتقال فناوری مواجه بود و خوشبختانه اکنون پس از برجام به تدریج این مشکلات در حال رفع شدن است و در حال حاضر بزرگان صنعت پتروشیمی دنیا به دنبال حضور در بخش های مختلف صنعت پتروشیمی ایران هستند. در این میان باید بر این نکته تاکید کرد که شرکت ملی صنایع پتروشیمی در دوران پساتحریم با راهبردی جدید در مسیر برنامه ریزی های کلان،



افزایش صادرات محصولات پتروشیمی کلید تحقق اقتصاد مقاومتی

مقاومتی نباید انزوا و بسته شدن درها تعبیر شود و برای داشتن اقتصاد پویا، باید با دنیای پیرامون رابطه داشت و از فرصت های خارجی هم برای تقویت توان داخلی استفاده کرد. برخی تحلیل ها افزون بر ایجاد ثبات در حوزه اعمال سیاست های پولی، اعتباری و ارزی، کاهش وابستگی بودجه را به نفت مورد تاکید قرار می دهند و امروز کاهش خام فروشی از مهمترین عوامل تحقق اقتصاد مقاومتی است، براین اساس، برای دستیابی به رشد اقتصادی باید با دنیا ارتباط داشته باشیم و بتوانیم با بالا بردن حجم تولید به فکر آراوری از مسیر صادرات غیر نفتی باشیم.

پتروشیمی صنعتی پیشرو برای تحقق اقتصاد مقاومتی
همزمان با تلاش برای تحقق اقتصاد مقاومتی، برای

در نامه ای به معاون اول خود دستورهای ۱۱ گانه ای را برای عملیاتی کردن آنها ابلاغ کرد. با نگاهی به سخنان مقام معظم رهبری درباره لزوم توجه به کاهش خام فروشی و تحقق اقتصاد مقاومتی متوجه می شویم که با توجه به شرایط کنونی کشور، ضرورت توجه به صادرات غیر نفتی بیش از گذشته باید مورد توجه قرار گیرد تا بتوانیم اقتصاد مقاومتی را با تکیه بر توان داخلی و استفاده از تمام ظرفیت های اقتصادی و صنعتی کشور محقق کنیم. بدون تردید سیاست های اقتصاد مقاومتی، سند جامعی برای اقتصاد پایدار کشور و یک بحث کاملاً استراتژیک است که در کشورهایی که دارای اهداف بلند مدت و روحیه استقلال طلبی در بطن سیاست های داخلی و خارجی خود هستند، مطرح شده است. کارشناسان اقتصادی اعتقاد دارند که اقتصاد

سید فواد نبوی | اقتصاد ایران در روزهای پایانی
بهمن ماه سال ۱۳۹۲ شاهد ابلاغ یکی از مهمترین اسناد کلان و تعیین کننده کشورمان بود؛ سیاست های کلی اقتصادی موسوم به «اقتصاد مقاومتی» که از طرف رهبر معظم انقلاب اسلامی بر اساس بند یکم اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام به روسای هر سه قوه ابلاغ شد. کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز، ارتقای شاخص های عدالت اجتماعی، افزایش تولید، اشتغال و بهره وری از جمله موارد مطرح شده در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی است. به دنبال این ابلاغ، «حسن روحانی» رئیس جمهوری از یک سو در نامه ای به رهبری آمادگی دولت را برای اجرایی کردن این سیاست ها و عمل بر اساس مفاد آن اعلام کرد و از سوی دیگر



پسابرجام و فرصت سازی برای بخش خصوصی در صنعت گاز

فروغ گشتاسبی | ایران به عنوان دومین کشوردارنده ذخایر عظیم گاز طبیعی به میزان ۳۴ تریلیون مترمکعب که ۱۸ درصد ذخایر گازی جهانی را به خود اختصاص داده است، می تواند نقش مؤثری در بازار جهانی گاز با تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت های تولید گاز به ویژه در میدان های مشترک داشته باشد، چرا که توسعه صادرات گاز طبیعی افزون بر توسعه پایدار، به لحاظ سیاسی و بین المللی موجب در هم تنیدگی و وابستگی متقابل کشورهای نیازمند گاز به کشورمان خواهد شد و باعث می شود میزان اثرپذیری از شیطنت های اقتصادی بین المللی علیه کشورمان کاهش پیدا کند.

نگاهی به شرایط بین المللی نشان می دهد

پسابرجام فرصت مناسبی برای حضور قدرتمند بخش خصوصی ایران در بازارهای بین المللی گاز طبیعی است، زیرا توسعه روابط ایران و غرب در حوزه های اقتصادی در حال گسترش است و این مهم فرصتی استثنایی برای اثرگذاری ایران را در بازارهای جهانی گاز طبیعی فراهم خواهد کرد. اما آیا بخش خصوصی ایران توانایی ورود به بازارهای بین المللی بخصوص غربی را دارد؟ افزایش چشمگیر تولید گاز از میدان مشترک پارس جنوبی نیز افق های جدید صادراتی را در برابر ایران گشوده به طوری که هم اکنون مذاکرات گازی متعددی با کشورهای حاشیه خلیج فارس انجام شده یا در دست انجام است. مذاکرات صادرات گاز

با توجه به رقابت گاز طبیعی با نفت در اقتصاد جهان، توجه ویژه به چشم انداز، سیاست ها، مقررات و پژوهش های مرتبط با تجارت گاز در پسابرجام باید جزء اولویت های اصلی صنعت نفت کشور باشد

قراردادهای بلندمدت، از اهداف پیش روی ایران در بازار صادراتی گاز است.

افزایش ذخایر راهبردی گاز کشور

افزایش ذخایر راهبردی گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت های تولید گاز، به ویژه در میدان های مشترک، از جمله سیاست های کلی مرتبط با صنعت نفت کشور است. از آنجا که ایران کشوری غنی از لحاظ منابع هیدروکربوری است، هم اکنون از لحاظ ذخایر گازی در مقام اول جهان قرار دارد و با توجه به رویکردهای اقتصاد مقاومتی، در شرایط کنونی باید تلاش شود روند کلان روبه رشد اقتصادی کشور به مسیر خود ادامه داده و آسیب پذیری اقتصادی کشور در سال های تحریم کاهش پیدا کند. گفتنی است در شرایط برجام اقتصادی با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری در بندهای سیاست های کلان اقتصاد مقاومتی، صادرات گاز طبیعی به دلیل ایجاد چشم اندازهای روشن سیاسی و اقتصادی جزء اولویت های اصلی کشور در حوزه انرژی است. اقتصاد مقاومتی؛ تلاش برای خوداتکایی اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. در اقتصاد مقاومتی با رویکرد صادرات گاز کشورهای منطقه و نیز کشورهایی با همسویی ایدئولوژیک باید بر دیگران ترجیح داده شوند، چرا که کشورهایی با همبستگی بیشتر اقتصادی، در جهت حفظ روابط دوستانه و گسترش آن تلاش بیشتری خواهند داشت، زیرا در تعاملات منطقه به سبب مواجهه با تهدیدات و فرصت های مشترک، امنیت شان به هم گره خورده است. درواقع بلوکی از کشورهای همسایه و مجاور به لحاظ جغرافیایی، با حجم بزرگ اقتصاد و جمعیت، پایداری و صرفه اقتصادی بیشتری در مبحث صادرات گاز برای ما خواهند داشت و اگر سعی کنیم در پسابرجام به صنایع نفت، گاز و پتروشیمی به ویژه در بحث سرمایه گذاری و مشارکت های خارجی توجه ویژه داشته باشیم، در آینده نزدیک به صادرکننده عمده فرآورده های نفتی در منطقه تبدیل شده و می توانیم به پیشرفت های فنی و صنعتی بسیاری در این زمینه ها نائل شویم و در چنین شرایطی توسعه پایدار کشور تضمین و اقتصادی پویا در انتظار صنعت نفت بوده و در نهایت منجر به رفاه بیشتر برای مردم عزیز کشورمان خواهد شد.

الزام توجه به سیاست های مرتبط با تجارت گاز در پسابرجام

با توجه به رقابت گاز طبیعی با نفت در اقتصاد جهان، توجه ویژه به چشم انداز، سیاست ها، مقررات و پژوهش های مرتبط با تجارت گاز در پسابرجام باید جزء اولویت های اصلی صنعت نفت کشور در اقتصاد مقاومتی باشد. سهم گاز طبیعی در تقاضای جهانی انرژی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ رشد چشمگیری داشته است. این افزایش به دلیل قیمت های بالای نفت، سیاست های زیست محیطی و توسعه نیروگاه های گازی بوده به طوری که بازار سایر انرژی ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است و پیش بینی می شود سهم گاز طبیعی از سبد انرژی تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۳۰ درصد برسد. ایران با برخورداری از ۳۴ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز طبیعی، در صدر کشورهای دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان قرار گرفته و بهره مندی از شرایط یادشده منجر به ایجاد موقعیت استراتژیک خاصی برای ایران نسبت به کشورهای هم جوار، شده است. بیش از ۱۳ میدان گازی مستقل در خشکی و میدان های دریایی پارس جنوبی، پارس شمالی، سلمان، لاوان و کیش، مأموریت استحصال روزانه یک میلیارد مترمکعب گاز طبیعی را تا سه سال آینده برای کشور رقم زده و برآورد می شود بتوان بخش در خور توجهی از این تولید فزاینده را به کشورهای مقاضی صادر کرد. بنابراین لازم است با توجه به سیاست های برنامه کلان اقتصاد مقاومتی در زمینه برنامه های بلندمدت صادرات گاز دارای راهبردهای مشخصی باشیم، که می توان به نقش مهم و اثرگذار ایران در مجمع کشورهای صادرکننده گاز با توجه به افزایش اهمیت تجارت جهانی گاز طبیعی اشاره کرد. افزایش سهم «ال ان جی» در تجارت گاز طبیعی بررسی بازارهای گاز طبیعی جهان نشان می دهد در شرایط کنونی، حجم تجارت گاز طبیعی با خط لوله به مراتب بیش از ال ان جی است و پیش بینی می شود با ارتقای فناوری و توسعه صنعت تولید ال ان جی در جهان، رشد سهم این بخش در تجارت گاز طبیعی در سال های آینده، به مراتب بیش از خط لوله باشد و حتی برخی تحلیلگران از احتمال شکل گیری نخستین معاملات بازار جهانی گاز به صورت تک محموله و برای خرید و فروش محموله ال ان جی هر یک از کشتی های ویژه حمل آن خبر می دهند و معتقدند بازار گاز طبیعی در سال های آینده با تکیه بر محموله های ال ان جی، تعریف جدیدی خواهد یافت و می تواند به عنوان بازاری قابل اعتماد مانند بازار جهانی نفت خام، در عرصه جهانی ایفای نقش کند. در نتیجه، با در نظر گرفتن پیشرفت های فنی، افزایش تقاضا و تعریف قراردادهای جدید موسوم به IPC در پسابرجام، سودآوری فعالیت در بازار ال ان جی انکارناپذیر خواهد بود. کشورهای آسیای جنوب شرقی از جمله ژاپن، کره جنوبی، تایوان و... مصرف کنندگان اروپایی به ویژه بلژیک، فرانسه، یونان، ایتالیا، پرتغال و اسپانیا، اصلی ترین مصرف کنندگان ال ان جی در جهان هستند که در آینده نزدیک مصرف کنندگانی از آسیا، به ویژه کشورهای چین و هند در همسایگی ایران به این مجموعه اضافه

خواهند شد که نشانگر شکل گیری بازاری مطلوب برای کشورهای تولیدکننده ال ان جی در دنیاست. تداوم و جدیت در اجرای پروژه های صادرات گاز با روی کار آمدن دولتی که شعارش تدبیر و امید و سیاستش تعامل سازنده با کشورهای دیگر است، ماراتن نفسگیر برجام سیاسی در سال ۱۳۹۴ به سرانجام رسید و اکنون با غمی راسخ و همتی بلند با نگاه به برجام اقتصادی و با توجه به سیاست های کلان اقتصاد مقاومتی، پروژه های مربوط به صادرات گاز ایران، با جدیت هر چه تمام تر دنبال می شود و براساس سیاست های وزارت نفت، اولویت صادرات گاز ایران در مرحله اول کشورهای همسایه و در مرحله بعدی و با توسعه صنعت «ال ان جی»، ورود به سایر بازارهای جهانی گاز خواهد بود. انعقاد قراردادهای جدید صادرات گاز در سال جدید در سال های گذشته تعاملات گازی گسترده ای با کشورهای ترکمنستان، ارمنستان، آذربایجان و ترکیه وجود داشته و به زودی عراق نیز به این کشورها اضافه خواهد شد؛ ضمن اینکه مذاکرات لازم با دیگر کشورهای منطقه خلیج فارس، از جمله امارات، کویت، بحرین، عمان، هند، چین، گرجستان و برخی از کشورهای صاحب صنعت اروپایی در سال ۱۳۹۴ صورت گرفته و سعی می شود در پسابرجام زمینه های عقد قرارداد و سرمایه گذاری در صنعت صادرات گاز طبیعی ایران با جدیت دنبال شود. علاوه بر قراردادهای کنونی صادرات گاز و همچنین مذاکراتی که برای صادرات گاز در جریان است، بحث «ال ان جی» نیز از دهه ۸۰ مورد تأکید ویژه وزیر نفت بوده که در این باره می توان به سه پروژه پارس، پرشین و ایران ال ان جی اشاره کرد که به دلیل تحریم ها دو پروژه پارس و پرشین ال ان جی از سال ۱۳۸۹ متوقف شد، ولی پروژه ایران ال ان جی با پیشرفت حدود ۵۰ درصد در جریان است که در پرتو برجام اقتصادی به زودی اقدامات لازم درباره تکمیل و راه اندازی این پروژه ها آغاز خواهد شد.

متنوع سازی بازار گاز

همچنین در بخش متنوع سازی بازار گاز می توان به موضوع بهره برداری از واحدهای شناور ال ان جی (FLNG) به عنوان گزینه دیگری برای تولید زود هنگام ال ان جی و ورود به باشگاه جهانی تولید کنندگان ال ان جی اشاره کرد که امید است در پسابرجام با انتخاب شرکای صاحب نام خارجی این مهم نیز میسر شود و حامل خبرهای غرور آفرین برای مردم باشیم. با توجه به چشم انداز ایران از لحاظ ذخایر عظیم گازی، موقعیت استراتژیک جغرافیایی در منطقه خاور میانه، جذابیت های صنعت نفت ایران برای دیگر کشورها، امنیت سرمایه گذاری و همچنین دیپلماسی جدید دولت در تعامل سازنده با دیگر کشورها در سایه توجه و پیروی از اصول بندهای اقتصاد مقاومتی، می توان امید داشت در سال ۱۳۹۵ با دروازه های برجام اقتصادی، آینده ای روشن در انتظار صادرات گاز ایران باشد؛ آینده ای که شاهد رشد و شکوفایی اقتصادی کشور و ورق خوردن برگ های زرین دیگری در تاریخ صدساله صنعت نفت خواهد بود.

شراکت نفتی با چه کسی؟

دنیای انرژی | روند اجرای قراردادهای نفتی در حالی با توضیحات روز یکشنبه وزیر نفت در نشست غیر علنی مجلس شورای اسلامی در مسیری هموارتر برای اجرا قرار گرفته است که بحث‌ها در رابطه با چگونگی انتخاب شرکای نفتی در آینده با نظرات مختلفی همراه است. براین اساس در حالی که صنعت نفت ایران پس از اجرای برجام و توافق کلی مجلس و دولت در رابطه با اجرای قراردادهای جدید نفتی در انتظار ورود سرمایه‌گذاران بین‌المللی است؛ عیارسنجی شرکت‌های بین‌المللی انرژی به محلی بحث میان کارشناسان تبدیل شده است. بحث عیارسنجی شرکت‌های خارجی برای ورود به صنعت نفت کشور اما با اعلام زبان شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی در ماه گذشته، مورد توجه ویژه کارشناسان نفتی قرار گرفت و با سؤالاتی همراه شد که به چرایی همکاری صنعت نفت ایران با شرکت‌هایی که زبان ده بوده‌اند اشاره داشت. براین اساس درحالی که هدف اصلی قراردادهای جدید نفتی، جذب سرمایه و تکنولوژی شرکت‌های بزرگ نفتی به منظور توسعه میدان‌های نفتی کشور و افزایش تولید است، چندی قبل و با اعلام زبان شرکت‌های بزرگ نفتی؛ این سوال مطرح شد که همکاری با شرکت‌هایی که زبان‌های شدیدی را به ثبت رسانده‌اند منطقی است یا خیر؟

این سوال در شرایطی مطرح می‌شود که اخیراً برخی کارشناسان با توجه به فراهم شدن شرایط حضور طرف‌های خارجی در پروژه‌های نفتی کشور این پیشنهاد را مطرح می‌کنند که به جای تمرکز بر همکاری با شرکت‌های بزرگی که اخیراً زبان‌هایی را به ثبت رسانده‌اند، شرکت‌های کوچک صاحب دانش فنی (که قبلاً به شرکت‌های بزرگ خدمات می‌داده‌اند) نیز در اولویت همکاری

قرار گیرند. غلامحسین حسنتاش، تحلیلگر ارشد صنعت نفت به‌عنوان یکی از موافقان پیشنهاد همکاری صنعت نفت کشور با شرکت‌های کوچک نفتی به‌جای شرکت‌های بزرگ بین‌المللی در گفت‌گو با «دنیای اقتصاد» می‌گوید: «البته من از آخرین وضعیت مالی و اقتصادی این شرکت‌ها اطلاع دقیقی ندارم، ولی مسلماً این زبان نمی‌تواند به معنی ورشکستگی شرکت‌های بزرگ نفتی باشد. درآمد شرکت‌های بزرگ نفتی وابستگی زیادی به قیمت‌های جهانی نفت دارد. این شرکت‌ها در دوران رونق نفتی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ سودهای فراوانی برده‌اند و حالا هم بعضاً ضرر می‌کنند ولی هنوز با ورشکستگی فاصله دارند. البته یک تحول ساختاری در صنعت

جهانی نفت اتفاق افتاده است که ممکن است به ورشکستگی یا هر نوع تحول دیگر در این شرکت‌ها کمک کند، آن اتفاق این است که سهم فناوری در توسعه‌های نفتی افزایش یافته و سهم سرمایه به نسبت کمتر شده است، بنابراین شرکت‌های کوچک صاحب دانش فنی که قبلاً به شرکت‌های بزرگ مذکور خدمات می‌داده‌اند حالا بعضاً خودشان رقیب شرکت‌های بزرگ شده‌اند، علاوه بر این، با ظهور بعضی از شرکت‌های ملی نفت مانند شرکت‌های ملی چینی و استات‌اویل نروژ و پتروناس مالزی و پتروبراس برزیل در صحنه بین‌المللی، سطح رقابت گسترش یافته است، بنابراین اگر شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نتوانند چابک‌تر عمل کنند و خودشان را با

وضعیت جدید تطبیق بدهند مشکل پیدا خواهند کرد.» حسنتاش در حالی عقیده دارد سهم فناوری در توسعه میدان‌های نفتی به نسبت سرمایه بیشتر شده است که از نگاه سعید لیلانز، کارشناس اقتصادی؛ صنعت نفت ایران هنوز به حجم زیادی سرمایه نیاز دارد و تکنولوژی و دانش مدیریتی که شرکت‌های کوچک نفتی دارا هستند، پاسخگوی تمام نیازهای فعلی صنعت نفت کشور و جبران عقب‌افتادگی‌های فراوان در زمینه توسعه میدان‌ها و برداشت از میدان مشترک نخواهد بود. از نگاه حسنتاش اما «شرکت‌های بزرگ نفتی که حالا دچار زبان‌های مالی شده‌اند هیچ‌گاه به معنای واقعی شرکای نفتی ایران نبوده‌اند و بعضی از این شرکت‌ها که اروپایی هستند در یک دوره در قالب قراردادهای بیع متقابل خدماتی را به ایران داده‌اند و رفته‌اند و این نحوه همکاری با شراکت خیلی فرق می‌کند.» این کارشناس ارشد نفتی در ادامه می‌گوید: «ضمناً همان‌طور که اشاره کردم این‌طور نیست که همه اینها به سادگی حذف بشوند به هر حال بسیاری از این شرکت‌ها حدود یک سده و بیشتر است که فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرده‌اند، علاوه بر این امروز دانش و تخصص منحصر به این شرکت‌های نامی نیست و معتقدم اگر ما نقشه راه توسعه میدان خود را ترسیم کرده باشیم و بدانیم برای اجرا چه کم داریم و چه می‌خواهیم، بدون آنها نمی‌توانیم نیازهای خود را تامین کنیم». حسنتاش بر این نکته تأکید دارد که «صنعت نفت مادر برگزاری مناقصه‌های نفتی و مذاکرات قراردادی باید توجه داشته باشد که شرکت‌های نفتی هم‌اکنون در موضع انفعال و ضعف و نیازمند گرفتن کار هستند، البته هر نوع همکاری به برطرف شدن موانع سیاسی بستگی دارد.»

لزوم کم کردن قیدها برای ورود سرمایه‌گذاران

اما در حالی که حسنتاش در صحبت‌های خود به لزوم برطرف شدن موانع سیاسی برای شکل گرفتن هر نوع همکاری اشاره می‌کند، لیلانز به‌عنوان یک کارشناس اقتصادی به «دنیای اقتصاد» می‌گوید: باید توجه داشت که حتی با اجرای برجام، بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی نفتی چه به دلیل رقابت‌های سیاسی و اقتصادی در منطقه و چه در داخل کشور با محدودیت‌هایی برای همکاری با صنعت نفت ایران همراه هستند، در چنین حالتی ما باید شرایطی را فراهم کنیم تا حداکثر امکان پذیرش برای شرکت‌های خارجی فراهم شود تا بتوانیم از فرصت‌های بیشتری استفاده کنیم.





از نگاه لیلز، در حالی که برخی محدودیت‌ها برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی به صنعت نفت ایران به شکل ذاتی وجود دارد، بهتر است از اضافه کردن قیدهایی که می‌تواند شرایط را سخت‌تر کند بپرهیزیم. این کارشناس مسائل اقتصادی همچنین با توجه به اینکه علت اصلی رجوع صنعت نفت کشور به شرکت‌های بین‌المللی نفتی ابتدا دریافت سرمایه و سپس تکنولوژی و مدیریت در بلندمدت است، می‌گوید: هر قدر که ما محدودیت‌هایی برای شرکت‌های خارجی مایل به همکاری با صنعت نفت کشور ایجاد کنیم، انحصار و رانت بیشتری برای شرکت‌های باقی‌مانده ایجاد خواهیم کرد که این موضوع خوشایندی نیست.

حسنتاش اما در پاسخ به این سوال «دنیای اقتصاد» که جایگزین‌های احتمالی شرکت‌های بزرگ نفتی که قادر به انتقال تجربه کارآمد و دانش فنی به شرکت‌های ایرانی باشند کدام‌ها خواهند بود، می‌گوید: باید توجه داشت که انتقال دانش و تجربه و فناوری به شرایط دوطرف انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده بستگی زیادی دارد و استعداد و آمادگی انتقال‌گیرنده خیلی مهم‌تر است که از ابتدای کار و از نحوه استخدام شرکت‌ها و مذاکرات قراردادی و تعهداتی که باید گرفت خود را آماده نشان می‌دهد. ما اگر آمادگی‌های ساختاری و توانایی‌های نیروی انسانی را فراهم نکنیم در هر صورت انتقالی اتفاق نخواهد افتاد.»

اما در حالی که حسنتاش عقیده دارد انتقال فناوری به شرایط‌گیرنده و مشخص بودن برنامه‌های آن بستگی دارد و چنانچه برنامه‌ای مدون در صنعت نفت وجود نداشته باشد انتقال فناوری از طریق شرکت‌های خدماتی کوچک نیز اتفاق خواهد افتاد، یک عضو معاونت برنامه‌ریزی وزارت نفت عقیده دارد در حال

حاضر صنعت نفت در شرایطی قرار ندارد که بتواند با تکیه بر داشته‌های شرکت‌های خدماتی چندملیتی نفتی موفق به انتقال تکنولوژی و فرهنگ سازمانی پیشرفته شود. علی‌خواجوی در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» می‌گوید: نقشی که شرکت‌های بزرگ بین‌المللی (IOC) در حال حاضر می‌توانند برای صنعت نفت کشور ایفا کنند از عهده شرکت‌های چندملیتی نفتی (SOC) بر نمی‌آید، شاید در نتیجه همکاری با شرکت‌های پایین‌دستی نفتی بتوان بخشی از نیازها را جبران کرد اما انتقال و رسوب دانش فنی در صنعت نفت زمانی رخ خواهد داد که یک همکاری بلندمدت با شرکت‌های بزرگ نفتی شکل بگیرد و در نتیجه آن، سازمانی مشترک و مدیریتی یکپارچه میان صنعت نفت ایران و سرمایه‌گذاران مطرح بین‌المللی ایجاد شود. از نگاه خواجوی همکاری با شرکت‌های خدماتی پایین‌دستی ماهیتا کوتاه‌مدت است، این در حالی است که لازمه انتقال دانش فنی، همکاری‌های بلندمدت و دوجانبه است، ضمن اینکه این شرکت‌ها معمولاً به دلیل منابع محدود قادر به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی نیستند.

خواجوی عقیده دارد: بحث دیگر در رابطه با همکاری با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی این است که این شرکت‌ها مدیریت کل پروژه از مهندسی گرفته تا خرید کالا و نصب و راه‌اندازی تاسیسات را بر عهده می‌گیرند که منجر به مدیریت بهینه کل زنجیره یک پروژه می‌شود، بنابراین چنین همکاری می‌تواند ارزش‌آفرینی بیشتری به همراه داشته باشد تا زمانی که کارها به‌صورت تکه تکه به شرکت‌های کوچک

برون‌سپاری می‌شود. از نگاه این کارشناس نفتی، مدیریت و سازماندهی

شل، بی‌پی، شورو، اکسون موبیل و... این شرکت‌ها در آینده‌ای نه چندان دور مجبور به تغییر رویه برای حفظ قدرت خود خواهند بود. آن‌طور که خواجوی می‌گوید نگاهی به گذشته این شرکت‌ها نشان می‌دهد، این نخستین بار نیست که این شرکت‌ها با چالش‌های جدی در فعالیت خود مواجه می‌شوند. برای مثال هم‌زمان با شکل گرفتن موج ملی شدن صنعت نفت در کشورهای صاحب منابع نفتی در دهه ۷۰ میلادی، شرکت‌های بین‌المللی نفتی (IOC) تسلط پیشین خود بر منابع نفتی را از دست دادند. با این وجود این شرکت‌ها با استفاده از سرمایه و تکنولوژی خود رویه کاری جدیدی را بر مبنای همکاری با شرکت‌های ملی نفت آغاز کردند. چنین تغییر سیاستی در زمان کاهش شدید قیمت نفت نیز در روند کاری شرکت‌های بزرگ نفتی مشاهده شده است. به گفته خواجوی، سپردن کارهای تخصصی به شرکت‌های کوچک پایین‌دستی (SOC) که از سوی شرکت‌های مادر اتفاق افتاد، منجر به کاهش هزینه‌های تولید به منظور انطباق با شرایط جدید قیمتی و مدیریت شرایط بحرانی دهه ۹۰ تا میانه ۲۰۰۰ میلادی شد؛ اتفاقی که از دیگر سو در سال‌های یاد شده باعث رشد و توانمندی مالی و تکنولوژیک شرکت‌های خدماتی پایین‌دستی شد. حال اگر چه شرکت‌های کوچک نفتی از قدرت مالی و فنی قابل ملاحظه‌ای برخوردار هستند، با این وجود کارشناسان عقیده دارند این شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های بزرگ نفتی از توان کافی برای تامین مالی پروژه‌های نفتی ایران برخوردار نیستند. برای مثال اگر چه ممکن است کشوری مانند عربستان سعودی برای تامین مالی به شرکت‌های بزرگ نفتی احتیاج نداشته باشد، اما صنعت نفت ایران که سال‌های سخت تحریم را پشت سر گذاشته و با کمبود نقدینگی برای توسعه طرح‌های خود مواجه است، برای پیشبرد اهداف خود از سرمایه و دانش شرکت‌های بزرگ نفتی در غالب همکاری‌های مشترک در طولانی‌مدت انتفاع بیشتری خواهد برد. با این وجود باید منتظر ماند و دید اتفاق نظری که حالا نسبت به قراردادهای جدید نفتی در میان دولت و مجلس ایجاد شده است، صنعت نفت کشور را به سوی کدام یک از شرکت‌های سرمایه‌گذار نفتی رهنمون خواهد کرد.



بحث دیگر در رابطه با همکاری با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی این است که این شرکت‌ها مدیریت کل پروژه از مهندسی گرفته تا خرید کالا و نصب و راه‌اندازی تاسیسات را بر عهده می‌گیرند که منجر به مدیریت بهینه کل زنجیره یک پروژه می‌شود، بنابراین چنین همکاری می‌تواند ارزش‌آفرینی بیشتری به همراه داشته باشد تا زمانی که کارها به‌صورت تکه تکه به شرکت‌های کوچک برون‌سپاری می‌شود

سواپ کلیدی خورد

این ترتیب، رابطه گازی ایران با این کشور از حالت نیاز و اضطرار خارج شده است. وی با اعلام اینکه امسال، قطعه دوم خط انتقال گاز ششم سراسری به بهره‌برداری می‌رسد، گفت: اعتماد و واگذاری پروژه‌ها به پیمانکاران داخلی در دستور کار شرکت ملی گاز ایران است. به گزارش شانا، عراقی در ادامه از اتصال زاهدان به شبکه گازرسانی کشور تا پایان امسال خبر داد و تصریح کرد: خط لوله این اتصال گازی ۲۰۰ کیلومتر است که طی ۱۰ سال گذشته تنها ۸۰ کیلومتر آن تکمیل شده بود که تصمیم گرفتیم با پیمانکار قبلی خاتمه کار دهیم تا شرکت ملی گاز ایران تمام و بهره‌برداری آن را به دست بگیرد که البته پایان امسال نیز این اتفاق خواهد افتاد. وی حضور در فرصت‌های تجارت جهانی گاز را از دیگر اهداف شرکت ملی گاز ایران برشمرد و عنوان کرد: قراردادهای سواپ گازی را به‌طور جدی دنبال می‌کنیم و در این زمینه در حال امضای چند قرارداد هستیم.

عراقی با بیان اینکه مدل کسب و کار شرکت ملی گاز ایران بر برون‌سپاری متمرکز شده است، گفت: مأموریت اصلی شرکت ملی گاز ایران هم‌اکنون در حوزه مدیریت گاز کشور متمرکز شده و افزون بر این، به دنبال تغییر و احیای ساختار این شرکت هستیم. معاون وزیر نفت سپس به پروژه انتقال گاز از جنوب به شمال کشور اشاره کرد و افزود: این پروژه نیاز به ۱۲۰۰ میلیارد تومان سرمایه دارد که ضمانت‌های لازم برای بازگشت سرمایه همراه با سود آن، پس از دو سال از بهره‌برداری داده خواهد شد. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با اشاره به اینکه بهره‌برداری از مخازن گاز سی‌ان‌جی در چند شهر کشور آغاز شده است، گفت: این روش برای مناطقی که کوهستانی یا جنگلی است، کارایی دارد و بهره‌برداری از آن را در برخی نقاط کشور آغاز کرده‌ایم. وی با بیان اینکه مصرف گاز ال‌ان‌جی (LNG) در داخل توجیه اقتصادی ندارد، عنوان کرد: این محصول می‌تواند در سبب صادراتی کشور قرار گیرد.



گمانه‌زنی درباره برندگان احتمالی مناقصه نفتی ایران

آزادگان به توتال می‌رسد؟



برگزاری مناقصه‌های نفتی یکی از اهدافی است که وزارت نفت قصد دارد در سال آخر دولت یازدهم به آن تحقق بخشد؛ موضوعی که پای غول‌های بزرگ انرژی جهان را دوباره به صنعت نفت ایران باز می‌کند. تاکنون تاریخ‌های مختلفی برای برگزاری نخستین مناقصه نفتی ایران پس از رونمایی از قراردادهای جدید و لغو تحریم‌ها از سوی مسئولان اعلام شده که هر بار به دلایلی به تعویق افتاده است. هر چند بخش عمده‌ای از این تأخیر ناشی از اختلافات داخلی بر سر مدل جدید قراردادهای نفتی بود که در نهایت در هفته‌های پایانی تابستان امسال تا حدودی فرو نشست. در نهایت اوایل آبان‌ماه، آخرین تاریخی است که از سوی علی‌کارد، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران برای برگزاری این مناقصه‌ها اعلام شد. قرار است در این مناقصه‌ها میادین نفتی ایران به سرمایه‌گذاران علاقه‌مند معرفی شود تا شرکت‌های بزرگ نفتی دنیا، برای سرمایه‌گذاری در آنها و توسعه این میادین اقدام کنند. موضوعی که حالا برای کسانی که اخبار صنعت نفت را پیگیری می‌کنند یک سوال شده، و آن اینکه متقاضیان سرمایه‌گذاری در میادین نفتی ایران کدام شرکت‌ها هستند و هر شرکت خود را آماده شرکت در مناقصه کدام میدان می‌کند. نخستین مناقصه نفتی ایران با قراردادهای جدید در حالی برگزار می‌شود که چندی پیش کاردار امضای هفت قرارداد محرمانگی با شرکت‌های نفتی بین‌المللی با هدف انجام مطالعات مربوط به میادین نفتی خبر داده و گفته بود این شرکت‌ها قرار است نتایج مربوط به مطالعات این میادین را در اختیار ما قرار دهند و تعهدی برای ما برای واگذاری توسعه میادین به این شرکت‌ها ایجاد نخواهد شد و تأکید

کرده بود در واقع شرکت ملی نفت از طریق امضای این قراردادها از خدمات مشاوره‌ای این شرکت‌ها برای مطالعه میادین استفاده می‌کند. موضوعی که هر چند به طور دقیق مشخص نمی‌کند کدام شرکت‌ها در مناقصه کدام میدان شرکت می‌کنند، اما حداقل از تمایل هر شرکت برای جمع‌آوری اطلاعات میادین خاص خبر می‌دهد که می‌تواند گام نخست شرکت در مناقصه میدان بوده و البته رقیبان خارجی را هم نسبت به تمایل هر شرکت برای هر میدان آگاه می‌کند. توتال فرانسه، پترومینای اندونزی، لوک اوایل روسیه، زاروبژ نفت روسیه، او.ام.وی اتریش و وینترشال آلمان، یک سری قراردادهای محرمانگی بودند که معاون وزیر نفت به آنها اشاره کرد. با توجه به امضای قراردادهای محرمانگی و نزدیک شدن به زمان برگزاری مناقصه‌های نفتی، باید منتظر نشست و دید در نهایت بار کدام قرارداد به منزل کدام متقاضی می‌رسد و کدام شرکت نفتی مسئولیت توسعه کدام یک از میادین نفتی کشورمان را عهده‌دار می‌شود.

بر اساس این گزارش، اوایل سال جاری بود که وزیر نفت از امضای سند محرمانگی قرارداد «توسعه میدان نفتی آزادگان جنوبی» بین شرکت ملی نفت ایران و «توتال فرانسه» خبر داده و گفته بود در حال حاضر شرکت توتال فرانسه در حال مطالعه حضور در این میدان نفتی است.

لوک اوایل روسیه، شرکت دیگری است که با ایران قرارداد محرمانگی امضا کرده است. این شرکت در اواخر تابستان با شرکت ملی نفت ایران برای مطالعه دو «میدان نفتی منصوری و آب تیمور» قرارداد محرمانگی امضا کرده بود. البته وحید علی‌اکبروف، مدیرعامل لوک اوایل اعلام کرده بود که به برررسی

اکتشاف نفت در بخشی از دریای خزر در نزدیکی ایران، علاقه‌مند هستند. این قراردادها از خدمات مشاوره‌ای این شرکت‌ها برای مطالعه میادین استفاده می‌کند. موضوعی که هر چند به طور دقیق مشخص نمی‌کند کدام شرکت‌ها در مناقصه کدام میدان شرکت می‌کنند، اما حداقل از تمایل هر شرکت برای جمع‌آوری اطلاعات میادین خاص خبر می‌دهد که می‌تواند گام نخست شرکت در مناقصه میدان بوده و البته رقیبان خارجی را هم نسبت به تمایل هر شرکت برای هر میدان آگاه می‌کند. توتال فرانسه، پترومینای اندونزی، لوک اوایل روسیه، زاروبژ نفت روسیه، او.ام.وی اتریش و وینترشال آلمان، یک سری قراردادهای محرمانگی بودند که معاون وزیر نفت به آنها اشاره کرد. با توجه به امضای قراردادهای محرمانگی و نزدیک شدن به زمان برگزاری مناقصه‌های نفتی، باید منتظر نشست و دید در نهایت بار کدام قرارداد به منزل کدام متقاضی می‌رسد و کدام شرکت نفتی مسئولیت توسعه کدام یک از میادین نفتی کشورمان را عهده‌دار می‌شود.

بر اساس این گزارش، اوایل سال جاری بود که وزیر نفت از امضای سند محرمانگی قرارداد «توسعه میدان نفتی آزادگان جنوبی» بین شرکت ملی نفت ایران و «توتال فرانسه» خبر داده و گفته بود در حال حاضر شرکت توتال فرانسه در حال مطالعه حضور در این میدان نفتی است.

لوک اوایل روسیه، شرکت دیگری است که با ایران قرارداد محرمانگی امضا کرده است. این شرکت در اواخر تابستان با شرکت ملی نفت ایران برای مطالعه دو «میدان نفتی منصوری و آب تیمور» قرارداد محرمانگی امضا کرده بود. البته وحید علی‌اکبروف، مدیرعامل لوک اوایل اعلام کرده بود که به برررسی

اکتشاف نفت در بخشی از دریای خزر در نزدیکی ایران، علاقه‌مند هستند. این قراردادها از خدمات مشاوره‌ای این شرکت‌ها برای مطالعه میادین استفاده می‌کند. موضوعی که هر چند به طور دقیق مشخص نمی‌کند کدام شرکت‌ها در مناقصه کدام میدان شرکت می‌کنند، اما حداقل از تمایل هر شرکت برای جمع‌آوری اطلاعات میادین خاص خبر می‌دهد که می‌تواند گام نخست شرکت در مناقصه میدان بوده و البته رقیبان خارجی را هم نسبت به تمایل هر شرکت برای هر میدان آگاه می‌کند. توتال فرانسه، پترومینای اندونزی، لوک اوایل روسیه، زاروبژ نفت روسیه، او.ام.وی اتریش و وینترشال آلمان، یک سری قراردادهای محرمانگی بودند که معاون وزیر نفت به آنها اشاره کرد. با توجه به امضای قراردادهای محرمانگی و نزدیک شدن به زمان برگزاری مناقصه‌های نفتی، باید منتظر نشست و دید در نهایت بار کدام قرارداد به منزل کدام متقاضی می‌رسد و کدام شرکت نفتی مسئولیت توسعه کدام یک از میادین نفتی کشورمان را عهده‌دار می‌شود.

معاون مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در امور مهندسی و توسعه:

وجود ظرفیت داخلی سازی ۷۰ درصد در صنعت نفت کشور



حرکت تحولی برای درخشش در صنعت نفت جهان

وی کارکنان صنعت نفت را موظف به حفظ اهداف سازمان دانست و گفت: اگر کارشناسان ما به کار خود مطمئن باشند و از آن دفاع کنند، سازمان مورد حمله قرار نمی‌گیرد و این فرهنگ باید در لایه‌های سازمان فرهنگ‌سازی شود و باید با شفافیت و بازگویی حقایق در دفاع از سیستم کوتاهی نکنیم.

غلامرضا منوچهری انتخاب نیروهای نخبه را به عنوان یک اصل اساسی در صنعت نفت جهان عنوان کرد و افزود: باید با انتخاب نخبگان و همکاری با شرکت‌های بین‌المللی به عنوان سازمان پیشگام عمل کنیم و فعالیت نکردن ما در عرصه بین‌الملل باعث شده همچون گذشته پیشگام نباشیم. وی صنعت نفت جهان را صنعتی در حال تحول برشمرد و گفت: در آمریکا با توسعه فناوری‌های شیل‌ویل و شیل‌گس‌ها شاهد تحول بازار انرژی بوده‌ایم؛ بر همین اساس در حوزه ریکواری و میادین مشترک باید با یک حرکت تحولی به عنوان صنعت نفت برجسته در دنیا بدرخشیم.

معاون مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با بیان اینکه در الگوی جدید قراردادهای نفتی باید حداکثر جذب فناوری صورت گیرد، گفت: سهم ساخت داخل در این الگوی قراردادی باید به ۷۰ درصد برسد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شرکت ملی نفت ایران، غلامرضا منوچهری، معاون مهندسی و توسعه شرکت ملی نفت ایران، در مراسم تودیع و معارفه مدیران عامل شرکت نفت و گاز پارس که صبح شنبه ۱۰ مهر در ساختمان مرکزی شرکت برگزار شد، گفت: فرهنگ کارکنان شرکت نفت و گاز پارس در حفظ شأن مدیریت بسیار بالاست.

وی انتخاب مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس را براساس صداقت، درستی و پایبندی به اهداف برشمرد و گفت: با توجه به کار سنگینی که در این شرکت انجام می‌شود، نمی‌توان جز براساس شایستگی به انتخاب مدیر دست زد. منوچهری و مدیرعامل شرکت را نماینده همه مدیران و مجریان طرح‌ها دانست و گفت: همه مدیران و مجریان مسئول فعالیت‌های خود هستند و باید برای اجرای حجم گسترده کارهای توسعه‌ای و بهره‌برداری اهتمام ورزند.

قراردادهای جدید نفتی عاملی برای جذب سرمایه

معاون توسعه و مهندسی مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با یادآوری اهداف قراردادهای جدید نفتی، بیان کرد: باید در ماه‌های آینده با جذب حداکثری سرمایه از بازارهای بین‌المللی و همچنین جذب فناوری، به افزایش سهم ساخت داخل به بیش از ۷۰ درصد دست پیدا کنیم. وی از روند کند پروژه‌های توسعه‌ای ابراز نگرانی کرد و گفت: با وجود منابع کافی برای تکمیل پروژه‌های پارس جنوبی، همچنان شاهد کندی تغییر کند و سرعت کار افزایش یابد. وی بر لزوم اجرای سریع‌تر پروژه‌ها تأکید کرد و گفت: در دوران جدید زمان حرف اول را می‌زند و اگر برای مثال، در گذشته چاهی در ۱۲۰ روز حفر می‌شد باید این میزان به ۶۰ روز برسد، چرا که این استاندارد جهانی است و ما باید سریع‌تر عمل کنیم.

منوچهری با اشاره به اینکه پروژه‌های مشترک با شرکت‌های خارجی از سوی شرکت ملی نفت ایران رهبری می‌شود، گفت: براین اساس باید با اقتدار با شرکت‌ها رفتار کنیم و نباید ضعف نشان دهیم.



اظهار نظر یک تحلیلگر اقتصادی در روابط بین الملل:

IPC و پیشتازی اقتصاد دانش بنیان در صنعت نفت

گرجاسب فروغی | الگوی جدید قرار دادهای نفتی ایران، برای شرکت‌های خارجی جذابیت‌های زیادی دارد، اما این قراردادها هنوز در نقطه‌ای قرار ندارد که بتواند حضور شرکت‌های نفتی بین‌المللی طراز اول را در صنعت نفت ایران، تضمین کند.

تداوم تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، به‌پایان‌رسیدن عمر دولت یازدهم و نگرانی شرکت‌های بین‌المللی از پایبندبودن دولت بعدی به قراردادهایی که در این دولت امضا می‌شود، شنیده‌نشدن یک صدای واحد درباره سرمایه‌گذاری خارجی و در مجموع فضای سیاسی داخل کشور و موانع همیشگی که در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وجود دارد، موجب شده است تا اجرای قراردادهای جدید نفتی که به «آی‌پی‌سی» (IPC) شهرت دارد، همچنان در اگما بماند.

حد تابع سیاست‌های دولت‌های خود هستند و چقدر می‌توانند برای دستیابی به منافع خود در صنعت نفت ایران، مستقل از سیاست‌های کلان کشور متبوع خود عمل کنند و خطرهای سرمایه‌گذاری و کار در ایران را بپذیرند، موضوعی است که اکبر سلطانی، تحلیلگر اقتصاد روابط بین‌الملل و دانش‌آموخته اقتصاد روابط بین‌الملل به آن پاسخ می‌دهد.

سلطانی که نماینده دو انستیتوی علمی خارجی در ارتباط با ارائه آخرین فناوری پرتونگاری و تکنولوژی «LRW» در ایران، طراح و نماینده تام‌الاختیار طرف سعودی در پروژه بانک مشترک ایران - سعودی و مشاور هلدینگ‌های بزرگ صنعتی، به‌ویژه گروه‌های نفت و گاز اروپایی و سعودی از سال ۲۰۰۱ میلادی تاکنون است، درباره اینکه شرکت‌های بین‌المللی در اجرای پروژه در کشورهای نفت‌خیز، چقدر تابع سیاست‌های کشورهای متبوع خودشان هستند، می‌گوید: شرکت‌های طراز اول دنیا که رتبه اعتباری یکی از سه سازمان معتبر، S&P Moody's، Fitch را دارند، لزوماً تابع سیاست‌های کشور متبوع خود نیستند؛ هرچند نیازی به تکرار این واقعیت نیست که شرکت‌های بزرگ نفتی به کلوپ‌های سیاسی متصل هستند و چهره‌های سرشناس سیاسی در پس پرده، از فعالیت این شرکت‌ها سود می‌برند و با شاقول سیاست‌های کلان، نقشه راه این شرکت‌های نفتی را ترسیم می‌کنند. اما شرکت‌های دست دوم و سوم تابع سیاست‌های کشور متبوع و بورس بین‌الملل و قوانین بین‌الملل هستند. نکته حائز اهمیت اینکه، شرکت‌های بین‌المللی طراز اول به دنبال شهرت نیستند، بلکه نگران هستند که نکند در پروژه‌های مشارکت کنند و آن پروژه آنها را وادار به حاشیه‌های غیر حرفه‌ای و فنی، مثل تشریح یک طرفه خزانه‌داری آمریکا و... کنند، بنابراین ملاحظه یکی از پارامترهایی است که همیشه در دستور کار خود دارند. سلطانی درباره الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران (IPC) می‌گوید: نسخه نهایی این الگوی قراردادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال دانش فنی و فناوری و تولید صیانتی از مخازن و افزایش ضریب بازیافت را دنبال می‌کند. همچنین حضور در بازارهای بین‌المللی با ایجاد شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی تنظیم شده و با اینکه ملاحظات یی بر او وارد است و نیازمند شفافیت بیشتر به منظور فهم و جذب سرمایه‌گذار خارجی است، برای موقعیت فعلی مثبت ارزیابی می‌شود.

از سوی دیگر شرکت‌های خارجی، شرکای شرکت‌های ایرانی خواهند بود، نه دزدان سرگردنه، بنابراین در تنظیم قراردادهای آتی احترام متقابل مهم‌ترین مؤلفه ادامه همکاری خواهد بود. این تحلیلگر اقتصادی در پاسخ به این پرسش که چه شرکت‌هایی می‌توانند در مناقصه‌های نفتی ایران بعد از نهایی‌شدن آی‌پی‌سی شرکت کنند، می‌گوید: آن دسته از شرکت‌هایی که در وهله نخست در زمره شرکت‌های اکتشاف و تولید (E&P) یا شرکت‌های بین‌المللی نفتی آی‌آسی (IOC) باشند، افزون بر آن به طور حتم رتبه اعتباری یکی از سه سازمان معتبر S&P, Moody's, Fitch را در اختیار داشته باشند. S&P, Moody's در آمریکا مستقر هستند، اما Fitch دفتری در نیویورک و لندن دارد.

سلطانی در مورد اینکه آیا به جز آی‌پی‌سی قراردادهای دیگری نیز با علاقه‌مندان خارجی بسته می‌شود، اظهار نظر می‌کند: ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، سبب قراردادهای شرکت ملی نفت ایران را مشتمل بر مدل جدید قراردادی آی‌پی‌سی، بیع متقابل و آی‌پی‌سی (EPC) و آی‌پی‌سی‌اف (EPCF) تصویب و در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار داده که این سبب بر این اساس هدف‌گذاری شده است که با انعقاد این مدل‌های قراردادی، تولید نفت خام یک‌میلیون بشکه و تولید گاز ۲۵۰ میلیون مترمکعب در روز افزایش می‌یابد.

مدل قراردادی جدید آی‌پی‌سی و قرارداد بیع متقابل با تمرکز بر پروژه‌های شرکت‌های نفت و گاز پارس و مهندسی و توسعه نفت (متن) امضا و اجرایی می‌شود و در مقابل، قراردادهای آی‌پی‌سی و آی‌پی‌سی‌اف بیشتر در پروژه‌های نگهداشت شرکت‌های ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، فلات قاره ایران و نفت مناطق مرکزی کاربرد خواهد داشت. عملاروشن است که سببی از قراردادهای نفتی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیاز است. سلطانی در پاسخ به این پرسش که آیا قراردادهای نفتی که با شرکت‌های خارجی برای اکتشاف، ارزیابی، توسعه، تولید و ازدیاد برداشت منعقد می‌شود، تحت شمول اصل ۷۷ قانون اساسی هست یا خیر، می‌گوید: اصل ۷۷ قانون اساسی حاکی است، عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. هرچند نفت از انفال است و ملاحظات فقهی خاص خود را دارد، تصویب‌نامه هیئت وزیران تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ موضوع نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی است، پس آثار موارد مذکور در اصل ۷۷ قانون اساسی بر آن مترتب نبوده در حکم عهدنامه، مقاوله‌نامه، قرارداد و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نیست تا به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، بلکه با رعایت اصل ۱۳۸ تصویب شده و از وجاهت قانونی لازم برخوردار است. این تحلیلگر اقتصاد روابط بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری نفت اظهار می‌کند: برای تحقق اهداف اقتصادی پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های توسعه‌ای از جمله رشد اقتصادی هشت‌درصدی، نیازمند فناوری روز و جذب سرمایه خارجی هستیم زیرا اتکای صرف به منابع داخلی کشور در بهترین حالت رشد اقتصادی ما، از مرز پنج درصد تجاوز نمی‌کند، این میزان رشد اقتصادی، یعنی حفظ وضع موجود، به بهبود شرایط کمکی نخواهد کرد.

وقتی حداقل ۲۰ درصد ذخایر هیدروکربوری ایران در خارج از مرزها قرار گرفته، صنعت نفت کشور می‌تواند ادعای تحقق رویکرد بین‌المللی داشته و به‌عنوان یک توسعه‌دهنده قوی در میدان‌های نفت و گاز کشورهای دیگر حضور داشته باشد، به شرطی که به منظور مدیریت سرمایه‌گذاری درآمدهای نفت و فرآورده، صندوقی به نام صندوق سرمایه‌گذاری نفت تأسیس کند تا با سرمایه‌گذاری، ریسک جابه‌جایی قیمت‌های انرژی را برای کشور به حداقل برساند و در درازمدت وابستگی به درآمدهای نفتی را کمتر و کمتر کند. رشد اقتصادی نفت در پایان برنامه ششم توسعه ۹،۲ درصد هدف‌گذاری شده که اگرچه تعهد سنگینی است، دست‌یافتنی است. به شرطی که پیشتازی اقتصاد دانش بنیان دومین بند

سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری درباره اقتصاد مقاومتی سرلوحه اقدامات وزارت نفت باشد. نزول ۱۸ پله‌ای ایران در رده‌بندی جهانی از نظر میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی از ابتدای دولت یازدهم، همچنین آمار ارائه‌شده از سوی آگتاد نشان می‌دهد ایران از نظر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۵ میان ۱۴ کشور غرب آسیا همچنان رتبه ششم را به خود اختصاص داده است این فرایند می‌تواند معکوس باشد، اگر شاخص‌های فوق مراعات شود. وی درباره وضعیت فضای سیاسی داخل کشور پس از برجام، می‌گوید: فضای سیاسی داخل کشور پس از برجام شامل دو نگرش عمده درباره تأثیرگذاری این توافق مهم بین‌المللی بر وضعیت اقتصادی کشور است. از یک طرف عده‌ای بر این باورند که برجام نتوانسته آن گونه که بایدو شاید بر وضعیت اقتصادی کشور تأثیرگذار باشد، به گونه‌ای که اقتصاد ایران همچنان دچار مشکلات عمده‌ای است.

از طرفی موافقان برجام معتقدند که به دنبال این توافق، ایران توانسته فضای جهانی را با اتخاذ شیوه‌های جدید دیپلماتیک به نفع خود تغییر داده، از فضای بسته سابق بیرون آمده و به دلیل فرصت‌های سرمایه‌گذاری بسیاری که به منظور توسعه صنعت نفت و گاز ایران ارائه شده، می‌تواند در صورت حل‌وفصل کردن مشکلات نهادینه‌شده ساختاری، شرکت‌های خارجی زیادی را که مشتاق معرفی استعدادها و توانایی‌های خود در حوزه نفت و گاز هستند جذب کرده به رشد اقتصادی هدف‌گذاری شده در برنامه توسعه دست پیدا کند. باوجوداین، تصویر برجام در ذهن مردم روشن نیست.

درباره اینکه چه تأثیراتی می‌تواند بر رشد اقتصادی کشور داشته باشد، سلطانی در پاسخ تکمیلی به این پرسش‌ها که آیا برجام مسئول اصلاح ساختار اقتصادی کشور است و می‌تواند مشکلات نهادینه‌شده در اقتصاد ایران را برطرف کند و این توافق تا چه اندازه می‌تواند یا می‌توانست در نقل‌وانتقالات پولی و مالی به ما کمک و اموال مسدودشده ایران را آزاد کند و اینکه آیا ایران توانست برای دریافت مبالغی که از فروش نفت خود در بانک‌های کشورهای خارجی ذخیره شده بود، اقدام کند، می‌گوید: با فرض پاسخ مثبت به این پرسش‌ها، برجام توانسته است تأثیرات خوبی در اقتصاد کشور بر جای بگذارد.

فراموش نکنیم که به‌دنبال توافق برجام، ایران توانست از سیستم سهمیه‌بندی فروش نفت رهایی یافته، برای افزایش صادرات نفت خود اقدام کند. ولی باید به این گزاره کلی توجه داشت که بهبود وضعیت اقتصادی پس از برجام نیازمند اقدامات ساختاری مثل اصلاح ساختار اقتصادی، برطرف کردن عوامل تجاری و بازکردن مسیر دادوستد با جهان خارج است که می‌تواند شاهد اثرگذاری کامل برجام بر تحولات اقتصادی در کشور باشد.

برجام به‌جز مباحث اقتصادی که طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد، توانسته است فضای عمومی کشور را به سمت مساعدشدن حرکت بدهد که این امر مبارکی است. زمانی ایران به‌عنوان منبع نگرانی در جهان و رسانه‌های جهانی مطرح بود، اما اکنون این موضوع تا حد زیادی تغییر کرده و در اغلب کشورها فضای سابق متحول شده است.



سعید محجوبی، مدیر هماهنگی و نظارت بر تولید شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی

احیای صنعت پالایش ایران در پس‌ابرجام

صنعت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در دوره منتهی به آغاز فعالیت دولت یازدهم از برخی مشکلات و آثار مستقیم و غیرمستقیم وضع تحریم‌های بین‌المللی متاثر بوده است. عملکرد حوزه توزیع فرآورده‌های نفتی یورو ۴ به کلانشهرهای کشور با وجود روند مداوم و توسعه آلودگی در این شهرها در سال‌های منتهی به ۹۲ نمونه‌ای قابل بحث در حوزه مشکلات مدیریتی است.

تولید روزانه ۱۶ میلیون لیتر بنزین یورو ۴ در پالایشگاه شازند

با آغاز به کار دولت یازدهم، تامین سوخت، مطابق با استانداردهای روز بین‌المللی با هدف کاهش میزان انتشار آلاینده در هوای شهرهای بزرگ - که به معضلی دائمی در محیط زیست این شهرها و تهدید جدی برای سلامت شهروندان تبدیل شده بود - در دستور کار حوزه عملیات بخش بالادستی صنعت نفت قرار گرفت.

در پالایشگاه شازند، بنزین با استاندارد یورو ۴ در حال تولید بود، اما در عمل اقدامی به منظور جداسازی و توزیع این فرآورده به کلانشهرهای کشور با هدف

کنترل و کاهش میزان انتشار آلاینده در این شهرها نشده بود.

در همین پالایشگاه، واحد فرآورش گازوئیل به منظور استانداردسازی گازوئیل تولیدی با شاخص‌های یورو ۴ نیز آماده بهره برداری بود اما به دلیل نبود تصمیم گیری درباره انتقال هیدروژن از واحدهای دیگر، واحد فوق در عمل راه‌اندازی نشده بود.

با آغاز به کار دولت یازدهم و اعمال تغییرات مدیریتی در سطوح پایین‌دستی، طی تصمیم‌هایی مقرر شد بنزین تولیدی به میزان ۱۶ میلیون لیتر در روز که دارای استاندارد یورو ۴ است تفکیک و به منظور جلوگیری از اختلاط با بنزین‌های متعارف از طریق

خطوط لوله در مخازن جداگانه در مبدا و مقصد ارسال و نگهداری شود.

افتتاح واحدهای تصفیه بنزین و بازیافت گوگرد در پالایشگاه آبادان

در پالایشگاه آبادان، واحد کت کراکر راه‌اندازی و تولید بنزین از آن آغاز شده بود، اما بنزین تولیدی دارای محتوای گوگرد غیرمنطبق با استاندارد یورو ۴ بود. با پیگیری‌های انجام شده تمرکز بر پروژه گوگردزدایی بنزین آبادان صورت گرفت و سرانجام در اواخر پارسال این واحد نیز راه‌اندازی و واحدهای تصفیه بنزین و بازیافت گوگرد نیز افتتاح شد.

در پالایشگاه تهران نیز علی‌رغم راه‌اندازی طرح توسعه، محتوای بنزین در بنزین تولیدی پالایشگاه، بالاتر از شاخص‌های استاندارد یورو ۴ بود که با تنظیم نقطه برش نفتا و برخی تغییرات در فرایندها میزان بنزین موجود در فرآورده‌های تولیدی به زیر یک و نیم واحد در میلیون رسید.

با اعمال تغییرات مشابه، بنزین موجود در فرآورده‌های تولیدی پالایشگاه تهران نیز به کمتر از یک واحد رسید. به طوری که هم‌اکنون تمام شاخص‌های بنزین تولیدی در پالایشگاه تهران مطابق با استانداردهای یورو ۴ است و تنها شاخص غیرمنطبق آن، عدد اکتان بنزین است.

فرآورده‌های پالایشگاه بندرعباس تا پایان امسال یورو ۴ می‌شود

در پالایشگاه لاوان نیز با پیگیری‌های به عمل آمده، در حال حاضر بنزین و نفت گاز تولیدی پالایشگاه دارای استاندارد یورو ۴ است. با تسریع در عملیات اجرایی و بهره‌برداری قریب الوقوع از طرح‌های ارتقاء کیفیت و بنزین‌سازی در پالایشگاه بندرعباس نیز بنزین تولیدی پالایشگاه در پاییز و گازوئیل تولیدی آن در اسفندماه امسال در شمار فرآورده‌های یورو ۴ قرار خواهد گرفت.

ساخت کاتالیست پالایشگاه اصفهان در داخل

در پالایشگاه اصفهان نیز، علی‌رغم بهره‌برداری از طرح ارتقاء کیفیت به دلیل فقدان دسترسی به کاتالیست واحد آیزومریزاسیون در نتیجه تحریم‌های

موجود، طی جلساتی با مدیریت شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، سفارش ساخت این کاتالیست به یکی از شرکت‌های داخلی ارائه شد و با تحویل محصول، تولید بنزین یورو ۴ از این پالایشگاه نیز آغاز شد.

قطع ریفرمیت پتروشیمی‌ها

در خصوص ریفرمیت دریافتی از پتروشیمی - که محتوای ۱۰ درصد بنزین بود - با آغاز به کار دولت جدید، دریافت محصول مذکور با توجه به آلاینده‌گی و سطح خطرناک مواد تهدیدکننده سلامت شهروندان متوقف شد. با توقف دریافت ریفرمیت جنجال‌های رسانه‌ای برای فشار بر صنعت پالایش با هدف از سرگیری خرید این محصول آسیب‌زا ایجاد شد، که با مقاومت مسئولان و حمایت وزیر نفت، تلاش‌های انجام شده، بی‌نتیجه ماند.

متعاقب آن واحد پتروشیمی بندر امام اعلام کرد که با اعمال تغییراتی در واحدهای فرآیندی و بهره‌برداری از یک واحد جداسازی بنزین از محصول، آماده ارائه فرآورده با محتوای بنزین، گوگرد و عدد اکتان همگی در حد استاندارد یورو ۴ است.

تجهیزات در زمان تحریم با ۲۰۰ درصد افزایش قیمت به ایران می‌رسید

درباره تامین اکثر قطعات و تجهیزات مورد نیاز عملیات پالایش، اعمال تحریم، ضمن تطویل فرآیند خرید به چندین برابر شرایط معمول که طبیعتاً افزایش ریسک‌های عملیاتی را به دنبال داشت،

دشواری‌های متعددی در انتقال پول ایجاد کرده بود و هزینه‌ای ۷ تا ۸ درصد برای انتقال و جوه پرداخت می‌شد. مهم‌تر از همه موارد، قیمت محصولات خریداری شده بود که به طور متوسط بین ۶۰ تا ۲۰۰ درصد افزایش قیمت داشت و نهایتاً تضمین متعارف و قابل قبولی برای دسترسی به کالا با کیفیت مورد نیاز برقرار نبود. حتی برخی فروشندگان اصلی تجهیزات با تمهیداتی مانند نصب جی‌پی‌اس در کالای فروخته شده، آن را ردیابی می‌کردند تا از مقصد آن مطمئن شده و مانع از دسترسی متقاضیان ایرانی به محصولات شوند.

با نهای شدن توافق برجام، مشکلات عمده موجود در تامین نیازها مرتفع شد و بسیاری از فروشندگان اروپایی و ژاپنی (با ارائه قیمت‌هایی که حتی نسبت به قیمت محصول مشابه چینی ارزان‌تر بود) خواهان توسعه همکاری‌ها با صنعت پالایش و پخش کشور شدند. همین‌طور در حوزه توسعه ظرفیت‌های تولیدی و ارتقای کیفیت فرآورده‌ها صنعت پالایش نفت کشور امروز گزینه‌ای جدی برای سرمایه‌گذاران خارجی محسوب می‌شود. به طوری که پس از انجام مذاکرات اولیه و بازدید، مطالعات اولیه و امکان‌سنجی برای سرمایه‌گذاری در برخی طرح‌های مهم شرکت در حوزه‌های فوق آغاز شده است.

مذاکرات در حوزه تامین فناوری و کالا برای حل برخی معضلات موجود پالایشگاه‌های موجود کشور نیز آغاز شده است و انتظار می‌رود با بهره‌گیری از فضای پس از برجام، نقطه عطف جدیدی در صنعت پالایش نفت کشور رقم بخورد.

نگاهی به نشست الجزایر، فریز نفتی و امیدواری ایران به آینده



مجید سلیمی بروجنی | چند روز پیش شاهد حضور کشورهای نفتی عضو و غیر عضو اوپک برای دومین بار در چند ماه گذشته بودیم. اجلاس الجزایر با هدف رسیدن به یک توافق غیررسمی به منظور تثبیت تولید نفت و پس از آن کمک به افزایش قیمت نفت، اتفاق افتاد.

پانزدهمین مجمع بین‌المللی انرژی در الجزایر در شرایطی آماده برگزاری می‌شد که عربستان با مطرح کردن پیشنهاد فریز تولید نفت گردو خاک زیادی در بازارهای جهانی نفت برپا کرد. این در حالی بود که بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران، بارها اعلام کرده بود که ایران نه تنها قصد کاهش تولید خود را ندارد، بلکه باید به جایگاه از دست رفته‌اش قبل از تحریم‌ها بازگردد. در هفته‌های گذشته اما واگرهای بسیاری بر سر توافق در این مجمع شنیده می‌شد و بسیاری از کارشناسان بین‌المللی آن را به دلیل تنش‌های ایران و عربستان غیرممکن می‌دانستند.

تلاش ایران برای افزایش تولید، مقابل تلاش اوپکی‌ها به‌ویژه عربستان برای اجرای فریز نفتی و ثابت‌نگه‌داشتن تولید نفت، احتمال اجرایی شدن این طرح را ضعیف کرده بود. در کنار این احتمال ضعیف، صحبت‌های وزیر نفت کشورمان مبنی بر اینکه تولید نفت خود را محدود نمی‌کند، احتمال شکست طرحی که اوپکی‌ها برای نجات اقتصادشان دنبال آن بودند قوی‌تر کرد. «نفت یک اسلحه نیست و نباید از آن برای آسیب‌رساندن به رقبا و تحقق اهداف سیاسی استفاده کرد» این پیام وزیر نفت ایران بود که به‌عنوان چهارمین سخنران پانزدهمین نشست مجمع جهانی انرژی پشت تریبون قرار گرفت. بیژن زنگنه در تمام عکس‌های این نشست، چهره‌ای خندان داشت و پیش از آغاز سخنرانی خود نیز خیلی صریح اعلام کرد که ایران تولید نفت خود را فریز نخواهد کرد. خبرنگار بلومبرگ از بیژن زنگنه پرسید: «آیا ایران نفت خود را فریز خواهد کرد؟» زنگنه پاسخ داد: «خیر». او دوباره پرسید: ایران به فریز نخواهد پیوست؟ زنگنه پاسخ داد: «در سطح تولید فعلی خیر». خبرنگار بلومبرگ مجدداً پرسید، آیا شما به دنبال سطح تولید چهار میلیون بشکه‌ای هستید؟

وزیر سری تکان می‌دهد و تأیید می‌کند که ایران به دنبال این سقف تولید است. وی در ادامه اعلام کرد که ایران خواستار سهمی حدود ۱۳ درصد از تولید نفت اوپک است. ایران برای رسیدن به این هدف باید حدود ۷۰۰ هزار بشکه بر تولید نفت فعلی خود اضافه کند. «خالد الفالح»، وزیر نفت عربستان سعودی، در حاشیه برگزاری پانزدهمین نشست در الجزایر در گفتگو با بلومبرگ از آمادگی عربستان برای پذیرش مستثنائات ایران از برنامه محدودیت عرضه نفت خبر داد. به عبارت دیگر خالد الفالح، وزیر انرژی عربستان، برخلاف نشست‌های پیشین اوپک، موضعی معطوف‌تر نسبت به ایران اتخاذ و تأکید کرده است، ایران، لیبی و نیجریه باید بتوانند با حداکثر ظرفیت معقول خود

تولید کنند. این در حالی است که عربستانی‌ها پیش از این بارها اعلام کرده بودند در صورتی با اجرایی شدن طرح فریز نفتی موافقت خواهند کرد که ایران هم تولید خود را محدود کند و در این طرح شرکت داشته باشد، اما حالا با گذشت چند هفته از تأکیدهای پایپی، وزیر نفت این کشور، مستثنائات ایران را پذیرفته و این امر پرسش‌های بسیاری را در ذهن تحلیلگران بازار نفت ایجاد کرده است، زیرا زمستان سال گذشته بود که عربستان و قطر، ظاهراً با نگاهی دلسوزانه‌تر به نفت، وارد بازی جدیدی با اوپکی‌ها شدند؛ بازی‌ای که از آن روز تاکنون با حواشی زیادی همراه بوده است. اکنون روسیه به‌عنوان یک کشور غیراوپکی و مکزیک و همین‌طور نروژ و چند کشور دیگر که در حاشیه خلیج فارس هستند، در حال تغییر موضع هستند.

به این دلیل که با پذیرش این موضوع که ایران بتواند محدودیت‌های خود را از سر راه بردارد، فرصتی طلایی ایجاد می‌کند که این فرصت طلایی منجر به تثبیت بازار و تقویت قیمت فروش نفت خام و در نهایت افزایش درآمد ۱۴ کشور عضو اوپک خواهد شد. با این تفاسیر چشم‌انداز فروش نفت از سوی وزارت نفت چیزی حدود چهار میلیون بشکه در نظر گرفته شده است که بدون شک نیازمند سرمایه‌گذاری است. اگر بخواهیم خط تولید فروش نفت به بالای چهار میلیون بشکه در روز برسد، راهی جز جذب سرمایه‌گذاری وجود ندارد و با توجه به اینکه از نظر منابع در شرایط مساعدی به‌سر نمی‌بریم و هنوز هم منابع حاصل شده

از فروش نفت واصل نشده است، نیازمند جذب سرمایه خارجی هستیم. ایران ۲۸ میدان مشترک نفت و گاز با همسایگانش دارد و آنها به واسطه سوءمدیریت‌های دولت قبل و تحریم‌ها چندین برابر ایران برداشت کرده‌اند. نکته جالب، عراق جنگ‌زده است که دوبرابر ایران از میادین مشترکمان برداشت می‌کند. این صنعت در حال حاضر به شدت نیازمند جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تکنولوژی روز دنیاست.

بر همین اساس بود که دولت مدل جدید قراردادهای نفتی را تدوین کرد. البته هیاهوهای سیاسی پیرامون مدل جدید قراردادهای نفتی بالا گرفت و سرانجام دولت با اعمال اصلاحاتی آن را به مجلس فرستاد و سرانجام علی لاریجانی، آن را مصوب و ابلاغ به دولت کرد. اگر چه هنوز نگرانی‌های پیرامون قراردادهای جدید به پایان نرسیده است، وزارت نفت اعلام کرده که به‌زودی مناقصه‌های نفتی با قراردادهای جدید برگزار خواهد شد. در کل می‌توان گفت که خروجی نشست الجزایر برای ایران موفقیت‌آمیز بوده و عربستان نیز دست از لجاجت‌های سیاسی‌اش برداشته است، بدون شک این به نفع کشورهای تولیدکننده نفت در ماه‌های آینده خواهد بود.

امروز می‌توانیم امیدوار باشیم که دوباره به بازارهای جهانی بازمی‌گردیم و این چیزی به جز نتیجه دیپلماسی فعال دولت یازدهم و اجرای برجام و سیاست هوشمندانه بیژن زنگنه نبوده است. صنعت نفت ایران چشم‌انتظار روزهای خوش آینده است.

توافق اوپک به سود ایران



وزیران کشورهای عضو اوپک که هفته گذشته در الجزایر گرد هم آمده بودند تا در نشستی مشورتی درباره کاهش تولید مذاکره کنند، برخلاف پیش‌بینی‌ها به توافق نهایی رسیدند تا از شوق این توافق که پس از هشت سال نخستین توافق اوپکی‌ها محسوب می‌شود، این نشست مشورتی را به نشست فوق‌العاده تغییر نام دهند.

این توافق که با هدف تنظیم بازار و جلوگیری از افت هرچه بیشتر قیمت نفت صورت گرفت، در نگاه اول، با توجه به میزان کاهش تولید که ۷۰۰ هزار بشکه است، چندان اتفاق بزرگی به نظر نمی‌رسد، چراکه میزان مازاد عرضه در بازار بیش از این میزان است. اما با وجود این، این توافق بیش از کمیت، از برخی جنبه‌های دیگر حائز اهمیت است. توافق بر سر کاهش سقف تولید، در شرایطی صورت گرفته که اوپک چند سال پیش نظام سهمیه‌بندی را حذف کرد. این بزرگ‌ترین انتقاد وزیر نفت فعلی ایران به دولت قبل در حوزه اوپک است.

به اعتقاد بیژن زنگنه، حذف نظام سهمیه‌بندی اوپک، موجب شد برخی کشورها همچون عربستان، بیش از سهمیه تعیین‌شده قبلی خود در بازار، نفت تولید کنند و به این ترتیب پس از آن، از غیبت کشورهایی همچون ایران در بازار که به دلیل تحریم‌ها حاصل شده بود، به نحو مناسبی بهره‌برداری کنند. به همین دلیل ایران در سه سال اخیر همواره خواستار بازگشت نظام سهمیه‌بندی اوپک بوده است.

از سال گذشته که در آستانه نشست دوحه، موضوع فریز نفتی یا همان توقف تولید نفت کشورها در سقف کنونی به‌وسیله عربستان مطرح شد، ایران مخالف جدی آن بود، چراکه با توجه به لغو تحریم‌ها، ایران در صدد بازگرداندن تولید خود به میزان پیش از تحریم‌ها یعنی چهار میلیون بشکه در روز بود و فریز نفتی را طرحی برای مانع‌تراشی سعودی‌ها با بازگشت ایران

به بازار نفت ارزیابی می‌کرد. به همین دلیل ایران از آن زمان تاکنون، با پیوستن به فریز نفتی مخالف بود. اما تداوم کاهش قیمت نفت و کسری بودجه عربستان به گونه‌ای بود که آنها مجبور شدند باز هم اجرای طرح فریز نفتی و تثبیت و همچنین کاهش سقف تولید را پیگیری کنند و این امر در نشست الجزایر به طور جدی بررسی شد.

چند روز قبل از نشست الجزایر، عربستان اعلام کرد حاضر است ۳۰۰ هزار بشکه از تولید خود را کاهش دهد مشروط بر آنکه ایران بیش از میزان کنونی که سه میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز و یک میلیون بشکه بیش از سال گذشته است، تولید نکند. اما زنگنه در بدو ورود به الجزایر این موضوع را رد کرد و به صراحت گفت ایران سهم ۱۳ درصدی خود از تولید اوپک را بر مبنای سهمیه‌های قبل از تحریم‌ها می‌خواهد. این موضع زنگنه به این معنا بود که در صورت دست‌نیافتن اعضای اوپک به توافق میزان تولید نفت ایران تا چهار میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز می‌توانست افزایش یابد و در صورت توافق احتمالی باز هم ایران تولیدی کمتر از چهار میلیون بشکه در روز را تجربه نمی‌کرد.

البته لیبی و نیجریه هم شرایطی مشابه ایران داشتند و در صدد افزایش تولید نفت خود بودند. بروز چنین شرایطی، حصول توافق را برای اوپک دشوارتر می‌کرد. اما انتشار گزارش‌هایی که نشان از تأثیر بالای کاهش قیمت نفت بر اقتصاد عربستان داشت، نشان می‌داد سعودی‌ها در اجرای فریز نفتی، این بار بیش از گذشته اصرار دارند. سرانجام این توافق صورت گرفت و در حالی قرار شد کشورهایی همچون عربستان، ۷۰۰ هزار بشکه از تولید خود را کاهش دهند که ایران از این موضوع مستثنا بود و براساس توافق، حق دارد تولید خود را تا چهار میلیون بشکه در روز – ۴۰۰ هزار بشکه بیش از میزان فعلی – افزایش دهد. این برای ایران

یک پیروزی دیپلماتیک محسوب می‌شود، چراکه با این توافق، در صورت کاهش قیمت نفت، ایران دیگر در افزایش عرضه به بازار، مقصر جلوه داده نخواهد شد، زیرا اولاً براساس توافق نشست الجزایر اقدام می‌کند و ثانیاً این حق برای کشورهای لیبی و نیجریه هم به رسمیت شناخته شده و همین موجب می‌شد بار افزایش عرضه نفت، فقط بر دوش ایران نباشد. توافق الجزایر، علاوه بر آنکه توافقی به سود ایران است، توافقی به سود اوپک هم است، چراکه ابتدا اعضای اوپک برای فریز نفتی یا همان تثبیت دولت هم به توافق نمی‌رسیدند، اما اکنون نه فقط برای افزایش نیافتن عرضه به بازار توافق کردند، بلکه قرار شد تولید خود را هم کاهش دهند.

این برای اعضای اوپک که هشت سال بود به هیچ توافقی نرسیده بودند، نقطه آغاز دیگری محسوب می‌شود، چراکه در سال‌های اخیر، تأثیرگذاری اوپک بر بازار جهانی نفت با توجه به افزایش تولید کشورهای خارج از اوپک به‌ویژه آمریکا و روسیه، کاهش یافته بود و اختلافات اعضا این تأثیرگذاری را کم‌رنگ‌تر هم کرده بود. اکنون توافق الجزایر می‌تواند خون تازه‌ای در رگ‌های اوپک باشد که اگر چه نمی‌تواند اقتدار دهه ۱۹۷۰ را باز یابد، اما تأثیرگذاری بیشتری نسبت به یک دهه اخیر در بازار داشته باشد؛ چراکه آنچه در سال‌های اخیر، موجب پنهان شدن اختلافات اعضای اوپک شده بود، قیمت بالای نفت بود و از زمانی که قیمت نفت کاهش یافت، این اختلافات آشکارتر از قبل شد. اکنون با این توافق، می‌توان امیدوار بود اوپک و به تبع آن، کشورهای عضو اوپک به‌ویژه تولیدکنندگان عمده نفت از جمله ایران که در صدد صعود مجدد به رتبه دوم تولید اوپک است، تأثیرگذاری بیشتری در بازار جهانی نفت داشته باشند که این تأثیرگذاری قطعاً در عرصه دیپلماسی نیز همچون بازویی فعال نقش ایفا خواهد کرد.

جلسه بررسی بازارهای صادراتی در اتحادیه اوپکس

جلسه بررسی بازار صادراتی اوکراین با حضور دبیر اقتصادی سفارت این کشور، برخی مسئولان شورای مشترک ایران و اوکراین، جمعی از تجار فعال در بازار اوکراین و اعضای اتحادیه صادرکنندگان فراورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران در محل سالن کنفرانس اتحادیه برگزار شد. استقبال از این جلسه به اندازه ای بود که بسیاری حاضران مجبور شدند ایستاده جلسه را دنبال کنند.





شرکت فراشیمی روز

ما مفتخریم که خود را به عنوان یکی از بزرگترین گروه های بازرگانی که در زمینه های مختلف تجاری و صنعتی در ایران فعالیت می نماید معرفی نماییم .

فعالیت ها و امکانات شرکت ما بشرح زیر می باشد :

۱. صادرات بیش از ۳۰/۰۰۰ تن قیر بصورت ماهانه
۲. صادرات روغن پایه / روغن
۳. بسته بندی و مظروف سازی ۲/۰۰۰ تن قیر بصورت روزانه
۴. ارسال زمینی و دریایی محموله از طریق کشتی های تحت مالکیت یا اجاره شده توسط ما به خاورمیانه تا هند و چین
۵. مخازن با ظرفیت ذخیره سازی ۱۶/۰۰۰ تن در بندرعباس و ۷/۰۰۰ تن در بوشهر
۶. تنها شرکت با کشتی های حمل و نقل دریائی بالک با وسایل گرم کننده تا ۱۴۰ درجه

هدف ما تأمین نظر مشتریان و پاسخگویی به نیاز آنها می باشد . شرکت فراشیمی روز به دنبال روابط طولانی مدت و پایدار با مشتریان خود می باشد.

WWW.FSR-CO.COM



Bitumen-Depot



Bitumen- Shipping



Bitumen- Drummed



Bitumen- Transporting



آدرس : تهران، بلوار آفریقا، ساختمان اداری الهیه، پلاک ۲۴۴، طبقه ۱۱، واحد ۱۱۰۴

فکس : ۲۶۲۱۲۹۸۹

تلفن : ۲۶۲۱۲۸۰۰

info@fsr-co.com

www.fsr-co.com